



# سرودهای زرتشت

برگردان به فارسی

موبد رستم شهزادی

گردآوری و تنظیم به اوستایی و لاتین

آرمین کسروی

## اشو زرتشت

می فرماید: بیاییم از کسانی شویم که این جهان را تازه و نو می گردانند.

### فهرست

۳	پیش از آغاز
۴	هات ۲۸
۱۵	هات ۲۹
۲۶	هات ۳۰
۳۷	هات ۳۱
۵۹	هات ۳۲
۷۵	هات ۳۳
۸۹	هات ۳۴
۱۰۴	هات ۴۳
۱۲۰	هات ۴۴
۱۴۰	هات ۴۵
۱۵۱	هات ۴۶
۱۷۰	هات ۴۷
۱۷۶	هات ۴۸
۱۸۸	هات ۴۹
۲۰۰	هات ۵۰
۲۱۱	هات ۵۱
۲۳۳	هات ۵۳

# به خشنودی اهورامزدا

## پیش از آغاز

گات ها از کهن ترین و سپنتا ترین بخش های اوستاست که از خود اشو زرتشت به یادگار مانده. گات ها جمع گات به چم سرود یا شعر و گفتار منظوم است. گات در زبان پهلوی به گاس تبدیل شده و به فارس گاه گوئیم. در علم موسیقی امروزی ایران هنوز واژه گاه به معنی آهنگ یا نت موسیقی باقی مانده، مانند سه گاه و چهار گاه. در زبان سانسکریت، گات به صورت گیت git در آمده که بعدها به عربی جیت یا جید تلفظ می شود و تجوید به معنی خواندن قرآن با آهنگ و وزن می باشد. به طور کلی کهن ترین ادبیات هر قومی را سرود یا شعر یا مناجات تشکیل می دهد، زیرا مردم می توانند شعر و ترانه و سرود را به آسانی از بر کنند و به خاطر بسپارند. ادبیات منثور بعدها پیدا می شود که آن هم پس از پیدایش خط و نوشتار به وجود می آید. بنابراین اهمیت و تقدس گات ها در میان ایرانیان از روزگار بسیار باستان شناخته شده بود، به طوری که اوستاهای بعدی همه آیات گات ها را به نیکی و احترام نام می برند، از جمله در یسنای ۵۷ که به نام ستوت یشت معروف است آمده: " ما می ستاییم کسی که برای نخستین بار گات های اشو زرتشت را بسرود" در وندیداد که کتاب فقهی دین زرتشتی است، در فرگرد ۱۹ بند ۳۸ از پنج گات های زرتشت یاری می طلبد و در نخستین کرده و یسپرد نیز از گات های زرتشت به طور جداگانه نام می برد و به هر یک درود می فرستد. یکی از دلایل تقدس زیاد و اهمیت فوق العاده گات ها، از میان دیگر بخش های اوستا، این است که تمام اصول دین و آموزش های کیش زرتشتی در آن گنجانیده شده است، گرچه دیگر بخش های اوستا را نمی توان از نقطه نظر یادگارهای کتبی فقهی و تاریخی و علمی و حماسی و آیینی کم اهمیت تر دانست، ولی هیچ کدام از لحاظ دارا بودن مفاهیم و معانی ژرف خدانشناسی و بیان دلکش و ارزش مینوی به پای گات ها نمی رسند. به راستی می توان گفت که گات های اشو زرتشت کتاب اصول دین زرتشتی و بخش های دیگر اوستا فروع دین و شریعت و فقه زرتشتی است. گات ها دارای پنج بخش است که روی هم به هفده "ها" یا "هات" تقسیم شده است و چون نگینی در میان یسنا جای دارد. گات های پنج گانه عبارتند از:

۱- اهنودس (دودس) شامل هفت هات ۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴

۲- اشتود (ددم) شامل چهار هات ۴۳-۴۴-۴۵-۴۶

۳- سپنتمدرو (سوم) شامل چهار هات ۴۷-۴۸-۴۹-۵۰

۴- وهوخشتر (سول) شامل یک هات ۵۱

۵- وهیشتوایشتی (سول) شامل یک هات ۵۳

کتاب های دیگر اوستا عبارتند از:

۱- یسنا (سوس)

۲- ویسپرد (دودس) (سوم)

۳- یشت ها (سوس)

۴- وندیداد (سول) (سوس)

۵- خرده اوستا (سول) (سوس)

# پسنا - هات ۲۸

## بند یکم

مسن ددسد. وهرسدسد. {عز مزنوسسد. ادمسد} مزی مدمدی.

ustānazastō nemanhā yāsā ahyā

ا م ل ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د .

pourwīm mazdā manyōuš rafəðrahyā

م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د .

šyaoṭanā wispəng ašā spəntahyā

م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د .

yā manahō xratūm wanhōuš

م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د . م ز ن ا م ن د د س د .

gəušcā xšnəwīšā

ا م ن د د س د .

urwānəm

پس از برگزیده شدن اشو زرتشت به پیامبری، آن و فشور خرموده است:

**با دستهای برافراشته به سوی تو ای مزدا با فروتنی تمام پیش از همه چیز، خواستارم که بهره ای از خرد مقدس خود را به من عطا فرمایی تا به همراهی درستی کردار و ضمیر پاک بتوانم خوشبختی روان آفرینش (همه جهان) را فراهم سازم.**

## پند دوم

وَسْمَعُ . وَاسْمَعُ . مَدْرَسًا . رَهْمَدًا - پَرْمَدَسَدًا .

pairī-jasāi ahurā mazdā wā yē

وَکَلْبًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا .

ahwā dāwōi maibyō manajhā wohū

مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا .

manajhō hyatcā astwatascā

مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا .

hacā ašāt āyaptā

مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا .

daidīt rapantō yāiš

مَدْرَسًا . مَدْرَسًا . مَدْرَسًا .

x<sup>w</sup>āθrē

## درفه‌است دی‌گر اشو زرتشت

ای اهورا مزدا بشود که با اندیشه نیک به تو نزدیک شوم و با پیروی از هنجار هستی به ارزش نیروهای تن و روان خود پی برم تا بتوانم راستی جویان را به سوی روشنی و خرمی و زندگانی نیک هر دو جهان رهبری کنم.

## پنٔ سوم

سوم. واسه. مویسه. اوله دنداره. مومده مومسه.

manascā ufyānī ašā wā yē

واکسجه. مومده دنداره. مومده مومسه. مومده مومسه.

ahurəm mazdāmcā apaourwīm wohū

مومده مومده. مومده مومده. مومده مومده.

aγžaoṇwamnəm xšaθrəmcā yaēibyō

واسه مومده. مومده مومده. مومده مومده.

ā-mōi ārmaitiš warədatī

مومده مومده. مومده مومده. مومده مومده.

jasatā zawəṅṅ rafədrāi

نفستین پیامبر یکتا پرستی، اشو زرتشت است

ای اهورامزدا-من این سرود های ستایش خود را آن سان که  
پیش از این کسی نسروده است. نیازت می کنم-ای روان  
راستی و ای نیک اندیش واقعی- از تو درخواست می کنم تا  
در جهان، نیروی فنا ناپذیر معنوی ات پرتو افکند. اینک که تو  
را با ستایش خود فرا می خوانم. به سویم شتاب و مرا از  
خوشبختی و کامیابی راستین برخوردار ساز.

## بند چهارم

ووس	اورواس	م	غیر	ووس	ووس
wohū	gairē	mēṇ	urwānəm	yē	
ووس	ووس	ووس	ووس	ووس	ووس
ašīscā	manaṇhā	haṭrā	dadē		
ووس	ووس	ووس	ووس	ووس	ووس
ahurahyā	mazdā	wīduš	šyaoθananam		
ووس	ووس	ووس	ووس	ووس	ووس
tawācā	isāi	yawaṭ			
ووس	ووس	ووس	ووس	ووس	ووس
ašahyā	aēšē	xsāi	awaṭ		

**هنگامی که با منش پاک. تو را با سرود های ستایش فرا می خوانم. آگاه هستم که مرا برای رهبری روان مردم جهان گماشته ای و از پاداشی که تو ای مزدا اهورا برای کردار نیک می بخشی خبر دارم و آماده ام تا زمانی که مرا تاب و توان است. به مردم بیاموزم که به سوی راستی راه پویند.**

## بند پنجم

منیچس. وسچ. وکس. وداغدسز. وماندس.

manascā darēsānī ūβā kaṭ ašā

وکیس. واسچو. واسچو. وماندس. وماندس.

ahurāi gātūmcā waēdōmnō wohū

دورس. دس. دس. دس.

mazdāi sēraoṣəm sōwīštāi

دس. دس. دس.

mazištəm maṭrā anā

واسچو. واسچو. واسچو.

hizwā xrafstrā wāurōimaidī

**ای راستی کی به تو خواهم رسید؟ کی مانند دانایی از بخشش  
منش پاک خشنود خواهم شد؟ چه وقت به فرمان برداری از  
ندای دل و وجدان. به سوی تو راه خواهم یافت؟ کی خواهم  
توانست با زبان خویش و با بیان روشن  
آیین مقدس تو را به جهانیان بفهمانم؟ چه وقت توان آن را  
خواهم داشت که جنگ جویان و بدخواهان و راهزنان و  
گمراهان را به سوی راهی که از همه بهتر و برتر است  
رهبری کنم؟**



## بند ششم

دایدی	ماناها	گادی	وهو
تُو	اوشوايش	دارهگایو	اشا-دا
زارایوشترای	مزدا	اوشايش	اوشايش
اهورا	اهمایبیا	رافنو	اوشايش
تاوروایاما	دوایشا	دایبیشواتو	یا

**ای مزدا به سوی من آی و مرا از بخشش منش پاک و راستی  
 برخوردار ساز- از تو می خواهم که به من زندگی دراز و  
 نیروی سرشاری از مادی و معنوی ارزانی داری تا بتوانم بر  
 کینه بدخواهان و دشمنی دشمنان راه تو پیروز گردم.**

## پند هشتم

وَسَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	مَجُوْ .	سَدَوِيْ .	وَ مَدَوِيْ .
waṇhēuš	ašīm	taṃ	ašā	dāidī
سَدَدَسَدَسَد .	وَ مَدَوِيْ .	مَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	مَجُوْ .
tū	dāidī	manaṇhō	āyaptā	
سَدَوِيْ .	وَ مَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .
maibyācā	išəm	wištāspāi	ārmaitē	
وَسَدَدَسَد .	سَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .
yā	xšayācā	mazdā	dāstū	
وَ .	سَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .
ārādā	srəwīm	maṭrā	wē	

ای اشا بهترین راستی را به من آشکار ساز - ای آرمینیتی  
خواهش و آرزوی مرا نسبت به گشتاسب شاه برآورده ساز. ای  
مزدا - ای سرور من، چنان کن که پیامبر تو بتواند پیروانی  
برای خود فراهم سازد تا به یاری آنان فرمان مقدست را در  
جهان بگستراند.

## بند هشتم

وادین دینم سده . wahištēm	واکر سده . ũβā	وادین دینم سده . wahištā	و سده . yēm
وادین دینم سده . wahištā	وادین دینم سده . hazaošēm	وادین دینم سده . ahurēm	و سده . yāsā
وادین دینم سده . wāunuš	وادین دینم سده . narōi	وادین دینم سده . fērašoštṛāi	و سده . rānhaṅhōi
وادین دینم سده . wīspāi	و سده . yawē	وادین دینم سده . waṅhēuš	و سده . maibyācā

ای اهورا- ای بهتر از همه و ای اشا. ای کسی که پیوسته با  
 بهترین راستی هم اراده ای. آرزوهای مرا و همه یارانم از  
 جمله نامور فرشوستر و کسانی را که اراده کنی برآورده ساز  
 تا همه از بخشش نیک اندیشی در این جهان و بهشت جاودان  
 در جهان دیگر برخوردار شویم.

## پند نهم

.سپس دینم	.وایم	.نوی	.دین و اسد	.مزدیسر	.سپس دینم
ašəmcā	mazdā	ahurā	nōiṭ	wā	anāiš
.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم
hyaṭ	manascā	zaranaēmā	yānāiš	.سپس دینم	.سپس دینم
.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم
yoiṭəmā	wē	yoi	wahištəm	.سپس دینم	.سپس دینم
.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم
zəwīštyaṅhō	yūžēm	stūtəm	dasēmē	.سپس دینم	.سپس دینم
.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم	.سپس دینم
sawanjham	xšaṭrəmca	iṣō			

**ای اهورامزدا- مبادا هرگز کار ناشایستی از من سرزند که  
 مورد خشم تو قرار گیرم. ای راستی و ای سرچشمه پاک منشی  
 پیوسته می کوشم تو را بستایم- ای کسی که آرزوهای ما را بر  
 می آوری- تو را از ته دل درود می گویم . چه می دانم نمازی  
 که از روی ایمان و اعتقاد کامل انجام گیرد به درگاهت  
 پذیرفته خواهد شد- ای کسی که امید بهشت ما به سوی  
 توست.**

## پند دهم

دځ .	وځسځو .	دځسځو .	واځدځدځ .
woistā	aṣāaṭcā	yəṅg	aṭ
واځدځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .
manarḥō	dāṭəṅg	warḥəuščā	
وځسځوځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .
aēibyō	ahurā	mazdā	ərəṭṭəṅg
وځسځوځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .
wē	aṭ	kāməm	āpanāiš
وځسځوځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .
waēdā	asūnā	xšmaibyā	
وځسځوځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .	وځسځوځسځو .
srawā	waiṅtyā	x <sup>w</sup> araiṭyā	

ستایشی ټه با فلوص نیت همراه باشد به درگاه پروردگار پذیرفته می شود.

**ای مزدا اهورا. کسانی را که با درستی عمل و خلوص نیت ستایش تو را به جا می آورند کامروا ساز و آرزوهای آنان را برآورده فرما. چه به خوبی می دانم ستایشی که بدون ریا و عمل درست به درگاهت نیاز شود پذیرفته می شود و بازتاب نیک خود را بروز خواهد داد.**

## بند یازدهم

و س .	س د د .	د س س س .	س د س .	س د س .
manascā	nipānhē	ašəm	āiš	yē
س د س .	س د س س س س .	س د س س .	س د س .	س د س .
mazdā	twēm	yawaētāitē	wohū	
س د س س .	س د س .	س د س .	س د س .	س د س .
ūβahmāt	sīšā	frō-mā	ahurā	
س د س س س .	س د س .	س د س .	س د س .	س د س .
ēāñhā	ūβā	hacā	manyēuš	waocāñhē
س د س .	س د س .	س د س .	س د س .	س د س .
bawaṭ	pouruyō	añhuš	ā	yāiš

از روی ستایش درست می توان به فدا رسید و به حقیقت دست یافت.

**چون از راه خلوص نیت و ستایش درست می توان به خدا که  
اصل راستی و پاک منشی است دست یافت. پس ای مزدا اهورا  
با نیروی خرد و کلام خویش مرا آگاه فرما که در روز نخست.  
این آفرینش چگونه هستی یافته و پایان آن چگونه پیش خواهد  
آمد تا من آن را به درستی به مردم بیاموزم.**

# پسنا - هات ۶۹

## بنت یکم

گەرژدە	ئورۋا	گەۋش	خشايبيا	
gərəždā	urwā	gəuṣ	xšmaibyā	
تاڭاڭ	كە-مە	ئىبارۆزدۇم	مە	كاهمە
taṣaṭ	kə-mā	īḅarōždūm	mā	kahmāi
رەمۆ	ھازسە	ئەشۆمۆ	ئا-مە	
rəmō	hazascā	aēšōmō	ā-mā	
تەۋىشە	دەرەشە	اھىشايا		
təwiščā	dərəščā	āhišāyā		
ئانۆ	خشاڭ	ۋاستە	مۆ	نۆڭ
anyō	xšmaṭ	wāstā	mōi	nōiṭ
ۋاسترىا	ۋوھۇ	ساڭتا	مۆ	اڧا
wāstryā	wohū	saṣtā	mōi	aḅā

### پښتونگی وضع مردمان بهان پیش از برگزیده شدن اشو زرتشت

**روان آفرینش (یا روح موجودات جهان) به درگاه آفریدگار به**

**دادخواهی می پردازد و می گوید:**

**پروردگارا برای چه مرا آفریدی؟ چرا به من پیکر هستی  
بخشیدی؟ خشم و ستیز و کینه و زور مرا به ستوه آورده و  
برای من به جز تو دادرسی نیست. از تو درخواست می کنم.  
برایم یاور و نجات دهنده ای فرستی تا بتواند زندگانی آسوده  
و خرمی به من بخشد.**

## پند دوم

دوسد.	م دسجسد.	ل (ا) دسد.	ل (ا) دسد.	دسجسد.
aṣəm	perəsaṭ	gəuš	tašā	adā
وسدسد.	م دسد.	ل دسد.	ل دسد.	ل دسد.
ratuš	gawōi	tōi	kaṭā	
س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.
xšayaṇtō	dātā	hīm	hyaṭ	
س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.
ṭβaxšō	gaodāyō	wāstrā	hadā	
س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.
yā	ahurəm	uštā	hōi	kēm
س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.
wādāyōiṭ	aēṣəməm	drəgwōdəbīš		

آن گاه آفریدگار جهان از اشا (که مظهر ضمیر پاک و هنجار آفرینش اهورامزداست) پرسید: چه کسی را تو به عنوان رهبر و نجات دهنده مردمان جهان می شناسی تا او را یاور و پشتیبان باشد تا ما به او نیروی آباد کردن جهان و گسترش راستی بخشیم؟ ای اشا چه کسی را به عنوان پیشوا و رهبر مردمان جهان معرفی می کنی که بتواند سپاه بدکاران و گمراهان را در هم شکند و خشم و نفرت را از جهان و جهانیان دور سازد.



## پند سوم

دسوسد.	دسوسد.	دسوسد.	دسوسد.
sarəjā	nōiṭ	aṣā	ahmāi
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
paitī-mrawaṭ	gawōi	adwaēṣō	
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
yā	wīduyē	nōiṭ	awaēṣam
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
ərəṣwāṅhō	ādrəṅ	ṣawaitē	
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
yahmāi	aojištō	hwō	hāṭam
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
kərəduṣā	jimā	zawəṅ	

سپس اشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد: آن پیشوا و رهبری که برای جهانیان برگزیده خواهد شد. نباید چون سلطانی بیدادگر و زورگو باشد. بلکه باید دادگر و مهربان باشد. ولی من در میان کسانی که در این جهان به سر می برند کسی را نمی شناسم که بتواند نیکوکاران را در برابر ستم پیشگان یاری کند. در واقع چنین کسی باید بسیار نیرومند باشد تا ما بتوانیم به موقع به یاریش برخیزیم.

## پند چهارم

و مدیوسم.	دندسرسا.	و مدادسدم.	وسرس-زی.
mazdā	sax <sup>w</sup> ārē	mairištō	yā-zī
واسدو (ایزی).	و مدای-مردو پ.	و مدو و سدسدم.	
wāwərəzōi	pairī-ciθīt	daēwāišcā	
و مدو و سدسدم.	وسرس.	و مدای و سدسدم.	
mašyāišcā	yācā	warəšaitē	
مدو پ-مردو پ.	و مدای.	مدو پ-ای.	
aipī-ciθīt	hwō	wīcirō	ahurō
مدو و پ.	وسردو پ.	و مدو پ.	و مدو پ.
aṇhaṭ	yaθīā	hwō	wasat

### دنبال پاسخ اشا

ای مزدا تو خود از همه بهتر می دانی که در گذشته چه کارهای ناشایستی از بدکاران و هواخواهان آنان سرزنده است یا در آینده سر خواهد زد. پس برای این ماموریت بزرگ یعنی رستگاری مردمان جهان اراده تو به هر که تعلق گیرد بدان خرسندم.

## بنت پنجم

.س. و.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.	.س.س.س.
ahwā	ustānāiš	wā	aṭ
.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.
ā	ahurāi	frīnəmnā	zastāiš
.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.
hyaṭ	azyā	gəušcā	urwā mē
.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.
fərasābyō	dwaidī	mazdām	.س.س.س.س.س.
.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.
frajyāitiš	ərəžəjyōi	nōiṭ	.س.س.س.س.س.
.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.
pairī	drəgwasū	fšuyentē	nōiṭ

**بنابراین من و روان آفرینش با دستهای برافراشته از تو  
خواستاریم که مبادا هرگز نیکوکاران دچار رنج و آزار شوند  
و به پارسایان و کارگران درست کار از سوی بدخواهان رنج و  
آسیب رسد یا بر آن ها غالب شوند.**

## پنجم ششم

مذ.	وادی پرمی.	مهورا.	وادی وسم.
mazdā	ahurō	waocaṭ	ē aṭ
نوی.	وادی وسم.	وادی وسم.	وادی وسم.
nōit	wyānayā	wafuš	wīdwā
موی وسم.	وادی وسم.	وادی وسم.	وادی وسم.
ratuš	naēdā	wistō	ahū aēwā
موی وسم.	موی وسم.	موی وسم.	موی وسم.
zī	aṭ	hacā	ašātcit
وادی وسم.	وادی وسم.	وادی وسم.	وادی وسم.
wāstryaicā	fšuyantaēcā	ūβā	
موی وسم.	موی وسم.	موی وسم.	موی وسم.
tatašā	ūβōrəštā		

آن گاه اهورامزدا که همه چیز را از خرد خویش در می یابد  
 خطاب به اشا و روان آفرینش گفت: آیا یک رهبر دنیوی  
 شایسته یا نجات دهنده روحانی را که سرشار از پاکی و راستی  
 باشد نمی شناسی که من او را به عنوان پاسبان و نگهبان  
 آفرینش بر گزینم و ماموریت آرایش جهان را به او سپارم.

## بنت هتم

. ۴۴	سی جم گزید.	اسورا گزید.	۴۴
maθrəm	ahurō	āzūtōiš	tēm
. ۴۴			
. ۴۴			
hazaošō	ašā	tašaṭ	
. ۴۴			
hwō	xšwīdəmca	gawōi	mazdā
. ۴۴			
. ۴۴			
sāsnayā	spəntō	urušaēibyō	
. ۴۴			
yē-ī	mananḥā	wohū	kastē
. ۴۴			
. ۴۴			
marətaēibyō	əəwā	dāyāt	

**اهورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می دهد: مگر این سرود  
مینوی خوشبختی افزا (اهونور) را که یگانه سرود آرامش بخش  
دلها و اراده اش با اشا یکسان است برای پیشرفت جهان و  
مردمان درست کردار نبخشیده ام. آن گاه اهورامزدا خطاب  
به وهومن یا خرد مقدس خویش کرد و گفت: ای وهومن  
کیست آن رهاننده ای که تو بر خواهی گزید تا بتواند مردمان  
را یاری کند و از گمراهی برهاند؟**

## پند هشتم

مویعه. هژد. دوسد. واددمژ. ۳۳-۴۱.  
 yē-nō                      wistō                      idā                      mōi                      aēm  
 مویوژ. دسدس. وچویچدمسد.  
 gūṣatā                      sāsnā                      aēwō  
 دسایوژدمژ. ددمسدژ. هژوژ. ۴۱.  
 nō                      hwō                      spitāmō                      zaraḏuštrō  
 هژوسد. واددمژ. مویچدمسد. مژدایوژ(ایوژ)سد.  
 carəkərəḏrā                      aṣāicā                      waštī                      mazdā  
 دسایوژدمژکسویچ. هژدمژ. هژد.  
 hōi                      hyaṭ                      srāwayeḡhē  
 هژوژ(ایوژ)سددمسد. واددمژ. واددمژ.  
 waxəḏrahyā                      dyāi                      hudəmēm

## پاسخ وهومن

**یگانه کسی که (به نظر من) آیین مقدس را پیروی می کند و اندیشه راستین را می گستراند. همانا زرتشت اسپنتمان است. تنها اوست که خواستار آموزش آیین راستین و سرودهای ستایش مزداست. بنابراین. برای پیش برد کارش ما به او زبانی سخنور و گویا و گفتاری دل پذیر و شیوا خواهیم بخشید.**

## بنت نهم

دعومسد.	دغوش.	اورسد.	ارددمسد.	وس.
yē	gēuš	urwā	raostā	aṭcā
داسدس.	دسغوش.	دسغوش.	اسدس.	
anaēšəm	xšānmēnē	rādəm		
داسدس.	دغوش.	دسغوش.	دسغوش.	سد.
wācəm	nərəš	asūrahyā	yēm	ā
داسدس.	دسغوش.	دسغوش.	دسغوش.	
wasəmī	išā	xšaṭrīm		
دسوس.	دسوس.	دسوس.	دسوس.	وس.
kadā	yawā	hwō	aṅhaṭ	yē
دسوس.	دسوس.	دسوس.	دسوس.	دسوس.
hōi	dadaṭ	zastawaṭ	awō	

**آن گاه روان آفرینش با بانگ بلند فریاد زد: آیا من باید بدون چون و چرا، رهبری و پشتیبانی چنین شخصی ناتوانی را بپذیرم و به سخنان او گوش دهم؟ در صورتی که من در آرزوی فرمانده و سرداری توانا و سلحشور بودم تا بتواند با بازوان نیرومند خود مرا یاور و پشتیبان باشد.**

## پند دهم

سوم اهورامزدا .	میدانم .	میدانم .	میدانم .
aogō	ahurā	aēibyō	yūžēm
وسم .	میدانم .	میدانم .	میدانم .
xšaθrəmca	ašā	dātā	
میدانم .	میدانم .	میدانم .	میدانم .
yā	manarhā	wohū	awaṭ
میدانم .	میدانم .	میدانم .	میدانم .
dāt	rāmaṃcā	hušēitiš	
میدانم .	میدانم .	میدانم .	میدانم .
θβam	mazdā	ahyā	azēmciṭ
میدانم .	میدانم .	میدانم .	میدانم .
waēdēm	paourwīm	mējhi	

### دنباله تقاضای روان آفرینش

در این صورت، ای اهورامزدا و ای اشا از شما درخواست می‌کنم. به زرتشت نیروی معنوی و توانایی جسمی ببخشید و ای وهومن تو نیز به زرتشت نیروی اندیشه و هوش سرشار ارزانی دار تا از پرتو آن جهانیان را آرامش و آسایش بخشد. پس ای مزدا با پیشنهادات خشنود و خرسند خواهیم بود و زرتشت را به عنوان شایسته ترین مرد جهان به رهبری خود می‌پذیرم.



## بند یازدهم

و اوسد . سیدئس . واکس ورسد . سدژ . سدس و اوسد .

xšaθrəmçā      manō      wohucā      ašəm      kudā

سد . سد . سدس . سدس . سدس . سدس .

mazdā      yūžəm      mašā      mā      aθ

سد . سدس . سدس . سدس . سدس .

ā      magāi      mazōi      frāxšnənē

سدس . سدس . سدس . سدس . سدس .

awarē      nū-nā      ahurā      paitī-zānatā

سدس . سدس . سدس . سدس . سدس .

yūšmāwatəm      rātōiš      ēhmā

### دنباله تقاضای روان آفرینش

**ای مزدا- کی راستی و اندیشه نیک و توانایی مینوی به ما  
روی خواهد کرد؟ کی انجمن مغان و پیشوایان دین. آیین تو را  
خواهند پذیرفت. اینک که یاور و پشتیبانی برایم برگزیده ای.  
آماده ام. او را بپذیرم و خوشنودی او را فراهم سازم.**

نخستین موعظه اشو زرتشت به مردم

## پسنا- هات ۳۰

### بند یکم

یاه. ویدو. ویدو. ویدو. ویدو. ویدو.

yā iṣəntō waxšyā tā aṭ

ویدو. ویدو. ویدو. ویدو. ویدو.

wīdušē hyaṭcīṭ mazdāθā

ویدو. ویدو. ویدو. ویدو. ویدو.

yesnyācā ahurāi staotācā

ویدو. ویدو. ویدو. ویدو. ویدو.

humazdrā mananḥō waṅhəuš

ویدو. ویدو. ویدو.

yā yecā aṣā

ویدو. ویدو. ویدو.

urwāzā darəsatā raocəbīš

اینک از برای کسانی که خواستار شنیدن حقیقت هستند سخن می گویم- این گفتار از سوی اهورامزدا سرچشمه راستی و نیک اندیشی است و هر که دانا و هواخواه راستی باشد. باید به آن گوش دهد. زیرا تنها با پیروی آن می توان به سرای درخشان فردوس راه یافت.

## پند دوم

دانا گم سده. و اوستا سده. و اوستا سده.

wahištā                      gəušaīš                      sraotā

دانا گم سده. دانا گم سده. دانا گم سده.

manarhā                      sūcā                      awaēnatā

دانا گم سده. دانا گم سده. دانا گم سده.

narēm                      wiciŋahyā                      āwarəṇā

دانا گم سده. دانا گم سده. دانا گم سده.

tanuyē                      x<sup>w</sup>ahyāi                      ŋarəm

دانا گم سده. دانا گم سده. دانا گم سده.

ahmāi                      yāṅhō                      mazē                      parā

دانا گم سده. دانا گم سده. دانا گم سده.

paiti                      baodantō                      sazdyāi                      nē

اشه زرتشت مردم را در انتساب راه فیر و شر آزاد گذارده است.

**ای مردم بیایید بهترین گفتار را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه روشن در آن بنگرید و پیش از آن که فرصت از دست برود هر مرد و زن باید به شخصه میان راه درست (مزدآپرستی) یا نادرست (دیوپرستی) یکی را برگزیند. بشود که به یاری مزداهورا در گزینش راه درست کامیاب شوید.**

## پند سوم

ی‌آ	پوروی‌ه	مای‌یو	تا	اژ
yā	pouruyē	mainyū	tā	aṭ
اس‌ر‌وات‌م	خ‌اف‌نا	ی‌ما		
asrwātēm	x <sup>w</sup> afēnā	yēmā		
ش‌یا‌و‌دان‌وی	وا‌ح‌ا‌ح‌ا	مان‌ا‌ح‌ا		
šyaodānōi	wacahicā	manahicā		
اک‌م‌کا	وا‌ی‌و	هی		
akəmca	wahyō	hī		
ا‌ر‌ش	هود‌ا‌ن‌و	ا‌س‌کا		
erēš	hudānḥō	āscā		
د‌و‌ژ‌د‌ا‌ن‌و	ن‌وی‌ت	وی‌ش‌یا‌تا		
duždānḥō	nōiṭ	wīšyātā		

و بهود دو نیروی همزادی که در آخرینش لازم و ملزوم یکدیگرند.

**آن دو نیروی هم زادی که در آغاز در اندیشه آدمی پدیدار شدند. یکی سپنتا مینو یعنی نیکی در اندیشه و گفتار و کردار و دیگری انگره مینو یعنی بدی در اندیشه و گفتار و کردار است. از میان این دو، دانا نیکی را برمی‌گزیند و نادان بدی را.**

## بند چهارم

مذہب سادہ . یزدان سادہ . سادہ سادہ . سادہ سادہ .

mainyū hēm tā hyaṭ aṭcā

سازدند . سازدند . سازدند . سازدند .

dazdē paourwīm jasaētəm

سازدند . سازدند . سازدند . سازدند .

yaḏ'ācā ajoyāitīmā gaēmā

سازدند . سازدند . سازدند .

aṅhuš apēməm aṅhaṭ

سازدند . سازدند . سازدند .

aṭ drəgwatəm acištō

سازدند . سازدند . سازدند .

manō wahištəm aṣāunē

### تار این دو نیروی همزاد

**هنگامی که این دو نیرو به هم رسیدند. هستی و نیستی  
(حرکت و سکون) پدیدار شد و تا هستی برقرار است بدترین  
زندگی. و وضع روانی. بهره پیروان بدی. و بهترین زندگی و  
خوشبختی. پاداش پیروان نیکی است.**

## بنا پنجم

دردسب.	وادردهسب.	وادردهسب.	وادردهسب.
yē	waratā	maniwā	āyā
وادردهسب.	دردسب.	وادردهسب.	وادردهسب.
wərəzyō	acištā	drəgwā	
دردسب.	دردسب.	دردسب.	دردسب.
yē	spēništō	mainyuš	ašəm
دردسب.	دردسب.	دردسب.	دردسب.
wastē	asēnō	xraoždīštəng	
دردسب.	دردسب.	دردسب.	دردسب.
haiθyāiš	ahurəm	xšnaošən	yaēcā
دردسب.	دردسب.	دردسب.	دردسب.
mazdām	fraoət	šyaoθanāiš	

بدان از رهی نادانی نیک را از بد نمی توانند تمیز دهند.

**از میان این دو نیروی هم زاد. نادان زشت گرا بدترین کردار و خردمند راست گرا. که پیوسته خواستار نیکی و خشنودی پروردگار است. نیکی را که با خرد مینوی و ایزدی آراسته است. بر می گزیند.**

## بند ششم

دردسم.	(ا)د.	وایسوردسم.	
wiśyātā	erəš	nōiṭ	āyā
ویدووسردسم.	س-وایردسم.	سردسم.	سردسم.
ā-dəbaomā	iš	hyaṭ	daēwācinā
و(ا)دو(ا)دسم.	و(ا)دسم.	و(ا)دسم.	و(ا)دسم.
hyaṭ	upā-jasaṭ	pərəsmanəṅg	
و(ا)دسم.	و(ا)دسم.	و(ا)دسم.	
manō	acištəm	wərənātā	
د.	و(ا)دسم.	و(ا)دسم.	و(ا)دسم.
hēṇdwāreṇtā	aēšəməm	aṭ	
و(ا)دسم.	و(ا)دسم.	و(ا)دسم.	و(ا)دسم.
marətānō	ahūm	bānayeṇ	yā

در انتساب راه نیک از بد، نباید قول خریب کاران را فهرد

از میان این دو نیرو، نادانان چون نمی توانند نیک را از بد تمیز دهند، در هنگام مشورت با بداندیشان و فریبکاران، دیو فریب فرا رسد و آنان را به گزینش زشت ترین اندیشه و ادار سازد و سپس برای انجام کار زشت ناگزیر به سوی خشم و زور روی آورند و بدین وسیله زندگی آدمیان را به تباهی کشانند.

## بنت هتم

دس و سدرسد . دل یخ دوق اسد . ی دد دد .

jasat xšaθrā ahmāicā

سد و سدرسد . دل یخ دوق اسد .

ašācā wohū manarhā

د . و سدرسد . دل یخ دوق اسد .

utayūitiš kəhrpēm at

دس و سدرسد . دل یخ دوق اسد .

aṇmā ārmaitiš dadāt

دس و سدرسد . دل یخ دوق اسد .

yaθā aṇhat ā tōi aēšam

دس و سدرسد . دل یخ دوق اسد .

pouruyō ādānāiš ayanhā

بنابر قانون ازلی پروردگار، نیکی پاداش نیکان و بدی سزای بدان است.

**کسانی که از نیروی ایزدی و نیک اندیشی و راستی برخوردار باشند و فرشته مهر و دوستی در وجود آنان راه یافته باشد، در انتخاب راه نیک کامیاب می شوند و به پاداش آن، در دو جهان بهره نیک یابند.**



## بند هشتم

سپاسد.	سرسوسد.	سپسپسپس.	وسپسپس.
kaēnā	aēṣṣam	yadā	aṭcā
سپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپس.
mazdā	aṭ	aēnaṣṣam	jamaiti
سپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپس.
manaṣṣhā	wohū	xṣaṭrəm	taibyō
سپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپسپس.
sastē	aēibyō	wōiwīdāiti	
سپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپسپس.	
aṣṣāi	yōi	ahurā	
سپسپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپسپسپس.	سپسپسپسپسپسپسپس.	
drujəm	zastayō	dadən	

هلی در پایان، نیکی بر بدی پیره می شود و رستافیز خرا می رسد.

**هنگامی که کیفر اهورایی بر گناه کاران فرا رسد و بدان به  
جزای زشت خود رسند. آن گاه جهان را نیروی پاک منشی فرا  
خواهد گرفت و با پیروی از راه ایزدی، در پایان، بدی به دست  
نیکی شکست می خورد و دروغ به بند راستی در می آید.**

## بند نهم

مدیوسم دس. مژد. واسم. سزاسدس. وسژد.
yōi            hyāmā            waēm            tōi            aṭcā
.س. ه(اسم). و(اسم). مدس.
ahūm            kərənāun            fərašēm            īm
سدیوسم دس. مدس(اسم)ژد. س-ژد مدس(اسم).
ā-mōyastrā            ahurānḥō            mazdāscā
ردا(اسم). مدس(اسم). سزاسدس. سمد(اسم).
haṭrā            hyaṭ            ašācā            baranā
سمدس. ردا(اسم). سمد(اسم).
yaṭrā            bawāṭ            manā
مردس(اسم). مدس(اسم). سمد(اسم).
maēṭā            aṅhaṭ            cistiš

بشود که ما از زمره رستائیز کنندگان جهان باشیم و به رهبری دیگران پردازیم.

---

**ما خواستاریم از زمره کسانی باشیم که جهان را به سوی پیشرفت و آبادی. و مردم را به سوی راستی و پارسایی ره نمایند. بشود که مزدا ما را یاری فرماید تا با نیروی اندیشه و دل (عقل و عاطفه) به سرچشمه دانایی پی بریم.**

## بند دهم

دوس-زیه	دروسه	دروچیه	دروچیه
adā-zī	awā	drūjō	awō
درو دوسیه	دو و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه
bawaitī	skəndō	spayaṭrahyā	
دو	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه
aṭ	asištā	yaojaṇtē	
دو-دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه
ā-huṣitōiš	waṇhōuš	manaṇhō	
دو و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه
mazdā	aṣahyācā	yōi	
دو و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه	دو دوسه و سچو و چیه
zazəṇtī	waṇhāu	srawahī	

بدکاران تا به سزای بدی فود نرسند، به راه راست گرایش نمی کنند.

**بدکاران پس از رسیدن به سزای زشت خود پشیمان می شوند و اندیشه و دل آنان به سوی نیکی خواهد گرایید و آن گاه اشا و خرد پاک به یاری آنان می شتابد و در گزینش راه درست به آنان یاری می دهد.**

## بنت یازدهم

سودد س.	اوسد س.	ت س.	ه س.
sašaṽā	urwātā	tā	hyaṭ
س س.	وس س.	سوس س.	سوس س.
mašyānhō	dadāṭ	mazdā	yā
س س.	س س.	س س.	س س.
hyaṭcā	ēnəitī	x <sup>v</sup> iticā	
س س.	س س.	س س.	س س.
rašō	drəgwōdəbyō	darəgēm	
س س.	س س.	س س.	س س.
aṭ	aṣawabyō	sawacā	
س س.	س س.	س س.	س س.
uštā	aṅhaitī	tāiš	aipī

بهشت یا دوزخ هر کس در این جهان در دست خود اوست

**ای مردم اگر از قانون ازلی که مزدا برقرار داشته است. آگاه می شدید و از خوشی و پاداش نیک راستی و رنج و پادافره زشت کژی در این جهان و سرای دیگر با خبر می شدید آن گاه کاری می کردید که همیشه روزگارتان به خوشی بگذرد.**

# پسنا- هات ۳۱

## بند یکم

م.س. و.ا. (اوردم.س. ه.ا.ی.و.ی. م.و.ا.و.م.س.  
 aguštā marəntō urwātā wō tā  
 و.ا.م.س. م.و.ا.ی.و.ی. م.و.ا.و.م.س. م.و.ا.و.م.س. و.ا.و.ی.  
 yōi aēibyō səṅghāmāhī wacā  
 (اوردم.س.و.ی. و.ا.و.ی. م.و.ا.و.م.س.  
 ašahyā drūjō urwātāiš  
 م.و.ا.و.م.س. و.ا.و.ی. م.و.ا.و.م.س. م.و.ا.و.م.س.  
 atcīt wimərəṅcaitē gaēvā  
 م.و.ا.و.م.س. و.ا.و.ی. م.و.ا.و.م.س.  
 yōi wahištā aēibyō  
 م.و.ا.و.م.س. م.و.ا.و.م.س. م.و.ا.و.م.س.  
 mazdāi aṅhən zarazdā

پیام اشو زرتشت را قبلاً هیچ پیامبری به آدمیان ابراهیم نکرده بود

**ای مردم اینک شما را از پیامی آگاه سازم که تا حال کسی  
 نشنیده است. و فرمانی که شنیدن آن برای بدکاران و دروغ  
 پرستان ناگوار خواهد بود. ولی برای کسانی که از ته دل به  
 مزدا ایمان آورده اند. دل پذیر می باشد.**

## پند دوم

وَسْرَسْرِيْـَٔ	سَدَسْدِـَٔ	نَوِيْـَٔ	اَوْرَسْرَوِيْـَٔ
yezi	āiš	nōiṭ	urwānē
مَدَوْرَسْـَٔ	مَدْرِيْـَٔ-وَعِـَٔ	اَعِيْـَٔ	وَأَسْرَسْرَسْـَٔ
ādwā	aibī-dərəštā	wahyā	
مَدْـَٔ	وَأَسْـَٔ	وَأَبَدَدَوْرَسْرَوِيْـَٔ	سَدَدْرِيْـَٔ
aṭ	wā	wīspēng	āyōi
وَسْرَسْرَوِيْـَٔ	اَسْمَدْـَٔ	سَدَسْرَوِيْـَٔ	
yaṭā	ratūm	ahurō	
وَأَسْرَسْرَوِيْـَٔ	مَدِيْـَٔ	مَدْرَسْـَٔ	مَدَدَدَدْرَسْـَٔ
waēdā	mazdā	ayā	aṣayā
وَسْرَسْـَٔ	مَدِيْـَٔ	سَدَسْرَسْـَٔ	وَأَسْرَسْرَوِيْـَٔ
yā	aṣāṭ	hacā	jwāmahī

### علت برگزیده شدن پیامبران از جمله اشو زرتشت

از آن جایی که برگزیدن بهترین راه برای مردم کار دشواری است. من که زرتشت هستم برای رهبری شما برگزیده شده ام. رهبری که اهورامزدا گواه راستی و درستی گفتار اوست - باشد که همه برابر آیین مقدس مزدا زندگی کنیم.

## پند سوم

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

aṭrācā mainyū dā yaṃ

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

rānōibyā cōiš ašcā

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

urwatəm hyaṭ xšnūtəm

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

mazdā nē taṭ cazdōṅhwadēbyō

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

ṭṭahyā hizwā waocā wīdwanōi

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

jwāntō yā aṅhō

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

wāurayā wīspēṅ

### مهوریت اشو زرتشت از جانب پروردگار

من شما را از پاداش و سزایی که اهورامزدا برای گروه نیکان و بدان مقرر داشته آگاه خواهم ساخت و به شما خواهم گفت سرانجام کسی که به پیروی راه دین مزدا برآید چیست؟ مزدا این ها را از زبان و کلام خود به من آموخت و فرمان داد تا آن را به جهانیان برسانم.

## پند چهارم

سرسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .
yadā	aṣəm	zəwīm	aṅhən
سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .
mazdāscā	ahurāṅhō	ašicā	
سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .
ārmaitī	wahištā	išasā	manarhā
سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .
maibyō	xšaθrəm	aojŋhwaṭ	
سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .
yehyā	wərədā		
سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .	سوسوسدسوسد .
wanaēmā	drujəm		

یاری فواستن اشه زرتشت از پورهنگار در انجام این کار بزرگ

**بنابر این من از اهورامزدا پیوسته درخواست می کنم. مرا در این کار بزرگ یاری فرماید تا بهترین راه زندگی را به مردم بیاموزم و از نیروی خرد و راستی و عشق الهی. آرزو مندم مرا توانایی بخشند تا بر دروغ پرستان چیره شوم.**



## بنت پنجم

waocā	wīcidyāi	mōi	taṭ
واو کاسا . وایکیدیای . موی . تات			
dātā	ašā	mōi	hyaṭ
داتا . اشا . موی . هیاٹ			
manañhā	wohū	wīduyē	wahyō
مانانها . وهو . ویدویه . واهو			
yehyā-mā	daidyāi	mēñcā	
یهیا-ما . دایدیای . مینچا			
ahurā	mazdā	tācīṭ	erəṣiṣ
اهورا . مزدا . تایت . اریشیش			
aṇhaṭ	wā	nōiṭ	yā
انهاٹ . وا . نوت . یا			
wā	aṇhaitī		

### دنباله یاری فواهی از پروردگار یکتا

**ای مزدا اهورا- در پرتو اشا بهترین راه را به من بنما تا هم  
 خود در آن گام بردارم و هم پاداش شادی بخش پیروی از آن را  
 به دیگران بیاموزم. مرا نیز از منش پاک برخوردار ساز تا از  
 حال و آینده مردمان جهان آگاه شوم.**

## بنت ششم

. ۴۳۰	. ۴۴۰	. ۴۵۰	. ۴۶۰
yē	wahištēm	aṅhaṭ	ahmāi
. ۴۷۰	. ۴۸۰	. ۴۹۰	. ۵۰۰
haiθīm	waocāt	wīdwā	mōi
. ۵۱۰	. ۵۲۰	. ۵۳۰	. ۵۴۰
haurwatātō	yim	maθrēm	
. ۵۵۰	. ۵۶۰	. ۵۷۰	. ۵۸۰
awaṭ	mazdāi	amerētāscā	ašahyā
. ۵۹۰	. ۶۰۰	. ۶۱۰	. ۶۲۰
hōi	hyaṭ	xšaθrēm	
. ۶۳۰	. ۶۴۰	. ۶۵۰	. ۶۶۰
mananḥā	waxšaṭ	wohū	

دعای فیر. به ارشاد کنندگان راه راستی

**کسی که راه راست را به مردم بیاموزد و دیگران را از پیام  
فرخنده و جاودانی مزدا آگاه سازد. بشود که از بهترین پاداش  
نیک برخوردار شود و از نیروی اهورایی که در پرتو پاک  
منشی به دست می آید بهره مند شود.**

## پند هفتم

سرمدمم سد.	مدسوم سد.	لک داوررک.		
pouruyō	maṇtā	yastā		
سرمدمم سد.	لک داوررک.	مدسوم سد.		
x <sup>w</sup> ādrā	rōiṽβən	raocēbiš		
سوررک.	لک داوررک.	وسوم سد.	مدسوم سد.	
aṣəm	ḍamiš	xraṽβā	hwō	
سوم سد.	وسوم سد.	وسوم سد.	وسوم سد.	
manō	wahištəm	dārayaṭ	yā	
سوم سد.	وسوم سد.	وسوم سد.	وسوم سد.	
uxšyō	mainyū	mazdā	tā	
سوم سد.	وسوم سد.	وسوم سد.	وسوم سد.	
hāmō	ahurā	nūrēmcīṭ	ā	yē

### اهورامزدا سرپشمه انوار صوری و معنوی است

**ای مزدا- ای اندیشمند بزرگی که از روز نخست. افلاک را با نور خود روشن ساختی و با نیروی خرد خویش به این درستی و خوبی نظم و هنجار دادی- ای کسی که همواره یکسانی. فروغ ایمان و نور پاک منشی را بر همه ما بتابان.**

## بند هشتم

.مذ	.و کس	.ف س	.و او
pourwīm	mēṅhī	ϑβā	aṭ
.مذ	.س	.و	.و
mananḥā	stōi	yezīm	mazdā
.و	.و	.و	.و
mananḥō	patarēm	wanḥēuš	
.و	.و	.و	.و
cašmainī	hēm	ϑβā	hyaṭ
.و	.و	.و	.و
dāmīm	aṣahyā	haiϑīm	hēṅrabəṃ
.و	.و	.و	.و
	šyaoϑanaēšū	ahurəṃ	aṅhēuš

### فدا آغاز و انجام همه چیزهاست

**ای مزدا- هنگامی که تو را با نیروی خرد و اندیشه ژرف  
جست و جو کردم و با دیده دل نگرستم دریافتم که تویی  
سرآغاز و سرانجام همه چیز- تویی سرچشمه خرد و اندیشه. و  
تویی آفریننده راستی و پاکی. و تویی داور نیک کردار  
مردمان جهان.**

## بنا نهم

𐬵𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀	𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀
vβā	ārmaitiš	as	vβōi
𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
xratuš	as	tašā	gēuš ā
𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
hyaṭ	ahurā	mazdā	manyōuš
𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	
paṭam	dadā	ahyāi	
𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
yē	āitē	wā	wāstryāṭ
𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
wāstryō	aṇhaṭ	nōiṭ	wā

اهورامزدا افتيار گزينش راه نيك و بد را به فودمان داده است

**ای اهورامزدا- تویی آفریننده جهان مادی و خرد مینوی و تویی که به مردم جهان اختیار انتخاب راه نیک و بد دادی تا بنا به اراده خود یا به سوی رستگاری شتابند یا به گمراهی گرایند.**

## پند نهم

مذق . س . ه .	مدرسه .	ل (مدرسه) م .	
frawarētā	ayā	hī aṭ	
و اسد م (پ) .	مدرسه .	ل (مدرسه) م .	
fšuyantəm	ahyāi	wāstrīm	
مدرسه (پ) .	مدرسه (پ) .	و اسد م (پ) .	
warḥēuš	ašawanəm	ahurəm	
ل (مدرسه) م .	مدرسه (پ) .	مدرسه (پ) .	
mazdā	nōiṭ	manarḥō	fšēnghīm
مدرسه (پ) .	مدرسه (پ) .	مدرسه (پ) .	
dawāscinā	awāstryō		
مدرسه (پ) .	مدرسه (پ) .	مدرسه (پ) .	
baxštā	humərətōiš		

نیکی پاداش گزینندگان راه نیک و بدی پاداش گزینندگان راه بد است

از این دو راه آن که نیک اندیش و در پیشبرد نیکی کوشاست  
راه رستگاری را اختیار کند و آن کسی که بدانندیش و کاهل  
وطن پرور است. راهی را برمی گزیند که جز از رنج و سختی  
بهره ای نخواهد برد.

## پند یازدهم

پند دهم . ن . م . و . س . د . ا . و . و . و .	paourwīm	mazdā	nō	hyaṭ
و . م . و . س . د . ا . و . و . و . و .	daēnāscā	tašō	gaēvāscā	
و . م . و . س . د . ا . و . و . و . و .	xratūšcā	mananḥā	vīβā	
پند دهم . م . و . س . د . ا . و . و . و . و .	dadā	astwanṭəm	hyaṭ	
و . م . و . س . د . ا . و . و . و . و .	šyaoṽanācā	hyaṭ	uštanəm	
و . م . و . س . د . ا . و . و . و . و .	warənēng	yaṽrā	sēnḡhāscā	
و . م . و . س . د . ا . و . و . و . و .	dāyetē	wasā		

فداوند آدمی را آزاد فلق کرده است.

**ای مزدا هنگامی که در روز نخست با خرد خویش به کالبد ما  
جان بخشیدی و به ما نیروی اندیشه و قوه تمیز نیک از بد  
دادی - از آن روزی که در تن خاکی ما جان و روان دمیدی و  
به ما اراده و نیروی گفتار و کردار ارزانی داشتی. خواستی  
که هر کس بنا به اراده خود و با آزادی کامل راهی را که خود  
صلاح داند برگزیند.**

## پنت دوازدهم

مدول(سد. واسم(ع. ردا(مدسم. ع دق(مدن(مدسم.

miṭahwacā          baraitī          wācəm          aṭrā

واسد. (ع(مدن(مدسم. واسد.

wā          eṛešwacā          wā

واسد. واسد. واسد. واسد.

wā          əwīdwā          wā          wīdwā

مدن(مدس. (ع(وسم(سد. ع مد(مدن(مدسم.

manāḥācā          zəṛədācā          ahyā

سد(مدن(مدن(مدس. سد(مدسم(مدس. ع مد(مدن(مدسم.

mainyū          ārmaitiš          ānuš-haxš

ع(ع(مدسم(ع. سد(مدق(سد. ع مد(ع(مدس(مدس.

maēṭā          yaṭrā          pərəsāitē

فرد راهنمای آدمی در انتخاب راه نیک از بد است

بنابراین، از همان آغاز هر کسی خواه طرفدار راستی یا دروغ-  
خواه نادان یا دانا، بنا بر ندای دل و اندیشه خود عقیده خود را  
آشکار می سازد. ولی در عین حال خرد مقدس اهورایی  
پیوسته آماده است تا کسانی را که در انتخاب راه سرگردان و  
در شک و تردیدند، راهنمایی کند.



## پنت سپر دهم

وهرسد.	وهرسد.	سدرایسوردسد.	وهرسد.
yā	āwīšyā	frasā	yā
واسد.	وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.
tayā	perəsāitē	mazdā	wā
وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.
aēnaṇhō	kasōuš	wā	yē
وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.
ayamaitē	mazištām	ā	
وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.
ūβisrā	cašmōṅ	tā	būjəm
وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.
aibī	ašā	aibī	hārō
وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.	وهرسد.
wīspā	waēnahī		

اهورامزدا از همه چیز آگاه است.

**اهورامزدا از هر کار آشکار و نهان مردم آگاه است و گناهان کوچک و بزرگ همه را با دیدگان روشن بین خود می بیند و پیوسته همه کارها را برابر قانون ابدی خویش پاداش و جزا می دهد.**

## پند چهاردهم

مهم-و کوه سد.	ره (ع) دسد.	دسره (ا) سد.	
ahurā	pərəsā	tā-θβā	
سرس-زی.	سد م-ی.	سج سوسه مدم مدم سد.	
jēnghaticā	āiti	yā-zī	
سرس.	دیسو و زی.	وسو و سج م-ی.	وسو (ا) سد و سج.
dāθranam	dadəntē	išudō	yā
س مدم سد.	دیسو سد و زی.	سرس مدم سد.	سد و سج.
mazdā	yāscā	ašāunō	hacā
و (ع) و زی و زی.	س مدم سد.	م سد.	
tā	yaθā	drəgwōdəbyō	
س مدم سد.	س سج و (ع) م سد.	س مدم سد.	
hyaṭ	hēnkerətā	aṅhən	

اهورامزدا برای هر کار نیک یا بدی پاداش و جزای مقرر فرموده است

ای اهورا! می خواهم از نتیجه اعمال مردمان چه در گذشته و آینده با خبر شوم و بدانم چگونه در این جهان و جهان دیگر پارسایان و نیکو کاران به اجر و پاداش کردار نیک خود می رسند و چه سان بد کرداران و گمراهان به جزای بد خود گرفتار می شوند.

## بند یازدهم

وای (آیددس)	دووسع	وسرس	و مدوونید
pərəsā	awaṭ	yā	mainiš
وس	وای (ووسدوسع)	وای (وای)	و ووسدوسید
yē	drəgwāitē	xšaθrēm	hunāitī
وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)
duš-šyaoθanāi	ahurā	yē	
وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)
nōiṭ	jyōtūm	hanarə	wīnastī
وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)
wāstryehyā	aēnaṅhō	pasəuš	
وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)	وای (ووسدوسد)
wīraatcā	adrujyaṅtō		

تنها اهورامزدا است که می تواند به درستی، نیکان و بدان را به کیفر خود رساند

**آری تنها اهورامزداست که کیفر کارهای مردم را در گذشته و حال و آینده به درستی خواهد داد. چه او برای کسانی (چون دشمنانم) که پیوسته دروغ پرستی و بد کرداری را رواج داده اند و جز از نفاق افکنی و آزار طرفداران با ایمانم قصد دیگری ندارند. سزایی مقرر داشته ای و حساب همه کارهای نیکان و بدان را در روز واپسین مد نظر خواهی داشت.**

## بند شانزدهم

هه (آه) دسد. موه دسج. وسر دوسد. هه ووچ.

hwō yaṭā awaṭ pərəsā

وسر. هه وسر دوسد. وهه موه دسج دسد.

dəmanahyā hudānuš yē

موه موه دسج (آه). موه موه دسج (آه) دسد. واسد. وهه موه دسج دسد.

dahyēuš wā šōiṭrahyā xšaṭrem

واسد. موه موه دسج. وهه موه دسج دسد. موه موه دسج (آه) دسد.

aspərəzatā fradaṭai ašā wā

موه موه دسج دسد. وهه موه دسج. موه موه دسج.

yadā ahurā mazdā ṭβāwaš

هه ووچ. موه موه دسج. وسر دوسد. موه موه دسج دسد.

yā-šyaoṭanascā aṇhaṭ hwō

چه کسی دوست دار و هوافواه اهورامزدا است؟

**هر دانایی که برای پیشبرد راستی از میان مردمان برای خوشبختی باشندگان خانه ها، شهرها و کشورها تلاش کند و آنان را به پیروی از راه راستی فراخواند، چنین کسی از هوافواهان اهورامزدا به شمار است.**

## پند هشتم

و دم سدا ه. مد سدا و سدا. و ا ه و سدا.

drəgwā wā ašawā katārēm

و ا ه و سدا. و ا ه و سدا و سدا.

mazyō wərənwaitē wā

و ا ه و سدا. و ا ه و سدا و سدا.

mā mraotū wīdušē wīdwā

و ا ه و سدا. و ا ه و سدا و سدا.

zdī-nē aipī-dēbāwayaṭ əwīdwā

و ا ه و سدا. و ا ه و سدا.

waṅhōuš ahurā mazdā

و ا ه و سدا. و ا ه و سدا.

manaṅhō fradaxštā

### دانا باید راه نیک را به دیگران نشان دهد

کدام یک از این دو بزرگ تر است. کسی که دانا و پیرو راستی است یا آن که به دروغ و گمراهی گرویده است؟ پس دانا باید راه نیک را به دیگران نشان دهد تا مبادا نادان سرگشته بماند- ای اهورامزدا ما را در شناسایی راه نیک یآوری فرما.

## بند نهم

وای تو دروغ گو.      وای تو دروغ گو.  
 drəgwatō      wē      aṭ      mā-ciš  
 وای تو دروغ گو.      وای تو دروغ گو.  
 sāsnāscā      gūštā      maṭraścā  
 وای تو دروغ گو.      وای تو دروغ گو.  
 šōiṭrēm      wā      wīsem      dēmānem      āzī  
 وای تو دروغ گو.      وای تو دروغ گو.  
 dušitācā      ādāt      wā      dahyūm      wā  
 وای تو دروغ گو.      وای تو دروغ گو.  
 iš      aṭā      marakaēcā  
 وای تو دروغ گو.      وای تو دروغ گو.  
 snaiṭiṣā      sāzdūm

نباید به گفتار گمراهان و دروغ پرستان گوش داد

**هرگز به گفتار و آموزش دروغ پرست و گمراه گوش ندهید  
 زیرا چنین کسی خانه و ده و شهر و کشور را به ویرانی و  
 تباهی کشاند. پس باید آنان را از خود دور سازید و به خود راه  
 ندهید.**



## بند بیستم

و دواند {ء} . و دواند {ء} . و دواند {ء} .  
 diwamnəm      ašawanəm      āyaṭ      yē  
 س دواند {ء} . و دواند {ء} . و دواند {ء} .  
 āyū      darəgēm      xšyō      aparəm      hōi  
 و دواند {ء} . و دواند {ء} . و دواند {ء} .  
 awaētās      dušx<sup>w</sup>arəṭēm      təmaṇhō  
 و دواند {ء} . و دواند {ء} . و دواند {ء} .  
 ahūm      wā      tēm      wacō  
 و دواند {ء} . و دواند {ء} . و دواند {ء} .  
 šyaoṭanāiš      drəgwaṇtō  
 و دواند {ء} . و دواند {ء} . و دواند {ء} .  
 naēšaṭ      daēnā      x<sup>w</sup>aiš

فوشبفتی و بدبفتی فویش را هر کسی با دست خود فراهم می سازد

**کسی که پیرو راستی است جایگاهش در هر دو جهان در  
 سرای شادی و روشنی خواهد بود. ولی دروغ پرست و گمراه  
 زمانی دراز در سرای تاریکی با ناله و افسوس به سر خواهد  
 برد. این هر دو دسته. پاداش و جزای خود را به دست خود و با  
 کردار خویش فراهم می سازند.**



## بند بیست و یکم

مذیوسم. وسوسم. مسوا. سنسواوسم.

haurwatō ahurō dadāt mazdā

مذیوسم. وسوسم. مسوا. سنسواوسم.

ašahyācā ā būrōiš amərətāscā

سرسوسم. مسوا. سنسواوسم.

sarō xšaθrahyā x<sup>w</sup>āpaiθyāt

سرسوسم. مسوا. سنسواوسم.

managhō wazdwarē wanhēuš

سرس. سنسوا. مسوا.

mainyū hōi yē

سرسوسم. مسوا. سنسواوسم.

urwaθō šyaoθanāišcā

پاداش نیکان رسیدن به کمال واقعی و نیروی معنوی است

**کسانی که از روی رسایی اندیشه و کردار نیک خود به  
اهورامزدا گروند. از بخش کمال واقعی و جاودانی و راستی و  
پاک منشی و نیروی معنوی برخوردار شوند. چنین کسانی به  
راستی به دوستان و هواخواهان اهورا به شمار خواهند آمد.**

## بند بیست و دوم

مردی است.	ی و سوسه یس.	یسردی است.
ciṽrā	ī	yaṽanā
یاسوع و یس.	مانا یس.	و کی یس.
waēdəmnāi	manarhā	hwō
یسیسردی است.	یاسوسه یس.	یسوددی یسردی است.
xšaṽrā	aṣəm	šyaoṽanācā
یسوسه یس.	یس و یس.	یسوسه یس.
hwō	hapti	mazdā
یسردی است.	یاسوسه یس.	
ahurā	wāzištō	
یسوسه یس.	یسوسه یس.	
anḥaiti	astiš	

### فردمندان و نیک منشان بهترین دوستان پروردگازند

کسی که دانا و خردمند است. با منش نیک خود حقیقت را دریافت خواهد کرد. چنین کسانی با نیروی معنوی و گفتار نیک خود از آیین راستی پشتیبانی می کنند و نسبت به مزدا اهورا وفادارند و شایسته ترین یار و مددکار مردم به شمار می روند.

# پسنا - هات ۴۶

## بند یکم

اهورا مزدا سرتو مائید . سرتو مائید . اهورا مزدا سرتو مائید .  
 ahyā yāsaṭ x<sup>w</sup>aētuš ahyācā  
 اهورا مزدا سرتو مائید . سرتو مائید . اهورا مزدا سرتو مائید .  
 airyamnā maṭ wərəzēnəm  
 اهورا مزدا سرتو مائید . سرتو مائید . اهورا مزدا سرتو مائید .  
 manōi mahmī daēwā ahyā  
 اهورا مزدا سرتو مائید . سرتو مائید . اهورا مزدا سرتو مائید .  
 mazdā urwāzēmā ahuraḥyā  
 اهورا مزدا سرتو مائید . سرتو مائید . اهورا مزدا سرتو مائید .  
 tēṅ aṅhāmā dūtāṅhō ōβōi  
 اهورا مزدا سرتو مائید . سرتو مائید . اهورا مزدا سرتو مائید .  
 daibišənti wā yōi dārayō

بشود که همه اعم از فویش و بیگانان به فدا روی آوریم.

**برای رسیدن به خوشبختی و بخشایش اهورایی. باید همگی  
 شما ای خویشان و همکاران و یاران و همچنین شما ای  
 گمراهان روی به سوی خدا آرید. پروردگارا بشود که ما همه  
 پیامبر پیغام تو باشیم و کسانی را که دشمن نام و راه تو  
 هستند از خود دور نگه داریم.**

## پند دوم

سارم نو	اهور	مزد	آیبه
sāremnō	ahurō	mazdā	aēibyō
خشاثر	ماناها	وه	
xšaθrāt	manaḥā	wohū	
هوشاخا	اشا	پایتی-مراوت	حکا
huš-haxā	ašā	paitī-mraoṭ	hacā
آرمایتیم	وه	سپنتام	خنواتا
ārmaitīm	wē	spəntam	x <sup>w</sup> ēnwātā
وارماید	وانوهم		
waremaidī	wanuhīm		
انها	ها-نه		
aṇhaṭ	hā-nē		

بشود تا همه با هم یگانگی و یکدل شویم

**ای اهورامزدا از روی خرد مقدس و نیروی سروری خویش  
دعای ما را مستجاب فرما و مهر پاک و دوستی کامل و رسا را  
به یاری ما فرست تا همه با هم یک دل شده یکدیگر را از خود  
دانیم.**

## پنت سوم

مخو و گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان.

wispānhō daēwā yuš aṭ

موسخو و گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان.

ciṭrēm stā manaṇhō akāṭ

موسخو و گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان.

yazaitē maš wā yascā

موسخو و گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان.

šyaomaṃ pairimatōišcā drūjascā

موسخو و گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان.

yāiš daibitānā aipī

موسخو و گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان.

haptaiṭē būmyā asrūdūm

### فطاب به گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان

ای دیو پرستان و گمراهان. شما و هواخواهانتان و همه کسانی  
 که به شما احترام می گذارند. از گروه کژمنشان و تیره دلانی  
 هستید که مدتهاست کردار زشتتان در هفت کشور زمین بر  
 همه آشکار و به بدی شناخته شده اید.

## بند چهارم

فرا می ما ویا یوستا یات

framīmaūā yūštā yāt

دان تو اسیستا ماشیا یا

dañtō acištā mašyā yā

واخهوش داو و زوستا واخشنته

wañhēuš daēwō-zuštā waxšəntē

مزدآ ماناوه سیدامنا

mazdā manañhō sīždyamnā

خراتوش اهوراها

xratēuš ahurahyā

اشااتکا ناسانتو

ašāatcā nasyantō

**شما اندیشه مردمان را از راه راست منحرف کرده و آنان را به ارتکاب زشت ترین کارها واداشته اید. از این روی شما از یاران دروغ به شما می روید. زیرا از خواست اهورامزدا گریزان و از آیین مقدسش روگردانید.**

## بند پنجم

م س د . و ع ر ا س ک م س د . و م ی ی ع . ه ی ا ی ا د س م ک د ر س د .  
 hu jy ā tō i š                      ma š ī m                      dē bē na o t ā                      tā  
 م د ع ا ع ا س م م م م م م س د . ه ی ا د م ی . و ا س ی . م و س د .  
 ak ā                      w ā                      hy a ṭ                      am ē r ē t ā t a s c ā  
 م د ا م ز م س . و ا ی ع ا ی ع . و م ی ع ا ی ع . م و م م م م س د .  
 ak a s c ā                      da ē w ē ṅ g                      y ē ṅ g                      ma na ṅ h ā  
 م د ا د ر ا ی د . م و س د . ه ی ا د س ک م ک م ی ع ا ی ع .  
 š ya o ṽ a n ə m                      ak ā                      ma i n y u š  
 و ا م م م م م س د . و ا ی ع . م س د . و ا ی م م م م م م د .  
 frac i na s                      y ā                      wa ca ṅ h ā  
 و ا ی ع ا ی ع ا ی ع ا ی ع . و ا ی ع ا ی ع ا ی ع .  
 x š a y ō                      dr ē g wa ṅ t ə m

**ای دیوان همان گونه که اهریمن زشت کردار با اندیشه پلید  
 خود شما را فریفته و به امید و نوید رسیدن به سروری و  
 بزرگی. شما و هواخواهانتان را به کردار زشت واداشته است.  
 همان گونه شما نیز. مردمان را گمراه ساخته و از زندگی  
 خوش و جاوید بی بهره کرده اید.**

## پنجم ششم

yāiš	ēnāxštā	pourū-aēnā
aθā	tāiš	yezī
ahurā	manajhā	wahištā
xšaθrōi	mazdā	wē
wīdām	sēnghō	ašāicā

در نبردگاه هستی پیروزی نهایی با نیکان و راست کرداران است

**شخص گناهکار و گمراه ممکن است برای مدتی با کارهای زشت خود کامیاب و پیروز شود. ولی اهورامزدا از خرد خویش به گنه اندیشه هر کسی پی می برد و کردار همه را به درستی داوری می کند و سرانجام برابر قانون ابدی او سروری و پیروزی نیکی و راستی همه جا را فرا خواهد گرفت.**



## بند هفتم

اَسْمَعُ نَاصِرًا naēcīṭ	اَسْمَعُ اَنْهَامًا aēnaḥam	اَسْمَعُ اَشَامًا aēšam
وَاَسْمَعُ نَاصِرًا hādrōyā	اَسْمَعُ اَوْجِي aojōi	وَاَسْمَعُ وَاَدْوًا wīdwā
وَاَسْمَعُ يَائِسًا yāiš	اَسْمَعُ سَنْهَائِيَةً sēṇghaitē	وَاَسْمَعُ جَوِيًا jōyā
وَاَسْمَعُ اَيَانَهًا ayaṇhā	اَسْمَعُ اَيْنَهًا x <sup>w</sup> aēnā	وَاَسْمَعُ سَرَوِيًا srāwī
اَسْمَعُ اِيْرِيْخَتَمًا irixtəm	اَسْمَعُ اَهْرًا ahurā	اَسْمَعُ تُو tū
اَسْمَعُ اِهِي ahī	اَسْمَعُ وَاَعْدِيْشَتُو waēdištō	اَسْمَعُ مَزْدَا mazdā

هر کاری واکنشی دارد. فواید نیک باشد یا بد

**هیچ یک از این گناه کاران از درس زندگی و واکنش نیک کار و کوشش آگاه نیستند و از داوری و کیفر پروردگار بی خبرند- ای اهورامزدا، تو تنها از فرجام کار مردم آگاهی و از واکنش گناه مردمان به خوبی باخبر می باشی.**

## بند هشتم

مدعیان موعده . مدعیان موعده . کاروانان موعده .  
 wīwanhuṣō                      aēnaḥam                      aēṣam  
 مدیوانی . موعده مدعیان . موعده . موعده مدعیان .  
 mašyēng                      yē                      yimascīṭ                      srāwī  
 مردیوانان موعده . موعده مدعیان . موعده مدعیان .  
 gāuš                      ahmākēng                      cixṣnuṣō  
 مدیوانی . موعده مدعیان . موعده مدعیان . موعده مدعیان .  
 ā                      aēṣamcīṭ                      x<sup>w</sup>ārəmnō                      bagā  
 مدعیان . موعده مدعیان . موعده مدعیان .  
 mazdā                      ōβahmī                      ahmī  
 کاروانان موعده . موعده مدعیان .  
 aipī                      wīciōōi

بمشید از گناه کاران در روز واپسین به شمار است  
 از میان این گناه کاران جمشید و پسر ویونگهان به خوبی  
 شناخته شده است. چه او برای جلب رضایت خود و مردم  
 جهان استفاده از لذت های جهان مادی را به مردم آموخت (نه  
 معنوی را). ولی مزدا در داوری روز واپسین درباره من چنین  
 قضاوت نخواهد کرد (چه من برای پیشرفت روان مردمان  
 کوشیده ام. نه جسم مادی آنان).

## بنت نهم

وای-ددمدمدی. د(دوسم). ع(ای)تروم.	mōrəndaṭ	srawā	duš-sastiš
م(و)ی. پ(ددم)ای. د(ترو)س(د)دی. م(ای)م(م).	xratūm	səṅghanāiš	jyātəuš hwō
م(و)ی. م(و)ی. م(و)ی. م(و)ی.	apayaṇtā	īštīm	mā apō
م(و)ی. م(و)ی. م(و)ی. م(و)ی.	mananḥō	waṅhəuš	hāitīm bərəxδam
م(و)ی. م(و)ی. م(و)ی. م(و)ی.	mazdā	mahyā	manyəuš uxδā tā
م(و)ی. م(و)ی. م(و)ی.	gərəzē	yūšmaibyā	ašāicā

### فرب كاران گفتر مقرا تعريف مي كنند.

**آموزگاران دروغ تعالیم مقدس را تحریف می کنند و با آموزش های نادرست خویش. اساس زندگی مردم را به هم می زنند. چنین کسانی همه را از بخشش گران بهای عقل و خرد و به کار گماردن اندیشه درست و راست باز می دارند. ای مزدا از دست چنین کسانی با روح و قلب خود. به تو پناه می آورم.**

## پند دهم

سورجی .	سد-اس .	داداوس .	هکلی سچوس .
hwō	mā-nā	srawā	mōrəndaṭ
س .	سردس .	کاسچوس .	سکلیوس .
yā	acištəm	waēnaṅhē	aogədā
سچ .	سچدراس .	سوراس .	سردس .
gaṃ	ašībyā	hwarəcā	yascā
وسچسچ .	ولکاسچ .	وسچ .	داداچ .
dāḍəṅ	drəgwatō	dadāt	yascā
سردس .	کاسچاس .	کاسچوس .	سردس .
yascā	wāstrā	wīwāpaṭ	yascā
کاسچاس .	کاسچوس .	سچسچ .	سچسچ .
wadarē	wōiždaṭ	ašāunē	yascā

**چنین کسانی آموزش های کتاب مقدس را که می گوید به زمین و نعمت های آن و به خورشید حیات بخش و عناصر سودمند جهان به دیده احترام بنگرید. گفتاری پوچ می شمارند و بدکرداران را پول و رشوه می دهند تا نیک اندیشان را بیازارند و کشتزارها و خانه های آنان را ویران کنند و بر ضد پیروان راه راستی سلاح به کار برند.**

## بند یازدهم

مردمانی که در راه راست می‌روند. و در راه راست می‌روند. و در راه راست می‌روند.  
جیوتوم مورهندن ما تا عیت  
سیکویتیرهش مازیبیش درهگواتو یوی  
آپایه‌تی ان‌هواسکا ان‌هی‌سکا  
یوی وا‌دتم راک‌ان‌ه  
مادآ اش‌اونو واهی‌تات  
مان‌ه راک‌شان

چنین کسانی پیوسته به نابودی زندگی مردمان کوشند و مردان و زنان آزمند را با مال جهان بفریبند و به این وسیله آنان را از راه راست و درست زندگی منحرف کنند و با این کارها اندیشه پارسایان را پریشان و زندگی آنان را تباه می‌سازند.

## پنت وواز دهم

وسرمد. (سزوسدردد). مد(دوسوسد. وادسوسدسمدسج.

wahištāt srawaṅhā raṅhayən yā

سوددسلسلسدسج. سد(سمدسج. سدسوسدسج. سدسوسد.

mazdā aēibyō marētānō śyaovānaṭ

سوسد. سد(سج. سوسد. سد(سج(سوسد.

mōrəndən gəuš yōi mraoṭ akā

د(وسوسد-وسوسد. سد(سج(سوسد. سدسوسد. سد(سج(سوسد.

gərəhmā yāiš jyōtūm urwāxš-uxtī

سدسوسد. واد(سوسد. سد(سوسد.

karapā waratā ašāt

سوسد(سج(سوسد. سدسوسد. سد(سج(سوسد.

drujəm išanəm xšaṭrəmčā

### اشه زرتشت قربانی را منع فرموده است

با این آموزش ها. آنان مردم را از کردار نیک باز می دارند و حیوانات را با فریاد شادی قربانی می کنند و با گفتار گمراه کننده عده ای را که چون کوران با چشم و کران با گوشند. با آشوب و غوغا به جان خلق اندازند تا خود بتوانند با جور و ستم بر مردم سروری کنند.

## پند سپندنام

و س ر س د . م ی ی ی م ی م ی م ی . م ی ی ی ی ی ی ی ی ی . م ی ی ی ی ی ی ی ی ی .

hišasaṭ                      gērēhmō                      xšaṭrā                      yā

م ی م ی م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی .

manaṅhō                      dēmanē                      acištahyā

م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی .

yaēcā                      ahyā                      maraxtārō                      aṅhēuš

م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی .

kāmē                      jīgərəzaṭ                      mazdā

م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی .

yē-iš                      dūtīm                      maṭrānō                      ōḃahyā

م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی . م ی م ی م ی م ی م ی .

ašahyā                      darəsāt                      pāt

فریبکاران همیشه غافل از پایان کار زشت فویش هستند

**با هر نیرویی که این پیشوایان دروغین دینی خواسته باشند با منش زشت خود بر مردم سروری کنند. در پایان به تباهی زندگی خودشان خواهد انجامید. ولی هر زمانی که اینان از کردار زشت خود پشیمان شوند و در پی پیام راستین برآیند پیامبر خدا آنان را می پذیرد و به سوی راستی هدایت می کند.**

## پند چمار دهم

دس دسد.	س-س دس دس دس.	س-س دس دس دس.	س-س دس دس دس.
nī	ā-hōiθōi	gerēhmō	ahyā
وسو دسد دسد دسد دسد.	س-س دس دس دس.	س-س دس دس دس.	س-س دس دس دس.
dadaṭ	nī	xratuš	kāwayascīṭ
س-س دسد.	س-س دسد.	س-س دسد.	س-س دسد.
hyaṭ	fraidiwā	hīcā	warəcā
س-س دسد.	س-س دسد.	س-س دسد.	س-س دسد.
awō	drəgwanṭəm	wīsəntā	
س-س دسد.	س-س دسد.	س-س دسد.	س-س دسد.
mraoī	jaidyāi	gāuš	hyaṭcā
س-س دسد.	س-س دسد.	س-س دسد.	س-س دسد.
awō	saocayaṭ	dūraoṣəm	yē

### دشمنان اشو زرتشت و کارهای آنان

**دیر بازی است که این گروه گمراه کننده که چشم و گوش خود را به عمد بر حقیقت بسته اند. از خیل هواخواهان دروغ یاری می جویند تا به مردم بفهمانند که با هدیه گوشت حیوان قربانی شده و آشام سکرآور (هوم) می توان تباهی و مرگ را از خود دور داشت.**



## بند پانزدهم

مردان ستمگر.	وای-نانهاسا.	س.	وای-نانهاسا.	س.
yā	wī-nēnāsā	ā	anāiš	
وای ستمگر ستمگر.	وای ستمگر ستمگر.			
kəwītāscā	karapōtāscā			
مردان ستمگر.	مردان ستمگر.	مردان ستمگر.	مردان ستمگر.	مردان ستمگر.
daiṇtī	yēṅ	aibi	awāiš	
وای ستمگر.	وای ستمگر ستمگر ستمگر.	وای ستمگر ستمگر.	وای ستمگر ستمگر.	وای ستمگر ستمگر.
wasō	xšayamnēṅ	jyātēuš	nōiṭ	
مردان ستمگر.	مردان ستمگر.	مردان ستمگر.	مردان ستمگر.	مردان ستمگر.
bairyāntē	ābyā	tōi		
وای ستمگر ستمگر.	وای ستمگر ستمگر.	وای ستمگر ستمگر.	وای ستمگر ستمگر.	وای ستمگر ستمگر.
managhō	ā-dəmanē	waṅhēuš		

واکنش بهر و ستم بر مردم شورش و طغیان آنان است

**ولی سرانجام مردم ستم دیده از این دو دسته پیشوایان  
دروغین و فرمانروایان ستمگر به تنگ آیند و با شورش علیه  
آنان دشمنان خود را نابود کرده و تن و روان خود را در هر  
دو جهان آزاد خواهند ساخت.**

## بند شانزدهم

همه‌ها . ما . و ما را در همه جا . ی .

yē wahištācīṭ taṭ hamōm

بزرگان را . در همه جا . و ما را در همه جا .

dahmahyā syascīṭ ušuruyē

انرا . ما را . و ما را در همه جا .

ahurā mazdā xšayaṣ

ما را در همه جا . ما را در همه جا . و ما را در همه جا .

dwaēdā aiθīšcīṭ yehyā-mā

ما را . ما را در همه جا . و ما را در همه جا .

dragwatō aēnaṅhē hyaṭ

ما را در همه جا . ما را در همه جا . و ما را در همه جا .

aṅhayā išyēṅ ḗānū

باید با مهر و محبت دل دشمنان را نرم کرد

آموزش‌های مرد پارسا برای هوشمندان از همه چیز سودمند  
تر است. ای اهورامزدا، ای کسی که در همه کارها  
پیروزمندی، رنج و آزار دشمنان را از ما دور دار و ما را یاری  
فرما تا خشم و دشمنی بد خواهان را با سخنان مهر آمیز خود  
دور گردانیم.

# پسنا- هات ۳۳

## بند یکم

وهر مدوق مدونید. دوق سد. واد اعیی مدوم و. وهر سد.

yā warəšaitē iṭā yaṭāiš

وسم سد. مدون اوی. و مدک اوردن سوس دسد.

paouruyehyā aṅhēuš dātā

ا مدوم اوی. و سورد مدک اوی سد. ا مدی مدوم سد.

razištā šyaouānā ratūš

و اعی و ا مدوم مدوم سد. س د مدوم سد. مدوم مدوم و.

ašāunē hyatcā drəgwataēcā

وسوس مدوم سد. سوس مدوم مدوم و. و دوق مدوم دسد.

miṭahyā hēmemyāsaitē yehyācā

وسوس سد. س د. س اعی و سد.

ārezwā hōi yācā

## فداوند داوَر دادگر است

**بر هر کس بایسته است که برابر قانون ازلی (اشا) که آیین بنیادین زندگی است رفتار کند. چه داوَر بزرگ در روز واپسین نسبت به نیکان و بدان و هم چنین آنان که بدی و نیکی شان برابر است. از روی بی نظری داوری خواهد کرد.**



## پند سوم

و سز . مدیح سوز . وادس دس دس . سمدس .  
 x<sup>w</sup>aētū wahištō ašāunē yē  
 وادس . مدیح . وادس . وادس (ای سوز) .  
 wərəzēnyō wā aṭ wā  
 مدادس دس دس . وادس . وادس . وادس .  
 wīdaṣ ahurā wā airyamnā  
 وادس . وادس مدیح مدیح مدیح . وادس .  
 aṭ gawōi v̄baxšaṇhā wā  
 وادس . مدیح مدیح دس . وادس .  
 aṇhaṭ ašahyā hwō  
 وادس دس دس . وادس . وادس .  
 manaṇhō wāstrē waṇhōušcā

**کسی که یکی از طرفداران راستی را خشنود سازد. خواه آن  
 کس خویش یا بیگانه باشد. یا این که یکی از بندگان نیک خدا  
 را یاری دهد. چنین کسی از بوستان بهشت و خرم راستی  
 برخوردار خواهد بود.**

## پند چهارم

اسروشتیم	مزدایه	مذکس	یو
asruštīm	mazdā	ṭβaṭ	yē
اپا	یازای	مانو	اکامکا
apā	yazāi	manō	akəmcā
وهرزناهیآکا	تارمایتیم	سرخس	سرخس
wərazənahyācā	tarəmaidīm	x <sup>w</sup> aētəušcā	
ایریماناسکا	دروجم	نازدیشتم	
airyamanascā	drujəm	nazdištəm	
واسترآت	گوشکا	نادنتو	
wāstrāṭ	gəušcā	nadəntō	
مانتوم	اکیشتم		
mañtūm	acištəm		

### پنج کارهایی گناه شمرده می شوند

ای مزدا تو را ستایش می کنم و خواستارم روح نافرمانی و  
گژاندایشی از پیروانم دور شود. هم چنین خیره سری و  
بداندیشی از همکارانم و فریب و دشمنی از نزدیکانم و  
نکوهش و ناسزاگویی از پیشوایان و کشاورزان و دروغ از  
دوستانم باز داشته شود.

## بند پنجم

سرمه سوس	کاهه ددو-مه سوس	داهه سوس
səraošəm	wīspē-mazištəm	yastē
سوس	دوس سوس	دوس سوس
apānō	awaṇhānē	zbayā
داهه سوس	سوس سوس	داهه سوس
waṇhəuš	ā-xšaθrəm	darəgō-jyāitīm
سوس	سوس	سوس
ā	ašāt	manaṇhō
سوس	سوس	سوس
yaēšū	paθō	ərəzūš
سوس	سوس	سوس
šaētī	ahurō	mazdā

آرزوی اشه زرتشت برای انجام درست رهبری مردم

برای رسیدن به آرمان خویش و رهبری درست مردمان از  
سروش (نیروی فرمان برداری و ایمان) یاری می خواهیم.  
آرزومندم که از زندگانی دراز و تندرستی و نیک اندیشی  
برخوردار شوم و به یاری آشا به پایه رسایی که پیشگاه  
اهورایی است برسم.

## پند ششم

hwō	erəzūš	ašā	zaotā	yē
kayā	wahištāt	ā	manyēuš	
yā	manaḥā	awā	ahmāt	
wāstryā	maṇtā	wərəzyeidyāi		
mazdā	ahurā	izyāi	tā-tōi	
hēm-parštōišcā		darštōišcā		

**ای اهورامزدا همچون ستایشگر با ایمانی که در راستی و پاکی  
پابرجاست با دل و جان و با همه وجودم از تو درخواست می  
کنم که در انجام رسالتم در این جهان به درستی و راستی  
برآیم و در پایان به دیدار و هم پرستی تو سرفراز شوم.**



## پند هشتم

س-ه-س. سدوچ. وادسوسدس.

wahištā āidūm ā-mā

س-سردوچ داسدس. هدیوس. ودایسج مدس.

darəšaṭcā mazdā ā-x<sup>w</sup>aiθyācā

مدسجس. وادسج. همدوسس. وسس.

yā manañhā wohū ašā

دادوسج. رسدای. همدوسج.

magāunō parō sruyē

سوسوس-سج. مدسوسدای. هسجوسج.

hēntū aṅtarə āwiš-nā

سوسوسوسدس-سج. سدوچسج. اسدسوسج.

rātayō ciθrā nəmax<sup>w</sup>aitiš

### اشه زرتشت آرزومند رهبری همه مردمان جهان است

ای مزدا- ای بهتر از همه- در اندیشه ام راه یاب تا به درک تو  
نایل شوم. زیرا آرزومندم در پرتو راستی و پاک منشی بتوانم  
شنوندگانی را خارج از انجمن مغان به دست آورم تا بشود که  
همه مردمان به وظایف و تکالیف خود نسبت به خدا و خلق  
خدا آشنا شوند.

## پند هشتم

ارٲا-مٲا . فرٲاوردٲا . ارٲا .

arəvā frawōizdūm frō-mōi

مٲا . مٲا . وٲا . وٲاوردٲا . مٲاوردٲا .

manəḥā šyawāi wohū yā tā

مٲاوردٲا . مٲاوردٲا . مٲاوردٲا . مٲاوردٲا .

aṭ xšmāwatō mazdā yasnəm

وٲا . مٲاوردٲا . مٲاوردٲا . مٲاوردٲا .

wacā staomyā aṣā wā

مٲاوردٲا . مٲاوردٲا . مٲاوردٲا .

amərətāscā wō dātā

مٲاوردٲا . مٲاوردٲا . مٲاوردٲا .

draonō haurwatās utayūitī

با اندیشه و دلی پاک می توان به رسایی و کمال معنوی رسید

**ای مزدا ما را از حقیقت آگاه فرما تا به یاری اندیشه پاک. تو را به درستی بستاییم. اینک این سرود ستایش (مناجات) را که از راستی و دلی پاک سرچشمه گرفته است. بپذیر. باشد که در پرتو این دو نیرو (اندیشه و دل) به رسایی و جاودانی برسیم.**

## پند نهم

م.ع. م.ژ.د. م.س.و.س. م.ع.م. م.س.و.م.ژ.د.م.ع.  
 mainyūm tōm mazdā tōi aṭ  
 م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع.  
 sarədyayā aṣaoxšayaṇtā  
 م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع.  
 mayā maēvā x<sup>w</sup>āvra  
 م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع.  
 manajhā barətū wahištā  
 م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع.  
 yayā hākurenəm arōi ayā  
 م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع. م.س.و.م.ژ.د.م.ع.  
 urwaṇō hacīntē

تنها با نیروی فرد و دلی پاک است که می توان فدا را شافت

**ای مزدا تنها با نیروی خرد و بینایی دل است که می توان به  
 سرچشمه راستی که پروردگار است. رسید. نعمتی که در پرتو  
 آن راستی و درستی در افزایش خواهد بود. بشود که به یاری و  
 رهنمایی بهترین اندیشه و دلی پاک از بخشش های راستی و  
 بینایی برخوردار شویم.**

## پند دهم

واپه ددوسه - دد مچا د . yâ-zī	په دپه م دد دچا . hujītayō	واپه ددوسه - دد مچا د . wīspā-stōi	
واپه ددوسه دد مچا د . yâscā	په دپه مچا مچا د . hēntī	واپه ددوسه دد مچا د . yâscā	واپه ددوسه دد مچا د . āṅharē
واپه ددوسه دد مچا د . ūβahmī	واپه ددوسه دد مچا د . bawaiṅtī	واپه ددوسه دد مچا د . mazdā	
واپه ددوسه دد مچا د . ābaxšōhwā	واپه ددوسه دد مچا د . zaošē	واپه ددوسه دد مچا د . hīš	
واپه ددوسه دد مچا د . xšaθrā	واپه ددوسه دد مچا د . manaṅhā	واپه ددوسه دد مچا د . uxšyā	واپه ددوسه دد مچا د . wohū
واپه ددوسه دد مچا د . tanūm	واپه ددوسه دد مچا د . uštā	واپه ددوسه دد مچا د . ašācā	

پوره دگار رنج و شادی را به خرافور کردارمان در هر دو بهمان ارزانی داشته است

**ای مزدا- به راستی که همه خوشی ها و رنج های زندگی آن چه بوده و هست و خواهد بود. از تو است که به هر کس به فراخور کردارش از روی دادگری خویش ارزانی می داری. بشود که ما را در پرتو منش پاک و شجاعت معنوی (خشترا) و پرهیزکاری (اشا) به والاترین بخشش ها برخوردار سازی.**

## پند یازدهم

اهوراهه . سوسر . سوسر . سوسر .

ahurō                      səwištō                      yē

سوسر . سوسر . سوسر . سوسر .

ārmaitišcā                      mazdāscā

سوسر . سوسر . سوسر . سوسر .

frādaṭ-gaēvəm                      ašəmçā

سوسر . سوسر . سوسر . سوسر .

xšaθrəmçā                      wohū                      manascā

سوسر . سوسر . سوسر . سوسر .

mərəždātā-mōi                      sraotā-mōi

سوسر . سوسر . سوسر . سوسر .

paitī                      kahyāicīṭ                      ādāi

### فدا برآورنده همه آرزو های ماست

**ای اهورامزدا- ای تواناتر از همه- مرا از ایمان پاک و استوار  
و خرد مقدس و شجاعت معنوی و فداکاری برخوردار ساز-  
آواز دلم را بشنو و هنگامی که به هر یک پاداشی در برابر  
کردارشان می بخشی. بدون در نظر گرفتن لیاقتم مرا مشمول  
آمزش خویش ساز.**

## پند دوازدهم

دند-ه-ژد.	دیسا (سپهر) س.	دسره (اس).
ahurā	uzārəšwā	us-mōi
دسا (دسره) س.	م (سپهر) س.	وسد (دسره) س.
daswā	təwīšim	ārmaitī
دسره (دسره) س.	م (دسره) س.	س (سپهر) س.
mazdā	mainyū	spēništā
س (سپهر) س.	س (سپهر) س.	س (سپهر) س.
ādā	zawō	waṇhuyā
س (سپهر) س.	س (سپهر) س.	س (سپهر) س.
ēmawaṭ	hazō	ašā
س (سپهر) س.	س (سپهر) س.	س (سپهر) س.
fəṣəratūm	manaḡhā	wohū

رسایی و کمال مادی و معنوی تنها با نیروی اندیشه و ایمان پاک خراهم می شود.

**ای اهورا- در اندیشه ام راه یاب و از پرتو ایمانی استوار و خردی پاک مرا رسایی و کمال مادی و معنوی بخش- ای مزدا ستایشم را به نیکی پاداش ده و به یاری اشا مرا نیروی پارسایی بخش و در پرتو خرد پاک مرا با عشق و مهر جهانی بیارای.**

## پند سپردا هم

اندویش اشد. واکاواو ابرمدیج سوسج. وکایدیج پ-ع-کاید.

dōiṣī-mōi

wourucašānē

rafədrāi

سرس-وا. سردو اشد.

abifrā

yā-wē

ممد. یل یل یل یل ابرمدیج دسد. مدسوا اشد. و سرس.

yā

ahurā

xšaθrahyā

tā

واکایدوس اشد. مدیج دسد. ع مدیج دسد.

manaḥhō

ašiš

waḥhēuš

ا ا ا. مدسوا سوسج. س ا سوسج.

ārmaitē

spəntā

frō

مدیج سوسج. و سوسج سوسج. ا ا سوسج سوسج.

fradaxšayā

daēnā

ašā

### دعای اشو زرتشت به گروندگان کیش اهورایی

ای اهورایی که از همه چیز با خبری - شادی و خرمی بی  
مانندت را همراه خشترا (نیروی معنوی) و وهومن (اندیشه پاک)  
به کسانی که به من گرویده اند بخشش فرما و به وسیله  
آرمینیتی (ضمیر پاک) دل های همه را روشن کن تا همه به  
خوبی سود پاکی اندیشه و دل را دریابیم.

## پند چهاردهم

م.ع. (سوم ع.ع.) (سایه ای و س.ع.) (س.ع. و س.ع.ع.)

tanwasciṭ                      zaraϑuštrō                      rātəm                      aṭ

س.ع.ع. و س.ع.ع. (س.ع.ع. و س.ع.ع.)

dadāitī                      uštanəm                      x<sup>w</sup>ahyā

(س.ع.ع. و س.ع.ع.) (س.ع.ع. و س.ع.ع.) (س.ع.ع. و س.ع.ع.)

waṇhēuš                      manəṇhascā                      paurwatātəm

(س.ع.ع. و س.ع.ع.) (س.ع.ع. و س.ع.ع.)

šyaoϑanahyā                      mazdāi

(س.ع.ع. و س.ع.ع.) (س.ع.ع. و س.ع.ع.)

uxḍahyācā                      yācā                      ašāi

(س.ع.ع. و س.ع.ع.) (س.ع.ع. و س.ع.ع.)

xšaϑrəmcā                      səraošəm

پیشکش کردن اشو زرتشت تن و جان خود را در راه خدمت به مردم جهان

**من که زرتشت هستم. برای فرمان برداری تو ای اهورامزدا همه هستی و تن و جان خود را با اندیشه و عشق واقعی به تو پیشکش و در راه پیشبرد پارسایی. همه کردار و گفتار و نیروهای خود را در راه خدمت به مردم جهان آماده کرده ام.**



# پسنا - هات ۴۴

## بنت یکم

و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد.

wacanjhā yā śyaoθanā yā

و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد.

aməratātəṃ yasnā yā

و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد.

dānjhā taēibyō ašəmcā

و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد.

haurwatātō xšaθrəmcā mazdā

و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد.

ahurā tōi aēšəm

و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد. و سزاسد.

dastē pourutəmāiš əhmā

**ای مزدا می دانم که در برابر نیاز گفتار و کردار نیک و ستایش پاک بندگان به آنان جاودانی و رسایی و نیروی معنوی خواهی بخشید- بشود که ما نیز با این نیازها در ردیف کسانی باشیم که با این نیروها به شناسایی تو و ضمیر خویش نایل می شوند.**

## پند دوم

مذموم.	مذموم.	مذموم.	مذموم.
mainyuščā	manaṅhā	ī-tōi	aṭcā
مذموم.	مذموم.	مذموم.	مذموم.
dātā	wīspā	waṅhuš	
مذموم.	مذموم.	مذموم.	مذموم.
šyaoṭanā	nərəš	spəntahiycā	
مذموم.	مذموم.	مذموم.	مذموم.
hacaitē	ašā	urwā	yehyā
مذموم.	مذموم.	مذموم.	مذموم.
wahnē	xšmāwatō	pairigaēṭē	
مذموم.	مذموم.	مذموم.	مذموم.
stūtəm	garōbīš	mazdā	

**تنها با اندیشیدن به خدا و گام نهادن در راه پارسایی است که روان آدمی می تواند به مزدا نزدیک شود. پروردگارا! بشود که ما نیز با ستایش و کردار پارسایی به تو نزدیک شویم.**

## پند سوم

اهورا سدا.	مزدتو سدا.	تو ا.	ا.
ahurā	myazdēm	tōi	aṭ
داما سدا.	اسخا سدا.	نمانها سدا.	
dāmā	ašāicā	nəmanhā	
اسخا سدا.	اسخا سدا.	اسخا سدا.	
ā-xšaθrōi	wispā	gaēθā	
مانها سدا.	اوراستا سدا.	و هو ی.	یا
manahā	θraoštā	wohū	yā
اسخا سدا.	اسخا سدا.	اسخا سدا.	
wispāiš	hudānhō	ārōi-zī	
سوا سدا.	اسخا سدا.	مزدتو سدا.	
sawō	xšmāwasū	mazdā	

**ای اهورامزدا- با فروتنی تمام ستایش خود را به راستی و درستی (اشا) به تو پیشکش می کنم و آرزو مندم که همه جهانیان را با نیروی منش پاک و خشترا (نیروی معنوی) برخوردار سازی. چه می دانم که هوشیاران و نیک اندیشان پیوسته از این نیروها برخوردار می باشند.**

## پند چهارم

اهورا	اتریم	توی	ات
ahurā	ātrēm	tōi	aṭ
اوسماهی	اشا	اوجونخواستم	
usōmahī	aṣā	aojōṅhwaṇtēm	
ستوی	اموانتم	اسیشتم	
stōi	ēmawaṇtēm	asīštīm	
سیدرا-اوانهم	راپانت		
ciḍrā-awaṇhēm	rapaṇtē		
دایبیشانت	مزد	ات	
daibišyaṇtē	mazdā	aṭ	
دراشتا-اانهم	زاستایشايش		
dərəštā-aēnaṇhēm	zastāištaiš		

**ای اهورا- ما فروغ اندیشه نیک و پارسایی را که از وجود تو  
پرتوانکن است. خواستاریم. آن نور فروزانی که سبب  
راهنمایی و قوت قلب مردمان است و به کمک آن نور است که  
تو می توانی نیک را از بد و پاک را از ناپاک تمیز دهی. چه  
تویی دانای کل.**





## پند هشتم

وایک اَسد. مَکَرَد. سَدَواَسد. عَسَدِوسد. سَکَرَد.
yōi            mazdā            arədrā            tōi            kuṽrā
کَمانِجَوسد. کَمانِجَوسد. کَمانِجَوسد.
manajhō            waēdēnā            wanjhōuš
سَدَواَسدِوسد. سَدَواَسدِوسد. سَدَواَسدِوسد.
aspəncit            raēxəna            sənghūš
سَدَواَسدِوسد. سَدَواَسدِوسد. سَدَواَسدِوسد.
uṣəurū            caxrayō            sādrācīt
سَدَواَسدِوسد. سَدَواَسدِوسد. سَدَواَسدِوسد.
yūšmaṭ            anyēm            tēm            naēcīm
کَمانِجَوسد. کَمانِجَوسد. کَمانِجَوسد.
vīrāzdūm            aṽā-nā            aṣā            waēdā

**هر ستایشگر واقعی که معتقد به مهر و بخشایش اهورامزدا و سودمندی آموزش های دین او باشد. باید چه درگاه خوشبختی یا هنگام بدبختی با ایمانی استوار پابرجا ماند و به گسترش پیام مقدس بکوشد و یقین بداند که او پیوسته پشت و پناه همه ماست و پیروان راه خود را از پرتو مهر و نیروهای خود نگه می دارد.**

## پند هشتم

م س د د ی د .	ز ی - ن ا	س و د د د ک و د س د د ی د .	ر د د ی ر س ت و م س .
byentē	zī-nā	šyaodānāiš	tāiš
س و د د ی ر س ت و م س .	م د د .	ل و د ا ی .	ل و ک و ا ر د د ی .
iūyejō	as	pourubyō	yaēšū
س و د د ی ر س ت و م س .	م د د .	م ک و د د س م .	س و د د س م ر س م ر س م .
nāidyānhēm	as	aojyā	hyaṭ
ل و ک و د س و د د س .	س و د د ی ر س ت و م س .	ا ر و د س م د س و د د س .	
urwātahyā	māzda	aštā	ūβahyā
س و د د ی ر س ت و م س .	ر ک و ی .	س و د د ی ر س ت و م س .	س و د د ی ر س ت و م س .
mainyanta	yōi	ašem	nōiṭ
س و د د ی ر س ت و م س .	س و د د ی ر س ت و م س .	و د د ا ی .	و د د ا ی .
manō	aēibyō	as	dūirē
manō	as	wohū	dūirē

**آنان که دچار شک و تردیدند. از کارها و کوشش های ما  
 هراسان و نگران هستند. چه ما با پشتیبانی مزدا آماده روبه رو  
 شدن با هر سختی و خطری هستیم و می دانیم که پروردگار  
 یکتا با بد اندیشان و بد گفتاران و بد کرداران مخالف و از آنان  
 روگردان است.**



پند نهم

و سزای دهن سپهری . ساه مده . و کرم دهن دسد .

ūBahyā ārmaitīm spəntəm yōi

و سزای . و سزای . و سزای .

wīdušō bərexδəm mazdā

و سزای - سزای و سزای .

awazazaṭ duš-šyaovānā

و سزای . و سزای . و سزای .

manaḡhō əwistī waḡhəuš

و سزای . و سزای . و سزای .

syazdaṭ ašā maš aēibyō

و سزای . و سزای . و سزای .

xrafstrā aurunā ahmaṭ yawaṭ

آنان که به راه زشت کاری و بدگویی گام می نهند. در زمره بی خبرانند و راستی از آنان دور خواهد ماند. چه آنان خود را از فروغ دانش دور کرده اند و در نتیجه خوشبختی نیز از آنان دور خواهد ماند.

## پند دهم

سپودد سگد سگد سگد	سپودد سگد سگد	سپودد سگد سگد	سپودد سگد سگد
šyaoθanā	manarhō	warhəuš	ahyā
سپودد سگد سگد سگد			
huxratuš	gərəbąm	waocą	
سپودد سگد سگد سگد			
daṃim	ārmaitim	spəntąmcā	
سپودد سگد سگد سگد			
ašahyā	hiθąm	wīdwā	
سپودد سگد سگد سگد			
θbahmī	ahurā	wīspā	tācā
سپودد سگد سگد سگد			
wōyaθrā	ā	xšaθrōi	mazdā

**ولی فرد دانا و خردمند با آگهی از دانش خدایی چون هسته  
 مرکزی حقیقت و راستی باید تبه کاران و نادانان را به پیروی  
 از نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری وادارند و بی  
 گمان آنان پس از شناخت راه راست و درست همه به سوی خدا  
 روی خواهند آورد.**

## بند یازدهم

مده. مژد. دوج. همدادوسمدهسد.  
 haurwāscā ubē tōi at  
 سردا(و)سد. سد. مد(م)سمدهسد.  
 aməratatāscā ā x<sup>w</sup>arəvāi  
 وادوس(و)د. دوس(و)سد. وادوس(و)د.  
 managhō xšaθrā waṇhəuš  
 دوس. وده. سد(و)مدهسد. وادوس(و)د.  
 waxšt ārmaitiš maṭ ašā  
 (م)مدهسد. (م)دوس(و)د. مدهسد. سد. ودهسد.  
 mazdā ā tāiš təwīši utayūitī  
 وادوس(و)د. وادوس(و)د. وادوس(و)د.  
 ahī vβōi wīdwaēšam

**پروردگارا- ما را از بخشش خرداد(رسایی و کمال مامدی و معنوی) و امرداد(جاودانگی و نیک نامی) که از راه وهومن و اشا و خشترا(نیک اندیشی و پرهیزکاری و تسلط بر نفس) به دست می آید. بهره مند ساز تا در پرتو این فروزگان به آرزوهای نیک خود برسیم.**

## پنٔ دوازدهم

ؤدٔ. کٔدٔ. (سٔدٔ). ؤدٔ. ؤسٔدٔ. ؤدٔ.  
 kaṭ            waṣī            kaṭ            rāzarē            tōi            kaṭ  
 ؤسٔدٔ. ؤدٔ. ؤسٔدٔ. ؤدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ.  
 yasnahyā            wā            kaṭ            stūtō            wā  
 ؤدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ.  
 frāwaocā            mazdā            srūidyāi  
 ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ.  
 rāṣṇam            aṣīš            wīdayaṭ            wā  
 ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ.  
 paṭō            aṣā            sīṣā-nā  
 ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ. ؤسٔدٔ.  
 manarhō            x<sup>w</sup>aētəṅg            warhēuš

**کدام است آیین تو و چیست آرزوی تو ای اهورامزدا؟ چه  
 ستایشی سزاوار توست! آن را آشکارا به من بنما تا از برکات  
 انجام آن برخوردار شویم. پروردگارا به ما بیاموز که چگونه  
 در پرتو راستی رهسپار راه تو باشیم.**

## پند سپندنام

م . م . م . م . م	mōi	yēm	ahurā	adwānəm	tēm
. م . م . م . م . م	manahō	waṅhēuš	mraoš		
. م . م . م . م . م	yā	saošyantəm	daēnā		
. م . م . م . م . م	urwāxšaṭ	ašācīṭ	hū-karētā		
. م . م . م . م . م	mīždəm	hudābyō	ciwištā	hyaṭ	
. م . م . م . م . م	daṭrəm	tū	yehyā	mazdā	

**ای اهورا می دانم راه پاک منشی که به من نمودی راهی است  
که بر پایه آموزش های هوشیاران و خردمندان استوار است و  
آن آموزش ها می گوید هر کار نیکی که تنها به خاطر نیکی و  
راستی انجام پذیرد. سزاوار پیروی است و نتیجه آن همانا  
رسیدن به توست ای مزدا.**

## پند چهاردهم

مهمی.	زی.	مزدیوسد.	وایدایه.
taṭ	zī	mazdā	wairīm
مدموادموع.	ایدمسوسد.	وسدمسد.	
astwaitē	uštānāi	dātā	
وایدوسفاید.	سوادسدیوایسد.	مایدوسوئی.	یسوئی.
waṇhōuš	šyaoθanā	manaṇhō	yōi
زی.	واید.	وایدایوای.	میدوسس.
zī	gōuš	wərəzēnē	azyā
میدوسوسوای.	سوادسدایه.	سوادسد.	
xšmākam	hucistīm	ahurā	
میدایسد.	میدوسسد.	وایدایوایسوسو.	
xratōuš	ašā	frādō	wərəzēnā

**پاداش گران بهای مزدا از آن کسی است که در کالبد جسمانی  
و جهان مادی با منش پاک به کار و کوشش پردازد و در  
آبادانی و پیشرفت جهان بکوشد و به این وسیله خواست  
پروردگار را برآورده سازد.**

## بند پانزدهم

و مازدا سپه منوچهره .  
wahištā mōi aṭ mazdā  
و مازدا سپه منوچهره .  
waocā śyaodanācā srawāscā  
م-م-م . و م-م-م .  
mananḥā wohū tā-tū  
م م م . م م م .  
stūtō iṣudēm ašācā  
م م م . م م م .  
fərašēm ahurā xšaṭrā xšmākā  
و م م م . م م م .  
ahūm dā haiṭyēm wasnā

**اهورامزدا در آیین خود ما را از بهترین گفتار و کردار آگاه  
فرموده و برترین راه ستایش را به ما آموخته است. باشد تا با  
پیروی از علم و عمل یا گفتار و کردار نیک به یاری اهورا از  
یک زندگانی کامل که سرشار از راستی و درستی باشد  
برخوردار گردیم.**

# پسنا-هات ۴۳

## بند یکم

ایدم سد. مهنه سد. ویر مهنه سد. ایدم سد. و مهنه سد پر پد.  
 kahmāicīṭ      uštā      yahmāi      ahmāi      uštā  
 کاهماید - مهنه سد پر پد. ویر مهنه سد. ایدم سد. و مهنه سد.  
 ahurō      dāyāt      mazdā      wasē-xšayaš  
 اهورا مزدا. دایات. مزدا. واسه-خشایاش.  
 wasēmī      tōi      gaṭ      tawīšim      utayūiti  
 واسمیه. توی. گات. تویشیم. اوتایوتی.  
 ārmaitē      dā      mōi      taṭ      dərədyāi      ašəm  
 آرمایتیه. دای. موی. تات. دهرادی. اشهم.  
 ایدم سد. مهنه سد. ویر مهنه سد.  
 wanḥēuš      ašīš      rāyō  
 وانهوش. اشیش. رایو.  
 manañhō      gaēm  
 مانانجو. گایم.

فوشبختی از آن کسی است که در پی فوشبختی دیگران باشد

**خوشبخت کسی است که خوشبختی دیگران را فراهم سازد.  
 چنین است فرمان و خواست اهورامزداي چاره ساز. از این  
 روی ما خواستاریم که با نیروی راستی و پایداری نیاز  
 یکدیگر را برآورده سازیم. ای آرمینیتی. ای مهر خدایی ما را  
 در زندگی از بخشش بینایی کامل و منش پاک برخوردار ساز.**



## پند دوم

مذکورم .	مسنم .	کاپه ددلم چو .	کاسن ددلم .
wahištəm	wīspanəm	ahmāi	aṭcā
سرسو اچندد .	سرسو اچندد .	سرسو اچندد .	سرسو اچندد .
daiditā	x <sup>w</sup> āṭrəm	nā	x <sup>w</sup> āṭrōyā
کوکوسد .	کوکوسد .	کوکوسد .	کوکوسد .
mazdā	mainyū	spēništā	cīcīṭβā
سرسو .	وسع .	سرسو .	سرسو .
mananḥō	māyā	wanḥōuš	ašā
		کاپه ددلم .	مرددس اچ .
	ayārē	wīspā	
	اورسدوسد .	وسد اچندد .	
	urwādanḥā	darəgōjyātōiš	

### فودشناسی بهترین راه رسایی است.

**ای مزدا بهترین بخشش ها را که خودشناسی است به ما ارزانی دار - ای نورانی ترین نور معنوی به وسیله خرد مقدست ما را از دانش و منش پاک برخوردار ساز تا با پیروی از قانون اشا روزهای زندگانی خود را قرین خوشبختی و رسایی مادی و معنوی سازیم.**

## پند سوم

مذہب	وہی	وہی	وہی	وہی	وہی
aibi-jamyāt	nā	wahyō	waṅhēuš	hwō	aṭ
سید	سید	سید	سید	سید	سید
sīšōiṭ	paṭō	sawaṅhō	ərežūš	nā	yē
سید	سید	سید	سید	سید	سید
manaṅhascā	astwatō	aṅhēuš	ahyā		
سید	سید	سید	سید		
ā-šaēti	yēṅ	āstīš	haiṭyēṅ		
سید	سید	سید	سید		
huzēntušə	ṭβāwəš	arədrō	ahurō		
سید	سید				
mazdā	spəntō				

### درد به آموزگاران راه راستی

**پروردگارا کسی که ما را به راه راست و درست زندگی و  
 رستگاری جهان مادی و معنوی رهبری کند. بهشت بهره اش  
 ساز. آن بهشتی که پایگاه پرهیزگاران و پاک نشان و بارگاه  
 قدس اهورایی است. بشود که به رهبری آنان ما به تو راه  
 یابیم.**



## بنت پنجم

اهورا مزدا . مڠه . مازدا . اهورا . سپنته .  
 ahurā mēṅhī mazdā ũβā aṭ spəntem  
 دارسم . زوئو . انهوش . اهورا . هيا .  
 darəsəm zaṭōi aṅhəuš ũβā hyaṭ  
 اهورا . اهورا . هيا . پاورويم .  
 ūyaouvanā dā hyaṭ paourwīm  
 اهورا . اهورا . مژداوان .  
 uxδā yācā mīždawaṇ  
 وارهاوه . اشيم . وارهوم . اکاي . اکهم .  
 warhaowē ašim waruhīm akāi akēm  
 اپهمه . اورواسه . داموش . هوناره . اهورا .  
 apēmē urwaēsē dāmōiš hunarā ũβā

مژدا سر آغاز و سرانجام همه چیز است.

**آن گاه تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که تو را سر آغاز و  
 سرانجام همه چیز دانستم و دریافتم که تو از روز نخست  
 نتیجه و بازتاب هر گفتار و کردار نیک یا بدی را مقرر  
 فرمودی و داوری تو پیوسته بر این اصل است که بدی بهره  
 بدان و نیکی پاداش نیکان است تا روز بازپسین.**

## بنا ششم

urwaēsē	mainyū	v̄βā	spəntā	yahmī	
managhā	wohū	ahmī	xšaθrā	mazdā	jasō
ašā	gaēvā	šyaoθanāiš		yehyā	
sənghaitī	ratūš	aēibyō	frādəntē		
xratəuš		v̄βahyā	ārmaitiš		
dābayeitī		naēciš	yēm		

### آموزش راه دین بر همه کس بایسته است

**از آن دم که خرد مقدس مزدا در درون کسی راه یابد، نیروی معنوی و منش پاک در او پدیدار شود و آنگاه است که پیامبر تو خواهد توانست به او علم دین و دانش مینوی بیاموزد تا به وسیله آن آموزش ها، کشور پارسایی گسترش یابد و کسی نتواند پیروان تو را از راه راست باز دارد.**

## بند هفتم

.سوداس	.سپنتهم	.مذکاس	.ات	.وہو	.مناہا
ahurā	məṇghī	mazdā	ūbā	aṭ	spəntəm
.سوداس	.سپنتهم	.مذکاس	.ات	.وہو	.مناہا
manahā	pairī-jasaṭ	wohū	mā	hyaṭ	
.سپنتهم	.مذکاس	.ات	.وہو	.مناہا	.سوداس
ahī	kahyā	ahī	ciš	mā	pərəsaṭcā
.سپنتهم	.مذکاس	.ات	.وہو	.مناہا	.سوداس
fərasayāi	daxšārā	ayārē	kaṭā		
	.مذکاس	.ات	.وہو		
	ūbāhū	aibī	dīšā		
	.مذکاس	.ات	.وہو		
	tanuṣicā	gaēvāhū			

هر کس باید بیندیشد که چیست، از کجا آمده و برای چه در این جهان است؟

**ای مزدا اهورا- هنگامی تو را مقدس شناختم که منش پاک به من روی نمود و واداشت تا بیندیشم که من کیستم و از کجا آمده ام و دریابم که وظیفه من در این جهان چیست و به طرفداری از کدام گروه (نیکان یا بدان) برخیزم؟**

## پند هشتم

.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .
paourwīm	zaraϑuštrō	aojī	hōi	aṭ
.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .
drəgwāitē	isōyā	hyaṭ	dwaēšā	haiϑyō
.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .
aojōnghwaṭ	hyēm	rafēnō	ašāunē	aṭ
.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .
xšaϑrahyā	wasasē	ābūštīš	hyaṭ	
.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	
ϑβā	ā	yawaṭ	dyā	
.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	.سزادو اوو .	
ufyācā	stāumī	mazdā		

### باید پیوسته دشمن دروغ و دوست دار راستی بود

**آن گاه به خود پاسخ داده . گفتم: من زرتشتم و تا آن جا که  
 نیرو دارم دشمن سرسخت دروغ و پشتیبان استوار راستی  
 خواهم بود تا زمانی که همه جهانیان به کشور جاویدان  
 راستی راه یابند- از این روی همیشه. ای مزدا تو را ستایش  
 گر و با سرودهای نیایش. تو را خواهم ستود.**

## پند نهم

.سوداسد	.سپنتهسپنته	.سزوسد	.سکوسد	.سج	.سپنتهسپنته
ahurā	mōnghi	mazdā	v̄βā	aṭ	spəntem
.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد
manaḥhā	pairī-jasaṭ	wohū	mā	hyaṭ	
.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد
waṣī	wīwīduyē	kahmāi	fərasōm	ahyā	
	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	
	āv̄rē	v̄βahmāi	ā	aṭ	
	.سزوسد	.سزوسد			
	nəmaḥhō	rātaṃ			
.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد	.سزوسد
manyāi	isāi	yawaṭ	aṣahyā-mā		

### پیروی از راستی بهترین راه زندگی است

**ای خدای دانا. آن گاه تو را مقدس شناختم که وهومن (منش پاک) به من روی آورد و پرسید: چه راهی را با صمیم قلب پیروی خواهی کرد؟ و من پاسخ دادم. من راستی را که بهترین و والاترین راه است پیروی می کنم و تا آن زمان که نیرو دارم دل به این فروغ مینوی خواهم بست.**



## پند دهم

.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س
mā	hyaṭ	aṣəm	dāiš	mōi	tū	aṭ
.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س
ārəm	īṭ	hacimnō	ārmaitī	zaozaomī		
.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س
parštā	ēhmā	tōi	yā	nā	pərəsācā	
.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س	.س.س
ēmawatəm	taṭ	yaṯanā	ūβā	zī	parštəm	
	.س.س	.س.س	.س.س			
	xšayaš	ūβā	hyaṭ			
.س.س	.س.س	.س.س				
ēmawaṇtəm	dyāṭ	aēṣəm				

### راه راست را تنها با منش پاک می توان شناخت

**پس ای منش پاک. راه راست را به من بنما چه همواره خواهان  
 آنم تا با نیروی آرمینیتی (آرامش وجدان) آن را ببینیم. ای  
 وهومن پیوسته به پریش های ما پاسخ ده چه راهنمایی های  
 تو چنان است که از جانب خدای بزرگ رسیده باشد و تنها این  
 راهنمایی هاست که همه را توانایی و کوشایی می بخشد.**

## بند یازدهم

.سوداس	.سپنته	.مزد	.اوت	.م	.سپنته
ahurā	mānghī	mazdā	ūβā	aṭ	spəntəm
.سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته					
manāḡhā	pairī-jasaṭ	wohū	mā	hyaṭ	
.سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته					
paourwīm	dīdaiḡhē	uxdāiš	xšmā	hyaṭ	
.سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته					
zarazdāitiš	mašyaēšū	sas	sādrā-mōi		
.سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته					
hyaṭ	wərəzyeidyāi	taṭ			
.سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته .سپنته					
wahištəm	mraotā	mōi			

همه ما باید پیوسته در پیشبرد راستی بکوشیم

**آن گاه تو را مقدس دانستم ای مزدا اهورا که وهومن (خرد پاک) بر من ظاهر شد و راه راست را به من نشان داد و چون آن را دریافتم بر آن شدم تا به مردمان بیاموزم هر چند در این راه رنج و سختی کشم. راستی را که بهترین آیین است به آنان نشان دهم.**

## پنٔ دوازدهم

سردمدس	هژد	هژد	سرخس	سردمد	هژد
frāxšnənē	jasō	ašəm	mraoš	mōi	hyaṭcā
سرخس	مژد-هژد	سرخس	سرخس	سرخس	سرخس
pairyaoyžā	asruštā	nōiṭ	tū-mōi	aṭ	
سرخس	سرخس	سرخس	سرخس	سرخس	سرخس
ā-jimaṭ	mōi	hyaṭ	parā	uzəreḍyāi	
سرخس	سرخس	سرخس	سرخس	سرخس	سرخس
hacimnō	mažā-rayā	ašī	səraošō		
	سرخس	سرخس	سرخس		
	rānōibyō	ašiš	wī	yā	
		سرخس	سرخس		
	widāyāt	sawōi			

آقای سرروش همان همی یا ندای وجدان است که از درون آدمی بر می آید

**هنگامی که فرمان سرروش و اش را از درون خود شنویم بر آن شدم تا راه راست و آیین درست را به مردم بیاموزم و دمی از آن سرنپیچم و چون دانستم که این آیین راست و درست است با کوشش و اراده و جرات تمام تعلیم خواهم داد. باشد که من و پذیرندگان این دین کامروا گردیم.**

## پند سپندنام

داهرا	مانانها	مزداه	وہا	اٹ	سپنتام
ahurā	mānaḥā	mazdā	wōhā	aṭ	spəntəm
داتا	موی	تہم	کامایا	ویزدیای	ارہا
dātā	mōi	tēm	kāmahyā	wōizdyāi	arəḥā
ناعیس	وا	یہم	یاش	دارگایا	
naēcīš	wā	yēm	yāuš	darəgahyā	
یا	ستیس	وایرا	یتہ	دارشت	
yā	stōiš	wairyā	itē	dārəšt	
	واہی	خشاہرہ	وہامی		
	wācī	xšaḥrōi	wōbahmī		

برای پیشبرد راستی باید در برابر دروغ پرستان ایستادگی کرد

**آن گاه تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که خرد پاک به من  
روی کرد و پرسید: ای زرتشت آرزوی تو چیست؟ و من گفتم  
آرزومند یک زندگی دراز و سالم هستم تا بتوانم در برابر  
دروغ پرستان هر چه بیشتر ایستادگی کنم و بر آنان پیروز  
شوم.**

## بند چهاردهم

سنددسج. س. ائدسد. واسعوسءء. ددوس. وسوسء.	daidīt	iswā	waēdamnō	fryāi	nā	hyaṭ
ءسدرءء. سوس. سءوس. مءوس. اءءء. اءسءسءءء.	frāxšnənəm	rafənō	tawā	mazdā	maibyō	
سنددسج. سوس. سءسءءء. سءسءءء. سءسءءء. اءءءءءءء.	fraštā	hacā	ašāt	xšaθrā	θβā	hyaṭ
ءءءءءءءءءءءء. سءءءءءءء. سءءءءءءء.	sēnghahyā	sarədanā	azēm	uzərəidyāi		
سءسج. مءسءءء. وءءءءءءءءءءءء.	yoi-tōi	wispāiš	tāiš	maṭ		
سءسءءءءءءءءء.	marəntī	maṭθrā				

### اهورا مزدا دوستی مهربان و یاور همه است

**همان گونه که دوست مهربانی پیوسته پشت و پناه دوست خود است. ای مزدا مرا دستگیر و پشتیبان باش و نیرویی به من ده تا بتوانم آیین تو را به خوبی بگسترانم و به آنان که به فرمان تو و دستورهای تو گوش می دهند پیاموزم تا از دروغ پرستان روی بگردانند و با آنان بستیزند.**

## پند پانزدهم

مدد مژدها . مدد . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها .  
 ahurā mōnghī mazdā ũβā aṭ spəntəm  
 مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها .  
 manaḥhā pairī-jasaṭ wohū mā hyaṭ  
 مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها .  
 wahištā maitiš tuṣṇā ušyāi daxšaṭ  
 مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها .  
 hyaṭ drəgwatō pourūš nā nōiṭ  
 مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها .  
 angrēṅ wīspəṅ tōi aṭ cixšnucō  
 مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها . مژدها .  
 ādarē ašāunō

با یاد و اندیشه فدا می توان بر نیروی های روان اخزود

**هنگامی تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که وهومن به  
 سوی من آمد و مرا واداشت تا دریابم که برای نیرومندی روان  
 بهترین چیز اندیشه و یاد تو در گوشه خاموشی است و مرا  
 آگاه فرمود که نباید هرگز به جلب رضایت و خشنودی دروغ  
 پرستان برآمد. زیرا آنان راستی را بدترین دشمن خود می  
 دانند.**

## بند شانزدهم

مذ	مسنواسد	سورج	مدرج	سداووسد
zaraϑuštrō	mainyūm	hwō	ahurā	aϑ
کاءسوس	سوس	سوس	سوس	سوس
spēništō	cišcā	yastē	mazdā	wərəntē
مدرج	مدرج	مدرج	مدرج	مدرج
aojōnghwaϑ	uštānā	hyāϑ	ašəm	astwaϑ
سوس	سوس	سوس	سوس	سوس
ārmaitiš	hyāϑ	xšaϑrōi	darəsōi	xʷəng
سوس		سوس		
wohū		šyaoϑanāiš		ašīm
سوس		سوس		
manəḡhā		daidiϑ		

پیروی درست از فرمان دین خدا، تنها به یاری فرد و ایمان ممکن است

**بنابراین من که زرتشت هستم آرمینیتی (نیروی ایمان و وجدان) را برای خود برگزیدم. باشد که به یاری آن، نیروی راستی و پاکی چون خورشید تابان بر همه نورپاشی کند و آرمینیتی و وهومن ما را به حسب کردار نیکمان پاداش و مزد بخشد.**





## پند دوم

مدم. کسکس. لئ(ئدسد. ء(ئس-ئد. کاسکس. مئو(اس.  
 ahurā waocā ərəš-mōi perəsā ōβā taṭ  
 وسکس. مئو(ئس. کاسس(ئس مئو(ئس. لئ(ئو(ئس.  
 paourwīm wahištahyā anjhēuš kaṭā  
 وسکس. دم(ئو(ئس. س-ئ. لئ(ئس(ئس.  
 paitiṣāt yē-ī sūidyāi kāṭē  
 س(ئ. لئ. مئو(ئس. مئو(ئس(ئس. لئ(ئس(ئس.  
 irixtəm spəntō ašā zī hwō  
 کاس(ئس(ئس(ئس. س(ئ. لئ(ئس(ئس.  
 mainyū hārō wīspōibyō  
 مئو(ئس(ئس. لئ(ئس(ئس. لئ(ئس(ئس.  
 mazdā urwāṭō ahūmbiš

### پاداش کردار نیک فو شبفتی در دو جهان است

**از تو می پرسم ای اهورا. چه به راستی می خواهم بدانم. آیا  
 سرانجام زندگی پارسایی خوشبختی در دو جهان است و کسی  
 که برای رستگاری روان دیگران می کوشد. بهره نیک خواهد  
 برد؟ این را مزدا می دانم که هر که به مردم مهر ورزد و  
 برای رستگاری دیگران بکوشد. چنین کسی دوست تو و درمان  
 بخش زندگی مردم خواهد بود.**

## پند سوم

مدهج. واکسد. ره اهدسد. اهدسد-هجد. واکسد. مدهداسد.  
 ahurā waocā erēš-mōi pərəsā v̄βā taṭ  
 ودهداسد. سجد. ره مدهسد. مدهداسد. ره واکسد.  
 pouruyō ašahyā patā zaṭvā kasnā  
 ودهداسد. سجد. مدهداسد. ودهداسد. مدهداسد.  
 adwānəm dāt starəmčā xʷəṅg kasnā  
 ودهداسد. سجد. مدهداسد. مدهداسد. واکسد.  
 v̄βaṭ nərəfsaitī uxšyeitī mā yā kē  
 مدهداسد. سجد. مدهداسد.  
 wasəmī mazdā tācīṭ  
 مدهداسد. واکسد.  
 wīduyē anyācā

### هفت آفرینش ها از فداوند است

**از تو می پرسم ای اهورا- چه به راستی می خواهی بدانم-  
 جز تو چه کسی در روز نخست آفرینش را بیافریدی؟ چه کسی  
 به خورشید و ستارگان راه سیر بنمود؟ کاهش و افزایش ماه از  
 کیست؟ این ها و بسا چیزهای دیگر را می خواهی بدانم به راستی  
 بدانم.**

## پند چهارم

مردم. و کس. و (آید)د. (آید)د. و (آید)د. و (آید)د.

ahurā waocā erēš-mōi pərəsā ʔβā taṭ

و (آید)د. و (آید)د. و (آید)د. و (آید)د.

nabāscā adē zaṃcā dərətā kasnā

و (آید)د. و (آید)د. و (آید)د. و (آید)د.

urwarāscā apō kē awapastōiš

و (آید)د. و (آید)د. و (آید)د. و (آید)د.

āsū yaogēt dwānmaibyascā wātāi kē

و (آید)د. و (آید)د. و (آید)د.

mazdā waṅhēuš kasnā

و (آید)د. و (آید)د. و (آید)د.

manāḥō dāmiš

### فداوند نگهدار زمین و آسمان است

از تو می پرسم ای اهورا- چه به راستی می خواهی بدانم-  
 جز تو چه کسی نگهدار زمین در پایین و سپهر در بالا است؟  
 جز تو چه کسی آفریننده آب و گیاهان است؟ جز تو کیست آن  
 که به باد و ابر. تندروی فرمود؟ جز تو چه کسی برانگیزنده  
 منش پاک در مغزهای مردم است؟

## بنت پنجم

.مده	.کوسد	.هه(دسد)	.هه(دسد)	.کوسد	.مده
ahurā	waocā	erəš-mōi	pərəsā	ūβā	taṭ
.و	.هه(دسد)	.مده	.مده	.هه(دسد)	.مده
təmāscā	dāṭ	raocāscā	hwāpā	kē	
.و	.هه(دسد)	.مده	.مده	.هه(دسد)	.مده
zaēmācā	dāṭ	x <sup>w</sup> afnəmcā	hwāpā	kē	
.و	.هه(دسد)	.مده	.مده	.هه(دسد)	.مده
xšapācā	arēm-piūβā	uṣā	yā	kē	
	.مده	.مده			
	manaouīrīš	yā			
	.مده	.مده			
	arəūahyā	cazdōṅghwantəm			

## سه گاه نماز

**جز تو کیست آن هنرمند بزرگی که روشنایی سودمند و شب آرام بخش را بیافرید؟ جز تو کیست ایجاد کننده خواب و بیداری؟ و جز تو چه کسی پدید آورنده بامداد و نیمروز و شب است که مردم را برای ادای نماز تو فرا می خواند؟**



## پند هشتم

مهم	و	پند	و	پند	و	پند
ahurā	waocā	ərəš-mōi	pərəsā	v̄βā	taṭ	
ārmaitīm	maṭ	xšaṽrā	tāšt	bərəxḍam	kē	
piṽrē	puṽrəm	wyānayā	cōrəṭ	uzəmēm	kē	
mazdā	awāmī	fraxšnī	v̄βā	tāiš	azēm	
		mainyū	spəntā			
		dātārəm	wīspanəm			

**این را می دانم ای اهورا که تو از روز ازل نیروی معنوی و مهر و دوستی جهانی و همگانی را بیافریدی. تویی آن کسی که از روی خرد مهر فرزند را در دل پدر و مادر برانگیخته ای. ای مزدا آرزومندم که به وسیله خرد مقدس به تو نزدیک شوم و تو را چنان چه باید بشناسم.**

## پند هشتم

.مذم	و کس	ه (د)دس	ه (د)د-د	و کس	دس
ahurā	waocā	erəš-mōi	perəsā	ūβā	taṭ
.دس و دس و دس					
ādištiš	mazdā	yā-tōi	mənḍaidyāi		
.دس و دس و دس					
mananḥā	fraṣī	uxδā	wohū	yācā	
.دس و دس و دس					
waēdyāi	arēm	aṅhēuš	aṣā	yācā	
.دس-دس و دس و دس					
urwāṣaṭ		wohū	urwā	kā-mē	
.دس و دس					
tā		āgəmaṭ			

**ولی ای مزدا- چگونه می توان به اراده تو پی برد و راه و روش زندگی نیک منشی و پارسایی را یافت و چگونه می توان روان خود را به سوی رستگاری دو جهانی پیش برد؟**

## پنجم

مذبح.	و کس.	ه (ه)دس.	ه (ه)د-ه د.	و کس.	مذبح (ه).
ahurā	waocā	ərəš-mōi	peresā	v̄βā	taṭ
و کس-ه د.					
yaoš	daēnaṃ	yaoš	yaṃ	kaṽā-mōi	
و کس.					
sahyāt	paitiše	hudānāuš	yaṃ	dānē	
و کس (ه)دس.					
v̄βāwaṣ	xšaṽrā	ərəṣwā	xšaṽrahyā		
مذبح (ه)دس.					
wohucā	hadəmōi aṣā	mazdā	asištīš		
و کس (ه)دس.					
mananjhā		šyāṣ	šyāṣ		

**این را به راستی می دانم که روان پیروان آیین تو ای مزدا در هر دو جهان در بهشت (بهترین جای) قرار خواهند گرفت و مردم تنها از راه پیروی راستی و پاک منشی به کشور جاودانی تو راه خواهند یافت.**



## بند دهم

مذم	و کس	ه (دس)	ه (دس)	و کس	مذم
ahurā	waocā	erəš-mōi	perəsā	v̄bā	taṭ
مذم . و کس . ه (دس) . ه (دس) . و کس . مذم					
wahištā	hātəm	yā	daēnam	təm	
مذم-ه . و کس . ه (دس) . ه (دس) . و کس . مذم					
hacēmnā	frādōit	ašā	gaēvā	yā-mōi	
مذم-ه . و کس . ه (دس) . ه (دس) . و کس . مذم					
erəš	šyaovānā	uxδāiš	ārmatoiš		
مذم-ه . و کس . ه (دس) . ه (دس) . و کس . مذم					
v̄bā	cistōiš	mahyā	daidyat		
مذم-ه . و کس . ه (دس) . ه (دس) . و کس . مذم					
mzdā	usēn	ištīš			

**به راستی ای مزدا چنین خواهد بود. چون راه و آیین تو  
بهترین ارمغان برای آدمیان است و از آن جایی که این آیین با  
راستی یکسان است. پیروان آن را فراخی و آسایش و رستگاری  
دو جهانی خواهی بخشید.**

## بند یازدهم

مهم	و کس	ه (ا) دسد.	ه (ا) س-ه	و کس	س (ا) س
ahurā	waocā	ərəš-mōi	pərəsā	ūβā	taṭ
وس	م (ا) س-ه	و کس	ه (ا) س	س (ا) س	س (ا) س
ārmaitiš	wijōmyāt	tōng-ā	kaṭā		
س (ا) س	ه (ا) س	و کس	و کس	س (ا) س	س (ا) س
daēnā	wašyetē	ūβōi	mazdā	yaēibyō	
س (ا) س	م (ا) س	ه (ا) س	س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س
frawōiwidē	pouruyō	āiš	tōi	azēm	
س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س
manyōuš	anyōng	wīspōng			
س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س	س (ا) س
dwaēšaṅhā	spasyā				

یاری فواستن اشو زرتشت از پروردگار برای انجام درست رسالت فویش

**ای مزدا- اینک که من به ارشاد مردم و آموزش راه تو  
پرداخته و با همه دروغ پرستان به ستیزه برخاسته ام. مرا  
نگهدار و پشتیبان باش و خرد پاک را به یاری مردم فرست تا  
به گفتار و آموزش هایم پی برند.**

## پنت دوازدهم

مدهج.	و کسده.	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).
ahurā	waocā	erēš-mōi	perēsā	v̄βā	taṭ	
و.	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).
wā	drægwā	perēsāi	yāiš	ašawā	kē	
و دهدهده.	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).
anḡrō	wā	hwō	wā	anḡrō	ā	katārēm
هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).
paitī-erētē	sawā	v̄βā	drægwā	yē-mā		
هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).	هه (هدهده).		
ayēm	nōiṭ	hwō	cyanḡhaṭ			
	هه (هدهده).					
	manyetē	anḡrō				

**از تو می پرسم ای اهورا- به راستی می خواهیم بدانم که  
برای آموزش راهت نخست به کدام سوی روی آورم. آنان که  
پیرو دروغ هستند یا آنان که طرفدار راستی اند؟ و با دروغ  
پرستان چگونه رفتار کنم. مگر آنان دشمن تو نیستند؟**

## پند سپردانم

مردمان	و کس	و کس	و کس	و کس	و کس
ahurā	waocā	ərəš-mōi	pərəsā	vβā	taṭ
و کس	و کس	و کس	و کس	و کس	و کس
nāšāmā	nīš	ā	ahmaṭ	nīš	drujem
و کس	و کس	و کس	و کس	و کس	و کس
perənāḡhō	asruštōiš	yōi	awā	tōng-ā	
و کس	و کس	و کس	و کس	و کس	
hacēmnā	ādiwyeiṭi	ašahyā	nōiṭ		
	و کس	و کس	و کس		
	wanḡhēuš	frasayā	nōiṭ		
	و کس	و کس	و کس		
	manāḡhō	cāxnarē			

**ای اهورا- آیا باید از پیروان دروغ و مردمان بی دین و ایمان دوری کنم و آنان را از خود برانم؟ چگونه باید با کسی که برای شنیدن راستی و گفتار خردمندانه، دل بستگی نشان نمی دهد، رفتار کنم؟**

## پند چهاردهم

مدم	و کس	ه (دس)	ه (دس)	و کس	دس
ahurā	waocā	erēš-mōi	perēsā	ūbā	taṭ
و کس . دس . و کس . و کس . و کس . و کس .					
zastayō	dyam	drujēm	ašāi	kaṭā	
دس . و کس . و کس . و کس . و کس . و کس .					
maṭrāiš	ūbahyā	mərəždyāi	hīm	nī	
دس . و کس . و کس . و کس . و کس . و کس .					
dāwōi	sinam	ēmawaitim	sēnghahyā		
و کس . و کس . و کس . و کس . و کس . و کس .					
	dwafšōng	ā-iš	drəgwasū		
و کس . و کس . و کس . و کس . و کس . و کس .					
	aštascā	anāšē	mazdā		

ای اهورا- آیا باید رهبری دروغ پرستان را به راستی خواهان  
 واگذارم تا با آموزش کلام آسمانی روان آنان را از آلودگی  
 پاک گردانند. یا باید با وارد ساختن شکست کامل به  
 هواخواهان دروغ و تبه کاران. فریب و بدکاری آنان را از بین  
 ببرم و بی اثر گردانم؟

## بند پانزدهم

مدهی. واکسد. رءءءءءءء. ءءءءءءءء. واکسد. مءءءءءءء.  
 ahurā waocā erēš-mōi perēsā ūβā taṭ  
 مءءءءءءء. مءءءءءءء. مءءءءءءء. رءءءءءءء. مءءءءءءءءءءء.  
 xšayehī maṭ pōi ašā ahyā yezī  
 مءءءءءءء. مءءءءءءء. مءءءءءءءءءءء. مءءءءءءءءءءء.  
 jamaētē anaocanḥā spādā hēm hyaṭ  
 مءءءءءءءء. وءءءءءءءءءءء. مءءءءءءءء. مءءءءءءءءءءء.  
 dīdərəžō mazdā yā-tū urwātāiš awāiš  
 وءءءءءءء. مءءءءءءء.  
 kahmāi ayā kuṭrā  
 وءءءءءءء. وءءءءءءء.  
 dadā wananam

**ای اهورا- هنگامی که سپاه دروغ پرست در برابر سپاه راستی  
 صف آرایی کرده و به هم می تازد، آیا راستی را توانایی آن  
 هست که دروغ را شکست دهد و طرفداران خود را نگهداری  
 کند؟ چه وقت ای مزدا برابر قانون تو راستان را بر دروغ  
 پرستان پیروزی خواهی بخشید؟**

## پنٔ شائز دهم

مهم	و کس	ه (ه)دسد	ه (ه)د-ه	و کس	مسه داس
ahurā	waocā	ərəš-mōi	perəsā	vβā	taṭ
و ه (ه)و (ه)دسد					
sēnḡhā	pōi	vβā	wərəvrem-jā	kē	
سه ه (ه)دسد					
ahūmbiš	dām	mōi	civra	henti	yōi
د (ه)دسد					
səraoṣō	wohū	hōi	aṭ	cīzdī	ratūm
د (ه)دسد					
ahmāi	mazdā	manaḡhā	jaṇtū		
سه د (ه)دسد					
kahnāicīṭ	waṣī	yahmāi			

ای اهورا- آن شخص دلیر و پیروزمندی که باید از روی دستور تو دین داران و راستی خواهان را در پناه خود گیرد و پیروز گرداند کیست؟ آن را با الهام به من باز گوی که کیست آن داور نجات دهنده دانایی که بدین کار گماشته ای؟ بشود که سروش (ندای وجدان) و وهومن (منش نیک) او را و همه آنانی را که دوست دار تو هستند یار و یاور باشند.

## پند هفتادم

مذموم.	و کورس.	و اءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.
ahurā	waocā	erəš-mōi	pərəsā	vβā	taṭ
و مءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.
xšmaṭ	hacā	carānī	zarəm	mazdā	kaṭā
ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.
hyāt	mōi	hyaṭcā	xšmākam	āskētīm	
ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.
haurwātā	būždyāi	sarōi	aēšō	wāxš	
	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	
	yē	maṭrā	awā	amərətātā	
	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	ءءءءءءءءءء.	
	hacā	ašāt	rāvēmō		

نعمت رسایی و باور دانی به کسانی زوید داده شده که پیرو راستی باشند

**ای مزدا- هنگامی که به دستور تو با جدیت تمام در راهی که نمودی رهسپار شوم. آیا سخنانم در مردم اثر خواهد کرد؟ و چنان چه نوید داده ای رسایی و کامروایی نهایی بهره نیکان و راستان خواهد بود؟**



## پند هجدهم

مذھ	و کھس	رہ (دندس)	(س-ج) د	و کھس	دھو (س)
ahurā	waocā	erəš-mōi	pərəsā	ūβā	taṭ
و کھس					
hanānī	mīždem	taṭ	aṣā	kaṭā	
و کھس					
uštremcā	arṣnawaitīš	aspā	dasā		
و کھس					
haurwātā	apiwaitī	mazdā	mōi	hyaṭ	
دھو (دندس)					
hī	yaṭā	aməretātā			
و کھس					
dāṅhā	taēibyō				

**ای اهورا- چگونه در پرتو اشا(راستی و پاکی) به درک راه تو و حقایق زندگی پی خواهیم برد؟ و ای مزدا- چه وقت از کمال و رسایی (خرداد) و جاودانگی(امرداد) برخوردار خواهیم شد؟ و چگونه خواهیم توانست این دو نعمت را به مردم جهان ارمغان کنیم؟**

## پنت نوزدهم

مهم	و کوسد	ه (ا)دسد	ه (ا)س-ه د	و ا د کوسد	دس و ا سد
ahurā	waocā	erəš-mōi	pərəsā	ūβā	taṭ
دس و ا سد	ه (ا)دسد	ه (ا)س-ه د	مژده	دس و ا سد	دس و ا سد
dāitī	nōiṭ	hanəntē	mīždəm	yastaṭ	
دس و ا سد	ه (ا)دسد	ه (ا)س-ه د	مژده	دس و ا سد	دس و ا سد
dāitē	nā	ərəžuxδā	ahmāi	yē-iṭ	
دس و ا سد	ه (ا)دسد	ه (ا)س-ه د	مژده	دس و ا سد	دس و ا سد
pouruyē	aṇhaṭ	mainiš	ahyā	kā-tēm	
	دس و ا سد	دس و ا سد	دس و ا سد		
	yā-īm	awam	wīdwā		
	دس و ا سد	دس و ا سد			
	apēmā	aṇhaṭ			

هر خردی باید به هم نهی و نهی کند

**ای اهورا- آیا کسی که پیمان شکنند و نیکان و پارسایان را در هنگام حاجت یاری نکند، چه جزایی برایش مقرر داشته ای؟ به راستی که چنین کسی برابر آیین تو در سرای دیگر به پادافره کوتاهی در انجام وظیفه اش نسبت به هم نوعان گرفتار رنج و سختی نخواهد شد؟**

## بنت پیستم

مردی است.	و مدعی است.	من در پیج مدعی است.	و مدعی است.	سرمه است.
mardā	mardā	mardā	mardā	mardā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
pišyeinti	pišyeinti	pišyeinti	pišyeinti	pišyeinti
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
yōi	yōi	yōi	yōi	yōi
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
pərəsā	pərəsā	pərəsā	pərəsā	pərəsā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
iṭ	iṭ	iṭ	iṭ	iṭ
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
aṭ	aṭ	aṭ	aṭ	aṭ
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
gām	gām	gām	gām	gām
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
yāiš	yāiš	yāiš	yāiš	yāiš
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
kām	kām	kām	kām	kām
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
aēibyō	aēibyō	aēibyō	aēibyō	aēibyō
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
dātā	dātā	dātā	dātā	dātā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
aēšəmāi	aēšəmāi	aēšəmāi	aēšəmāi	aēšəmāi
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
usixšcā	usixšcā	usixšcā	usixšcā	usixšcā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
karapā	karapā	karapā	karapā	karapā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
urūdōyatā	urūdōyatā	urūdōyatā	urūdōyatā	urūdōyatā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
ānmēnī	ānmēnī	ānmēnī	ānmēnī	ānmēnī
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
kawā	kawā	kawā	kawā	kawā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
yācā	yācā	yācā	yācā	yācā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
frādaijḥē	frādaijḥē	frādaijḥē	frādaijḥē	frādaijḥē
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
wāstrēm	wāstrēm	wāstrēm	wāstrēm	wāstrēm
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
ašā	ašā	ašā	ašā	ašā
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
mīzēn	mīzēn	mīzēn	mīzēn	mīzēn
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
hīm	hīm	hīm	hīm	hīm
. پی .	. پی .	. پی .	. پی .	. پی .
nōiṭ	nōiṭ	nōiṭ	nōiṭ	nōiṭ

### همکاری و یاری بدکاران نیز گناه شمرده می شود

**ای مزدا- چگونه ممکن است این دیوان بدکار که با جور و ستم و کشتار به فرمانروایی رسیده اند. از شهریاران خوب به شمار آیند و چگونه هواخواهان آنان که چون کرپان ها (کوران با چشم) و اوسیح (کران با گوش) هستند و برای خشنودی اربابان خود (کاوی ها) جهان را پر از بی دادگری و خونریزی کرده اند. از گمراهان به شمار نیایند؟ آری این بدکاران برای به دست آوردن نیرو و دارایی حاضرند جهانیان را از راه درست و راست دور نگهدارند.**

# پسنا-هات ۴۵

## پند یکم

سځ.	ډاډو د پل پل د داس.	ځ.	ښه پل د وځ.	ځ.	د داس د مځ.
sraotā	nū	gūṣṍdūm	nū	frawaxšyā	aṭ
سځ د پل پل د داس.	ډاډو د پل پل د داس.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.
iṣaṭā	dūrāt	yaēcā	asnāt	yaēcā	
ځ.	ځ.	ځ.	ځ.	ځ.	ځ.
mazdārḥō-dūm	zī	ciṭrē	wīspā	īm	nū
ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.
ahūm	duš-sastiš	daibitīm	nōiṭ		
ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.	ځ د پل پل د وځ.
dregwā	waranā	akā	mərəšyāt		
	سځ د پل پل د وځ.	سځ د پل پل د وځ.			
	āwəretō	hizwā			

## دومین سفن رانی همگانی اشه زرتشت

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمده اید. من  
برایتان سخن می گویم- همه گوش هوش فرادهید و بشنوید  
حقیقی را که برایتان روشن می سازم و بایسته است که آن را  
به خاطر بسپارید تا مبدا آموزگاران دروغ شما را گمراه کنند  
و با گفتار نادرست و فریبنده زندگانی شما را در دو جهان  
تباه سازند.

## پند دوم

پند	پند	پند	پند	پند	پند
pouruyē	mainyū	aṅhēuš	frawaxšyā	aṭ	
پند	پند	پند	پند	پند	پند
aṅrəm	yēm	mrawaṭ	ūitī	spanyā	yayā
پند	پند	پند	پند	پند	پند
nōiṭ	sēṅghā	nōiṭ	manā	nā	nōiṭ
پند	پند	پند	پند	پند	پند
uxδā	nōiṭ	waranā	naēdā	xratawō	
پند	پند	پند	پند	پند	
nōiṭ	daēnā	nōiṭ	šyaoṭanā	naēdā	
	پند	پند	پند	پند	
	hacaiṅtē	urwaṇō			

### دو گونه‌ی روش اندیشیدن

**من می خواهم از دو مینو یا دو گونه روش اندیشیدن در آدمی  
 سخن گویم که یکی پاک و سپنتا مینویی است و دیگری ناپاک  
 و انگره مینویی است. این دو همیستار و مخالف یکدیگرند و  
 هیچ کدام در اندیشه و گفتار و کردار و آموزش و آرزو و  
 عقیده و روح یکسان و همانند نیستند.**





## بند پنجم

mraoṭ	mōi	hyaṭ	frawaxšyā	aṭ
hyaṭ	srūidyāi	wacō	spəntōtēmō	
mōi	yōi	wahištəm	marətaēibyō	
cayascā		dan	səraošəm	ahmāi
wanhēuš	amərətātā	haurwātā	upā-jimən	
ahurō	mazdā	šyaoṯanāiš	manyēuš	

کسانی به رسایی و جاودانی خواهند رسید که به ندای وجدان گوش دهند  
 من سخن می گویم از آن چه که مزدای پاک به من آموخت.  
 سخنی که شنیدنش برای مردم بهترین آموزش هاست و آن این  
 که کسی به پایه رسایی و جاودانی خواهد رسید که به ندای  
 وجدان خود گوش دهد و بدان ارج گذارد. چه خشنودی  
 اهورامزدا از راه اندیشه نیک و کردار درست (آن چه که  
 وجدان گوید) به دست می آید.



## بنت ششم

.مذع	.کاب دد ل م یو ع	.ل ا م و د ل یو ع د د س	.ع
mazištəm	wīspanəm	frawaxšyā	aṭ
.د م م و د د	.م یو ع	.س	.م یو ع
həntī	yōi	hudā	yē
.د م یو ع	.م یو ع	.د ا م ک م ج	.م م و د د
ahurō	mazdā	sraotū	mainyū
.م م و د د	.ل ا م یو ع	.ک ا م ج	.ک ا م یو ع
manañhā	frašī	wohū	wahmē
	.ل ا م یو ع	.ل ا م ج	.م م و د د
	frō-mā	xratū	ahyā
		.ک ا م یو ع	.م م و د د
	wahištā	sāstū	

### اهورا مزدا فیرفواه همه است

**من می خواهم سخن گویم از کسی که بزرگ تر و خیر خواه  
 تر از همه است و او اهورا مزدا است. او به وسیله خرد و روان  
 پاک خودش ستایش کسانی که او را می ستایند می شنود.  
 آرزو مندیم که با خرد پاک و ایمان درست به او دست یابیم و  
 ما را از آن چه بهتر از همه است بیگانهاند.**

## پنجم

سرسرین درسد. ددووسد. دیخسسم سوسه. اسوسوسه.				
rādanhō	išāntī	sawā	yehyā	
سرسرین دسوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه.				
bwanṭicā	ānharēcā	jwā	yōi-zī	
سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه.				
aēšō	urwā	ašāunō	aməretāiti	
سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه.				
drəgwatō	sādrā	nəraš	yā	utayūtā
سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه.				
mazdā	xšaθrā	tācā		
سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه. سوسوسه سوسه.				
ahurō	ḍamiš			

### این است خرمان ابدی اهورامزدا

**اوست کسی که پاداش نیکوکاری و پادافره بدکاری را تا ابد  
 برقرار داشته. خواه آن کردار در گذشته انجام یافته باشد یا در  
 حال و آینده انجام پذیرد و آن این که روان پاکان و  
 پرهیزکاران پیوسته شاد و خرم و روان بدکاران همیشه  
 گرفتار رنج و شکنجه خواهد بود. این است فرمان ابدی که  
 اهورامزدا با دانش خویش برای همیشه برقرار داشته است.**

## بند هشتم

wīwarəšō	ā	nəmaṇhō	staotāiš	nō	tōm
وایوارش. آ. نامان. ستوتایش. نو. تم					
wyādarəsəm      cašmainī      nū-zīṭ					
وایدارس. کاشمین. نو-زیط					
šyaodānaha      manyōuš      waṇhōuš					
شیاوداناه. مانوش. وانوش					
yōm      ašā      wīduš      uxđahyācā					
یوم. اشا. ویدوش. اشدایحیا					
hōi      aṭ      ahurəm      mazdām					
هوی. ات. اهورم. مزدام					
nidāmā      garō      dəmānē      wahmōṅ					
نیداما. گارو. دمانه. واهمنگ					

### راه فدائاسی

**از آن جایی که پروردگار یکتا را با دیده دل و از راه پارسایی شناخته ام. خواهم کوشید همه را به سوی او رهبری کنم و به مردم بیاموزم که اهورامزدا را تنها می توان از راه راستی با اندیشه و گفتار و کردار نیک شناخت و درود و ستایش خود را تنها به پیشگاه او تقدیم کرد.**

## بنت نهم

	. ۴۴۰	. ۴۴۱	. ۴۴۲	. ۴۴۳	. ۴۴۴
	cixšnušō	managhā	maṭ	wohū	nō tōm
	. ۴۴۵-۴۴۶	. ۴۴۷	. ۴۴۸	. ۴۴۹	. ۴۵۰
	aspēncā	spēncā	cōraṭ	usēn	yō-nō
	. ۴۵۱	. ۴۵۲	. ۴۵۳	. ۴۵۴	. ۴۵۵
	ahurō	dyāt	wərəzēnyā	xšaθrā	mazdā
	. ۴۵۶	. ۴۵۷	. ۴۵۸	. ۴۵۹	. ۴۶۰
	ā	fradaθai	ahmākəṅ	wīrəṅ	pasuš
	. ۴۶۱		. ۴۶۲	. ۴۶۳	
	haozaθbāt		ašā	wənhəuš	
	. ۴۶۴		. ۴۶۵		
	managhō		ā		

### تنها اهورامزدا سزاوار ستایش مردم است و بس

**خردمند نیک اندیش کسی است که به دیگران می آموزد که  
 اهورامزدا از همه بیشتر و بهتر سزاوار ستایش و پرستش  
 است. اوست که دآوری همه کارهای مردم را در دست دارد و  
 به راستی تنها او سرور و آفریدگار همه آفرینش ها است. باشد  
 که همه با منش پاک و کار نیک به او نزدیک شویم.**

## پند دهم

.مهم	.مهم	.مهم	.مهم	.مهم
mimayžō	ārmatoiš	yasnāiš	nē	tēm
.مهم .مهم .مهم .مهم .مهم				
ahurō	srāwī	mazdā	aṇmēnī	yē
.مهم .مهم .مهم .مهم .مهم				
cōiš	wohucā	ašā	hōi	hyaṭ
.مهم .مهم .مهم .مهم .مهم				
haurwātā	hōi	xšaθrōi	manañhā	
.مهم .مهم .مهم .مهم .مهم				
dan	stōi	ahmāi	aməretātā	
.مهم .مهم .مهم .مهم .مهم				
utayūiti		təwīši		

### فردشناسی فدشناسی است

**اهورامزدا را باید با ایمانی کامل و از روی راستی ستود. چه او به ما نوید داده است که در پرتو راستی و نیک منشی و خویشتن شناسی (شهریور) می توان به رسایی و جاودانگی دست یافت و آن گاه است که ما را برای همیشه در کشور مینویی در فروغ بی پایان خویش جای خواهد داد.**

## بند یازدهم

سرمادمسد.	وسیع و افشود.	سرماد.	سرمادمسد.		
mašyascā	aparō	daēwəṅg	yastā		
م-مادمسد.	م-مادمسد.	م-مادمسد.	م-مادمسد.		
tarō-manyantā	īm	yōi	tarō-maštā		
مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.		
manyātā	arēm	hōi	yē	ahmāt	anyəṅg
مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.
spəntā	patois	dəṅg	saošyantō		
مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.		
patā	barātā	urwaṭō	daēnā		
	مادمسد.	مادمسد.	مادمسد.		
	ahurā	mazdā	wā		

### فدا دوست و برادر و پدر همه ماست

**کسی که از پرستش دیوان و فرمان برداری از آنان روی بگرداند و به پروردگار یکتا و آیین پاکش روی آورد، اهورامزدا به چنین کسانی برابر وعده ای که فرموده چون دوست و برادر و پدر است. و راه اینان با دشمنان اهورامزدا کاملا جداست.**

# پسنا-هات ۴۶

## بند یکم

وسه.	ایه‌گد.	یچوه.	ووقاسد.	ایه‌گد.	مدنوسرپه.
ayenī	nəmōi	kuṽrā	zaṃ	nəmōi	kām
دمدایه.	سرسعوم‌گد.	مداندمدومدوسد.	وسومدمه.		
dadaitī	airyamanascā	x <sup>v</sup> aētəuš	pairī		
گد‌گد.	سه.	سرسعوم‌گد.	سرسد.	کاه‌ای‌س.	سرسد.
hēcā	wərəzēnā	yā	xšnāuš	mā	nōiṭ
سرسعوسد.	وسرسد‌گد.	سرسد‌گد.	دسددم‌س‌گد.		
sāstārō	yōi	dahyəuš	naēdā		
کاه‌ای‌س‌گد.	وسوسد.	کک‌س.	سد‌وسد.		
mazdā	ṽβā	kaṽā	drəgwantō		
	سرسد‌گد.	سرسعوم‌گد.			
	ahurā	xšnaošāi			

روبه ره شدن اشو زرتشت با دشمنی بدان‌دیشان

**پروردگارا- به کدام خاک روی آورم؟ به کجا رفته پناه  
جویم؟ دشمنانم مرا از دوستان و بستگان جدا کرده اند و آنان  
از من کناره می جویند. از بزرگان و فرمانروایان نادرست نیز  
خشنود نیستم و با این وضع چگونه می توانم در راه خدمت به  
تو ای اهورامزدا کامیاب شوم و آیین پاکت را گسترش دهم؟**

## پند دوم

انا‌ئ‌ش‌و	مازد‌ا	اهم‌ی	یا	تا‌ت	وا‌ئ‌د‌ا
anaēšō	mazdā	ahmī	yā	taṭ	waēdā
اهم‌ی	کامن‌ان‌ا	هیا‌ت‌کا	کامن‌اف‌ش‌وا	ما	
ahmī	kamnānā	hyaṭcā	kamnaṣwā	mā	
اهورا	اوا‌ئ‌ن‌ا	ا‌ئ‌ت	ت‌و‌ی	گ‌ر‌ز‌و‌ی	
ahurā	awaēnā	ā-īṭ	tōi	gərəzōi	
ف‌ری‌ای	ف‌ری‌و	هیا‌ت	کا‌گ‌وا	راف‌ئ‌در‌م	
fryāi	fryō	hyaṭ	cagwā	rafəðrēm	
	وان‌ه‌ش	ا‌ک‌س‌و	د‌ای‌ت		
	waṅhəuš	āxsō	daiṭ		
	مان‌ان‌ه‌و	ا‌ش‌تم	ا‌ش‌ا		
	manaṅhō	ištīm	ašā		

دارایی مادی و معنوی، هر دو در راه درست زیستن لازم است.

**ای مزدا- می دانم چرا کاری از پیش نمی برم. چون دارا ایم اندک و یارانم کم اند- ای اهورا نظری به من افکن و چنان که دوستی به دوست خود یاری و دلداری دهد. مرا نیروی درونی و آرامش خاطر بخش و از پاداش نیک منشی ات مرا خاطر جمع ساز.**



## پند سوم

وسوسه	مدیوسه	سرخه	دین سوسه	مدیوسه
asnaṃ	uxšānō	yōi	mazdā	kadā
مدوسه	مدیوسه	دین	مدیوسه	دین سوسه
frārəntē	ašahyā	frō	darəθrāi	aṅhōuš
کاهایوسه	مدیوسه	مدیوسه	مدیوسه	مدیوسه
xratawō	saošyantaṃ	sēnghāiš	wərəzdāiš	
وسوسه	مدیوسه	مدیوسه	مدیوسه	مدیوسه
manaṅhā	jimaṭ	wohū	ūθai	kaēibyō
	مدیوسه	مدیوسه	مدیوسه	
	sastrāi	θβā	maibyō	
	کاهایوسه	مدیوسه		
	ahurā	wərənē		

### دنباله در خواست اشوزرشت

ای مزدا- سپیده دم امید. کی به در آید و مردم چه وقت به سوی راستی روی آورند و دستور نجات دهنده خود را پیروی خواهند کرد؟ کی پیامبر تو با گفتار سود بخش خود در رستگاری روان مردم کامیاب می شود؟ ای اهورا فرشته نیک منشی را به یاری آنان فرست و مرا در انجام این وظیفه بزرگ کامروا گردان.

## پند چهارم

مځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .  
 waždrēṅ                      ašahyā                      yēṅ                      drēgwā                      tēṅ                      aṭ  
 مځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .  
 dahyēuš                      wā                      šōiṭrahyā                      frōretōiš                      gā                      pāṭ  
 ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .  
 šyaoṭanāiš                      x<sup>w</sup>aiš                      haṣ                      dužazōbā                      wā  
 مځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .  
 mōiṭaṭ                      mazdā                      xšaṭraṭ                      yastēm                      ahēmustō  
 ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .  
 frō-gā                      tēṅ                      hwō                      wā                      jyātēuš  
 مځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .  
 carāṭ                      hucistōiš                      paṭmēṅ

### ایستادگی در برابر بدی و وظیفه دینی همه ماست

**پیروان دروغ نمی خواهند مردم به سوی راستی روند و می  
 کوشند تا آنان را از پیشرفت در زندگی و آبادانی شهر و  
 روستای خود بازدارند. چنین کسانی کردارشان زشت و ویران  
 گر است. بی گمان کسانی که با تمام نیروی مادی و معنوی به  
 دشمنی با آنان برخیزند. به راه راست و درست و آیین نیک  
 اهورایی گام می نهند.**

## بنت پنجم

و س. و اس. س یس س د س. و ای س. س د س س س. س  
 ayaṇtəm drītā adaṣ xšayaṣ wā yē  
 و اس س س س. و اس. س س ای س س س. س س ای س س س. و اس  
 wā miθrōibyō huzəntuṣ wā urwātōiš  
 س س س. س س س. س س. س س س. و اس س س س س. س  
 drəgwaṇtəm aṣawā yē jwaṣ raṣnā  
 و ای س س س. س س. س س. س س س. س س س س س س. س  
 x<sup>w</sup>aētawē frō taṭ haṣ wicirō  
 س س س س. س س س س س. س س س. س س س. س  
 mazdā īm uzūiṭyōi mruyāt  
 س س س س. س س س س. س س س س. س  
 ahurā xrūnyāt

### ارشاد و رهبری بدکاران بر همه بایسته است

**هرگاه یکی از پیروان راستی، دروغ پرست بدکاری را به راه  
 راست رهبری کند و به آیین اهورایی درآورد، بر اوست که به  
 دیگر هم کیشان آگهی دهد تا آنان چنین کسی را از آزار بد  
 اندیشان نگهداری کنند و یار و یاور او باشند. این است  
 خواست و دستور اهورامزدا.**

## پنجم ششم

.س	.س	.س	.س	.س	.س
āyāt	isəmnō	nā	nōit	yastēm	aṭ
.س	.س	.س	.س	.س	.س
gāt	haēvāhyā	dāman	hwō	drūjō	.س
.س	.س	.س	.س	.س	.س
wahištō	drəgwāitē	yō	drəgwā	zī	hwō
.س	.س	.س	.س	.س	.س
fryō	ašawā	yahmāi	ašawā	hwō	.س
.س	.س	.س	.س	.س	.س
paouruyā	daēnā	hyaṭ	.س	.س	.س
.س	.س	.س	.س	.س	.س
ahurā	dā				

کسی که همراهان و نادانان را به راه راست رهبری نکند گناه کار است

**ولی هرگاه شخص دانا و توانایی به یاری او برنخاست. خود از گروه بد کاران به شمار است. چه بدکار کسی است که بدکاری را یاری دهد و نیکوکار آن که نیکان را یار و یاور باشد. چنین است آیین و خواست اهورا از آغاز هستی.**

## پنجم هفتم

و-اسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.
dadāt	pāyūm	mawaitē	mazdā	kēm-nā
سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.
aēnaḡhē	dīdarəṣatā	drəḡwā	mā	hyaṭ
سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.
manarḡhascā	āṭrascā	ṭṭahmāt	anyēm	
سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	
ṭraoštā	aṣəm	šyaoṭanāiš	yayā	
سدوسد. سدوسد. سدوسد.				
dąstwam		mōi	tam	ahurā
سدوسد. سدوسد.				
frāwaocā		daēnayāi		

پیمودن راه درست آیین زندگی باید با یاری خروغ ایمان و منش پاک هر دو باشد

**ای مردم- هنگامی که دروغ پرست و گمراهی در پی آزار و  
گزند ما برخیزد. به جز فروغ ایمان و اندیشه پاک چه چیز  
دیگر می تواند برابر قانون جاودانی مزدا ما را پشت و پناه  
باشد. ای اهورامزدا همه ما را از فرمان و دستور مقدس خود  
آگاه فرما.**

## بند هشتم

و س . و س . و س . و س . و س . و س . و س .  
 aēnaṅhē      dazdē      gaēvā      yā      mōi      wā      yē  
 و س . و س . و س . و س . و س . و س . و س .  
 šyaoṭanāiš      ādriš      ahyā-mā      nōiṭ  
 و س . و س . و س . و س . و س . و س . و س .  
 jasōiṭ      ahmāi      tā      paityaogēt      frōsyāt  
 و س . و س . و س . و س . و س . و س . و س .  
 hujyātōiš      īm      yā      ā      tanwēm      dwaēšaṅhā  
 و س . و س . و س . و س . و س . و س . و س .  
 kācīṭ      dužyātōiš      nōiṭ      pāyāt  
 و س . و س . و س . و س . و س . و س . و س .  
 dwaēšaṅhā      mazdā

### بدی به بدکاران برمی گردد

**کسی که در پی تباهی دیگران بر می آید. مبادا از کردار بدش  
 آسیبی به دیگران رسد و بشود که بدی و آزار او به خودش  
 برگردد. چه برابر قانون تو ای مزدا خوشی و خوش بختی از  
 بدکاران و آزار رسانندگان دور خواهد ماند.**

## پند نهم

و. س و. س-س. س. س. س. س. س. س.

pouruyō      cōiṭaṭ      arədrō      yē-mā      hwō      kē

س. س. س. س. س. س. س. س.

uzəməhī      zəwīštīm      ʔβā      yaṭā

س. س. س. س. س. س. س. س.

ašawanəm      ahurəm      spəntəm      šyaodanōi

س. س. س. س. س. س. س. س.

tašā      gəuš      ašāi      yā      ašā      yā-tōi

س. س. س. س. س. س. س. س.

tā      mā      išəntī      mraoṭ

س. س. س. س. س. س. س. س.

manaḥhā      wohū      tōi

اشه زرتشت نفستين پیامبر یکتا پرستی از سہی پروردگار است

**منم نخستین برانگیزنده ای که به مردم پیاموخت که تویی ای  
 اهورامزدا، به پرستش سزاوار ترین، و بهترین داور کردار  
 مردمان، و سرور راستی، و آفریننده پاکی، باشد که همه با  
 اندیشه درست آن را دریابند و به کار بندند.**

## پند دهم

اهورا	مزد	وا	گنا	نا	موی	وا	یو
ahurā	mazdā	wā	genā	nā	mōi	wā	yē
ونددسج . موزن اید . وسد - مچ . واژددمسد . وادسوسدمسد .							
wahištā	wōistā	yā-tū	aṅhēuš	dāyāt			
مدیج . مدیجسد . واژسج . مدیجسد (ع) . مدیجسد .							
manaṅhā	xšaṭrəm	wohū	ašāi	ašīm			
وسچودسد . سمدیجسد . مدیجسد (ع) . وادسوسسد . سد .							
ā	wahmāi	xšmāwatəm	haxšāi	yaścā			
(ا) - مسد . وادسوسسد . موزنومسد .							
		cinwatō	wīspāiš	frō-tāiš			
(ا) (ا) (ا) (ا) .							
				pərətūm	frafrā		

پل مینود یعنی پل گزینش نیکان از بدان و آزمایش کردار مردمان یا پل ته‌مین کردن  
 می دانم ای مزداهورا که هر مرد و زنی که برابر آموزش و  
 آیین تو در سراسر زندگی کاری را که بهتر از همه است به  
 جای آورد. به پاداش آن. آن بخشش پاک منشی به او ارزانی  
 خواهی داشت و او را به آسانی از پل چینود خواهی گذارند.



## بند یازدهم

کایس	سورن	سورن	سورن	سورن	سورن
kāwayascā	karapanō	yūjēn	xšaθraiš		
سورن	سورن	سورن	سورن	سورن	سورن
mərəṅgeidyāi	ahūm	šyaodānāiš	akāiš		
سورن	سورن	سورن	سورن	سورن	سورن
xraodaṭ	x <sup>w</sup> aēcā	urwā	x <sup>w</sup> ə	yēṅ	mašim
سورن	سورن	سورن	سورن	سورن	سورن
cinwatō	yaθrā	aibī-gemən	hyaṭ	daēnā	
سورن	سورن	سورن	سورن	سورن	سورن
drūjō	wīspāi	yawōi	pəretuš		
	سورن	سورن	سورن	سورن	سورن
	astayō	dəmanāi			

### دوزخ پایگاه دروغ پرستان است

**کوی ها و کرپان ها و گروه دیگر مردم فریبان. همه را به سوی کردار زشت فرا می خوانند تا زندگی دو جهانی آنان را تباه سازند. ولی روان و وجدان آنان هنگامی که به سر پل چینود رسد در بیم و هراس افتد و تا زمانی دراز گرفتار دوزخ خواهد شد.**

## پنت دوازدهم

۱. ناسد nafšucā	۲. ناسد naptyaēšū	۳. ناسد ašā	۴. ناسد us	۵. ناسد hyaṭ
۶. ناسد aojyaēšū	۷. ناسد fryānahyā	۸. ناسد uzjēn	۹. ناسد tūrahya	
۱۰. ناسد ʔbaxšaṅhā	۱۱. ناسد frādō	۱۲. ناسد gaēʔā	۱۳. ناسد ārmatōiš	
۱۴. ناسد aibī-mōist	۱۵. ناسد hēm	۱۶. ناسد wohū	۱۷. ناسد iš	۱۸. ناسد aṭ
۱۹. ناسد rafəðrāi	۲۰. ناسد aēibyō	۲۱. ناسد manəṅhā		
۲۲. ناسد ahurō	۲۳. ناسد sastē	۲۴. ناسد mazdā		

پیروان دین مزدیسنی از هر گروه و نژادی که باشند رستگار خواهند شد

**هنگامی که فرزندان و نبرگان فریان تورانی راستی را دریافتند و به یاری ایمان پاک و شجاعت درونی خود دین نیک را پذیرفتند و منش نیک آنان را وادار ساخت تا به کشور جاودانی و دین مزداپرستی روی آورند. بی گمان در روز واپسین رستگار خواهند شد.**







## پنٹ شانزدهم

۱	۲	۳	۴
idī	arədrāiš	aθrā-tū	fəraṣaoštrā
۵	۶	۷	۸
uštā-stōi	uswahī	yēng	tāiš
۹	۱۰	۱۱	۱۲
armaitiš	hacaitē	aṣā	yaθrā
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
xšaθrəm	īštā	manaṅhō	waṅhəuš
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
warədəmaṃ	mazdā	yaθrā	yaθrā
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
ahurō	šaēitī		

تبلیغ راه اشا باید پیوسته همراه با آرمیتی یعنی مهر و خروتنی باشد

**ای فر شوستر هوگوه - اینک که تو و یاران پارسا برای گستردن  
دین راستین به سرزمین های دیگر روی می آورید؛ امیدوارم  
کامیاب شوید. باشد تا مردم جهان را به کشور جاودانی راستی  
و نیک منشی راهنمایی کنید و بر فر و شکوه دین مزدا اهورا  
ببفزایید.**

## پند هفتم

سرمو (س) . و . مدهیسه (س) . دد فو لوس (س) .				
sēnghanī	afšmānī	wē	yaṯrā	
و (س) . مدهیسه (س) . و (س) سه دوس (س) . س (س) - و (س) .				
hwō-gwā	dējāmāspā	anafšmaṃ	nōiṭ	
س (س) . و (س) . و (س) سه (س) . و (س) سه (س) . (س) سه (س) .				
rādaṇhō	sēraoṣā	wahmēṅ	wēstā	hadā
س (س) . و (س) سه (س) . و (س) سه (س) . و (س) سه (س) سه (س) .				
adāṯemcā	dāṯemcā	wīcinaoṭ	yē	
و (س) سه (س) . و (س) سه (س) سه (س) .				
maṇtū		daṅgrā		
س (س) سه (س) . و (س) سه (س) سه (س) .				
ahurō	mazdā	aṣā		

با پیروی از ندای وجدان می توان به راه راست گام نهاد

**ای جاماسب دانا از خانواده هوگوه- اینک که تو از کارهای  
 روا و ناروا آگاه شدی و به ندایی که از درونت برخاسته است  
 گوش فرا دادی و به پیروی و ستایش دین پرداختی. همیشه  
 راستی (اشا یا ندای وجدان) را مشاور خود قرار ده و بی گمان  
 بدان که اهورامزدا از همه چیز آگاه است و درست را از  
 نادرست به خوبی باز شناسد.**

## بند هجدهم

وَسْعَ .	عَمَدَرَدَسَد .	وَسْرَدَكُتِی .	مَدَنَعَسَد .	مَدَدَمِرَبَع .	وَکَدَنَوَدِنِیَدَمَسَد .
wahištā	ascīt	ahmāi	yaoš	maibyā	yē
عَمَدَسَرَدَسَم .	دِنِیَدَمَدِکُتِی .	وَکَلِی .	مَرِکُتِی .	عَمَدِی .	عَمَدِی .
manañhā	cōiṣəm	wohū	ištōiš	mahyā	
مَدَدَمِرَبَع .	مَدَنَعَسَد .	وَسْر .	نَ .	مَدَدَمِرَبَع .	وَدَدَوِیَدَمَسَد .
daidītā	aštāi	nā	yē	ahmāi	aštəng
عَمَدِی .	مَدِی .	مَدِی .	عَمَدِی .	وَکَدِی .	مَدِی .
xšnaoṣəmno	wārem	xšmākəm	ašā	mzdā	
	مَدِی .	عَمَدِی .	مَدِی .		
	xratəuš	mōi	taṭ		
	عَمَدِی .	عَمَدِی .			
	wīciṭəm	manañhascā			

### با دوستان خود دوست و با دشمنان بد باشید

**کسی که به راستی با من دوست باشد. من نیز او را به بهترین چیزی که دارم بشارت می دهم. ولی کسی که با من دشمن باشد. من نیز دشمن او خواهم بود. این است خواست مزدا و اشا و این است تصمیم من از روی خرد و هوش.**



## پنت نوزدهم

.مردم را	.و در	.و در	.و در	.و در
warešaitī	hacā	haiθīm	ašāt	yē-mōi
.و در	.و در	.و در	.و در	.و در
fērašōtēməm	wasnā	hyaṭ	zaraθuštrāi	
.و در	.و در	.و در	.و در	.و در
parāhūm	hanəṭtē	mīždəm	ahmāi	
.و در	.و در	.و در	.و در	.و در
azī	gāwā	wīspāiš	maṭ	manō-wistāiš
	.و در	.و در	.و در	.و در
	twēm	sąs	mōi	tācīt
	.و در	.و در		
	waēdištō	mazdā		

پیرویی از خرمان فدا فوشبختی آدمیان در هر دو جهان است

**کسی که آموزش های مرا به بهترین وجه برابر آیین مقدس به جای آورد. در این جهان بهترین زندگی پاداش اوست و در سرای دیگر در کشور جاودانی از خوشبختی واقعی برخوردار خواهد شد. این نکته را مزدا به من آموخته است.**

# پسنا-هات ۴۷

## بند یکم

منه سچو سده. و مدو دج. و مدو دین سده سده. و مدو دین سده.  
manajhā wahištācā mainyū spəntā  
منه سده سده. مدو سده. و مدو دین سده سده. و مدو دین سده سده.  
wacənhācā šyaonācā ašāt hacā  
منه سده. و سچو. منه دین سده سده.  
haurwātā dan ahmāi  
منه سده سده سده. و مدو سده.  
mazdā aməretātā  
منه سده سده سده. و مدو سده سده.  
ārmaitī xšaθrā  
منه دین سده.  
ahurō

پایه هر اندیشه و گفتار و کردارمان باید از روی فرد باشد

**کسی که اندیشه و گفتار و کردارش از روی خرد پاک و برابر  
آیین اهورایی باشد. پروردگار دانا به او نیروی معنوی و  
شجاعت ذاتی و رسایی تن و روان خواهد بخشید.**

## پند دوم

مین ددسد. و مژد ددسد. دد دد دد دد دد دد. و مین دد دد دد.  
 wahištəm spēništahyā manyēuš ahyā  
 مین دد دد. دد دد دد دد. و مین دد دد. و مین دد دد.  
 manajhō ēānū wanjhōuš uxδāiš hizwā  
 مین دد دد دد. و مین دد دد دد. و مین دد دد دد.  
 šyaoθanā zastōibyā ārmatōiš  
 و مین دد دد. و مین دد دد.  
 cistī ōyā wərəzyaṭ  
 مین دد دد. و مین دد دد.  
 ašahyā patā hwō  
 و مین دد دد.  
 mazdā

بهترین زندگی بهره نیک اندیشان و فداپرستان است

**از آن جایی که اهورامزدا آفریدگار کل و پدر راستی است.  
 بهترین زندگانی را بهره کسی خواهد ساخت که گفتارش  
 همراه با نیک اندیشی و خرد پاک و کردارش بر ایمان و مهر  
 خدایی استوار باشد.**



## بند چهارم

م س س ع . م د ا ن ا س د . ا س ا س و د ن س ر د س س م ع .  
 rārəšyeiṇtī manyāuš ahmāt  
 و ا س ا س و د ن س ر د س س م ع . م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د .  
 spəntāt mazdā drəgwanō  
 ا س ا س و د ن س ر د س س م ع . ا س ا س و د ن س ر د س س م ع .  
 ašāunō iṭā nōiṭ  
 و م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د .  
 ašāunē nā kasəušcīt  
 و م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د .  
 ḥaṣ iswācīt aḥaṭ kāṭē  
 م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د . م د ا ن ا س د .  
 drəgwāitē akō paraoš

در پایان، راستی بر دروغ و نیکی بر بدی پیروز فواید شد

**ای مزدا با نیروی خرد پاکت، پیروان دروغ و بدی در پایان  
 گرفتار شکست و نابودی خواهند شد. نه پیروان راستی و  
 نیکی، چه در برابر فرمانت پیوسته مرد درستکار کمدار به  
 راستگاری و خوشبختی رسد و دروغ پرست مالدار گرفتار  
 بدبختی و بی چارگی شود.**

## بند پنجم

مهر سرد.	دروغ پرست.	و دین دانا.	مهر سرد.	دروغ پرست.	و دین دانا.
ahurā	mazdā	mainyū	spəntā	tācā	
و دین دانا.	مهر سرد.	و دین دانا.	مهر سرد.	و دین دانا.	مهر سرد.
wahištā	cīcā	yā-žī	cōiš	ašāunē	
و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.
zaošāt	vībahmāt	hanarə			
و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.
baxšaitī	drəgwā				
و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.
šyaoθanāiš	ahyā				
و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.	و دین دانا.
manajhō	āšyāš	akāt			

نیکی پیوسته بهره نیکان و بدی بهره بدان است

**ای مزدا- بی گمان دروغ پرستی که در کردار خویش پیرو  
بدمنشی است. هرگز بدون مهر و بخشایش تو. از نعمت خرد  
پاک. که به پیروان راستی وعده داده شده بهره مند نخواهد  
شد.**

## پند ششم

م س د	و س م	د ن و س م س د	م د ن د د م	م س د و س د	م س د ا س د
ahurā	mazdā	mainyū	spəntā	dā	tā
س د و ا س د					
wīdāitīm      waŋhāu      āvra					
ا س د ا س د د ر د س د س د ا س د م س د ا س د					
āratōiš      rānōibyā					
و س د ا س د و س د س د س د س د س د س د					
ašahyācā      dəbazaŋhā					
س س د س د ا س د ا س د د س د د س د ا س د م س د ا س د					
iṣəntō      pouruš      hā-zī					
و س د ا س د م س د					
wauraitē					

سرانجام پیروزی و فو شبفتی بهره مبارزان راه راستی است

**ای اهورامزدا - کسانی که برای پیشبرد نیکی پیکار می کنند،  
بر آنان فروغ راستی و دانش ایزدی بتابان. باشد که برابر فرمان  
تو چنین کسان بسیار چیزهای نیک دریابند و کارهای بسیار  
نیکی انجام دهند.**

# پسنا-هات ۴۸

## بند یکم

وَسَنَیَیَ . دوسدس . دس . وایس . وایسوسدس .	wēṇṇhaitī	drujəm	ašā	adāiš	yezī
سردس . سوسدس . وایسوسدس . وایسوسدس . وایسوسدس .	fraoxtā	daibitānā	yā	asašutā	hyaṭ
دسوسدس . وایسوسدس . وایسوسدس .	mašyāišcā	daēwāišcā	aməretāitī		
دس . سوسدس . دسوسدس .	sawāiš	tōi	aṭ		
وایسوسدس . وایسوسدس .	waxšaṭ	wahməm			
دسوسدس .	ahurā				

گناهکاران بدون بخشایش مزد رستگار نخواهند شد

**هنگامی که راستی بر دروغ چیره شود. برابر آن چه خواست  
توست بدکاران و نیکوکاران هر یک به سزا و پاداش خود  
رسند. تا آن گاه که مهر تو ای اهورا برانگیخته شود و  
بخشایش تو به دوزخیان روی آورد.**



## پند دوم

وادیس-هژد. ورسد. موه. وایووسم. سدو(اسد).

ahurā wīdwā twēm yā waocā-mōi

وید(اسد). سددی. سد. ورسد. موه.

mēng yā mā hyaṭ parā

وید(اسد). وید(اسد). وید(اسد).

aṣawā kaṭ jimaitī pərəθā

سدوسد. وایووسم. وایووسم.

drəgwanṭem wənghaṭ mazdā

وید(اسد). وید(اسد). وید(اسد).

wājuhī aṅhēuš hā-zī

وید(اسد). وید(اسد).

ākərətīš wistā

**ای اهورامزدا- مرا از زمان فرارسیدن رستاخیز و روز واپسین  
و یا هنگام چیرگی راستی بر دروغ آگاه ساز. بی گمان چنین  
واقعه بزرگی نشانه رسایی زندگانی معنوی آدمیان است و  
چنین آگهی برای مردم جهان مژده ای بزرگ خواهد بود.**

## پند سوم

دشمنانم را در راه راست و در راه راست.

sāsnanām wahištā waēdōmnāi at

اهورامزدا را در راه راست و در راه راست.

ahurō ašā sāsī hudā yaṃ

دشمنانم را در راه راست و در راه راست.

yaēcīt wīdwā spəntō

دشمنانم را در راه راست و در راه راست.

sənghānhō gūzrā

دشمنانم را در راه راست و در راه راست.

wanhəuš mazdā ōβāwəs

دشمنانم را در راه راست و در راه راست.

manānhō xraōβā

تنها با دانش و فرد است که آدمی می تواند مویقت را دریابد

**بشود که همه از بهترین دانش و خرد آگاه شویم. چه دانشی که اهورامزدا. خداوند خرد. به ما آموزد بی گمان مقدس. خردمندان و همیشه سودمند است. ای مزدا می دانم. تنها با کرداری که برانگیخته اندیشه نیک است. می توان به خوشبختی رسید.**

## پند چهارم

مزد.	وادی.	مان.	دات.	ی.
mazdā	wahyō	manō	dāt	yē
میسوددند.	وادی.	هوی.	اسیاس.	
šyaoθanācā	daēnaṃ	hwō	ašyascā	
زاسی.	ادی.	وادی.		
zaošēṅ	ahyā	wacaṅhācā		
هاسی.	وادی.	اسی.		
hacaitē	warēnēṅ	uštiš		
اسی.	اسی.	اسی.		
apēməm	xratā	θ̥bahmī		
	انجات.	نانا.		
	aṅhaṭ	nanā		

آدمی به هر چه اراده کند به آن فواید رسيد

**کسی که اندیشه خود را متوجه راه نیک یا بد کند. با گفتار و کردار ویژه خود شخصیت خود را در آن آشکار خواهد ساخت و اراده او پیرو همان راه خواهد شد. چه برابر آیین مزدا و خرد پاک او. هر کسی در دو جهان جای ویژه ای برابر خرد و وجدان خود خواهد داشت.**

## بنت پنجم

مادون و داسد-}	مادون و داسد-}	مادون و داسد-}
mā-nē	xšəntəm	huxšaθrā
مادون و داسد-}	مادون و داسد-}	مادون و داسد-}
wanhuyā	xšəntā	duša-xšaθrā
مادون و داسد-}	مادون و داسد-}	مادون و داسد-}
ārmaitē	šyaodanāiš	cistōiš
مادون و داسد-}	مادون و داسد-}	مادون و داسد-}
zaθəm	aipī	mašyāi
مادون و داسد-}	مادون و داسد-}	مادون و داسد-}
wərəzyātəm	gawōi	wahištā
مادون و داسد-}	مادون و داسد-}	مادون و داسد-}
fšuyō	x <sup>w</sup> arəθāi	nē
		təm

بشود که فرمانروایان راست و درست بر ما فرمانروایی کنند

**بشود که فرمانروایان نیک و پاک بر ما فرمانروایی کنند. نه  
فرمانروایان بد و نادرست. چه پاک و راستی از گاه تولد تا  
مرگ برای آدمی بهترین بخشش است. بشود که چنین  
فرمانروایان نیک و پاک برای خوشبختی ما در جهان  
فرمانروایی کنند.**

## پنتا ششم

سپنتا-مینو-خرد-پاک	سپنتا-مینو-خرد-پاک	سپنتا-مینو-خرد-پاک	سپنتا-مینو-خرد-پاک
utayūitīm	hā-nē	hušōiθemā	hā-zī-nē
برخده	مانا	وانهوش	تویشیم
berəxδē	manaḥō	wanhēuš	təwīšīm
	اش	ایه	ات
	ašā	ahyāi	aṭ
وخت	اوروار	مزد	
waxšaṭ	urwarā	mazdā	
زاد	وانهوش	اهور	
zaθōi	aṅhēuš	ahurō	
	پاوریهیا		
	paouruyehyā		

### سپنتامینو یا خرد پاک بهترین پناهگاه مردم جهان است

**سپنتا مینو(خرد پاک) پناهگاه امن ماست. او به ما رسایی و جاودانگی. دو بخشش بزرگی خواهد بخشید که تنها از راه نیک منشی و ایمان پاک به دست خواهد آمد. آری ای مزدا می دانم که از همان آغاز این درست ترین راه زندگی است.**

## بند هشتم

و در ستم نهی.	ای نهی.	در ستم نهی.	ای نهی.
dyātəm	nī	aēšəmō	nī
در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.
syōzdūm	paitī	rəməm	paitī
در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.
dīdrayžōduyē	manaḡhō	waḡhəuš	ā yōi
در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.
hiṽāuš	yehyā	wyəm	ašā
در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.
dāməm	hōi	aṭ	spəntō nā
در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.	در ستم نهی.
ahurā	ā-dəm	ṽBahmī	

### در برابر فشم و ستم دیگران ایستادگی کنید

**خشم باید باز داشته شود. در برابر ستم و زور باید ایستادگی کرد. ای کسانی که در پاک منشی استوارید. برای پیشرفت و پیروزی راستی و درستی طرفدار و دوست دار راستی باشید. چه جای چنین کسانی در پایان. سرای اهورایی خواهد بود.**



## پند نهم

و سوسد .	کادعوسد .	وسسزیس .	مردس دسد .	مردس دسدوسد .
kadā	waēdā	yezī	cahyā	xšayaθā
سوسدوسد .	سوسدوسد .	سوسدوسد .	سوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسد .
mazdā	ašā	yehyā-mā		
سدوسدوسد .	سدوسدوسد .	سدوسدوسدوسد .		
āiθiš	dwaēθā			
سوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسدوسد .
əreš-mōi	ərəžucəm	waṇhəuš	wafuš	
سدوسدوسدوسد .	سدوسدوسدوسد .	سدوسدوسدوسدوسد .	سدوسدوسدوسدوسد .	سدوسدوسدوسدوسد .
manəḥō	wīdyāt	saošyəs		
سوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسدوسدوسد .	سوسدوسدوسدوسدوسد .
yaθā	hōi	ašiš	aṇhaṭ	

**ای مزدا- آیا با نیروی اشا(ایمان به تو) خواهم توانست در برابر ستم و آزار دشمنانم پایدار و استوار بمانم؟ از تو می خواهم مرا از یاری و پشتیبانی خویش آگاه فرمایی. چون که یک سنوشیانت و خیرخواهی چون من باید از میزان پشتیبانی تو باخبر باشد.**



## پند دهم

وسوس. وسوس. وسوس. وسوس. وسوس.

narō mañarōiš mazdā kadā

کاهد وسوس. وسوس. وسوس. وسوس.

mūḍrəm ajēn kadā wīšəntē

موسوس. وسوس.

magahyā ahyā

وسوس. وسوس. وسوس.

karapanō aṅgrayā yā

وسوس. وسوس. وسوس.

xratū yācā urūpayeiṅti

وسوس. وسوس.

dahyunəm dušə-xšaḍrā

### ناروا بودن نه شابه های مستی آور

**ای مزدا چه وقت مردم به حقیقت پی خواهند برد؟ کی این  
آشام پلید مستی آور بر خواهد افتاد. چیزی که مردم فریبان  
زشت کردار به وسیله آن دیگران را می فریبند و هوش و خرد  
آنان را می زدایند؟**



## پنت دوازدهم

داهونام . ساوشانتو . انهن . توي . ات  
 dahyunam saošyantō anhen tōi at  
 ماناها . وهو . خشنوم . يوي  
 manahā wohū xšnūm yōi  
 اش . شياودانايش . هاحانتو  
 ašā šyaodānāiš hacāntē  
 سونگاهيا . مزدا . وباهيا  
 sēnghahyā mazdā ōbahyā  
 هاماستارو . داتا . توي-زي  
 hamaēstārō dātā tōi-zī  
 ماهيا . ايشوم  
 mahyā aēšəm

### سوشیانت ها چه کسانی هستند؟

**به راستی کسانی از زمره سوشیانت ها و رهانندگان مردم جهان به شمار خواهند رفت که فرمان های مزدا و وظایف خود را با نیک منشی به جای آورند و بر ضد خشم و ستم به پا خیزند و آن را در هم شکنند.**



## پند دوم

م	دس دس-س	بځو ووس دس	س دس دس دس
mānayeitī	bēṇdwahyā	ahyā-mā	aṭ
ر ووس دس دس	ول ووس	وس دس دس	س دس دس
rāreṣō	aṣāṭ	daibitā	drəgwā
ا دس	س دس دس	ول ووس	س دس دس
ahmāi	dōrešt	spəntam	nōiṭ
دس دس	س دس دس	س دس دس	
naēdā	ārmaitīm	stōi	
س دس دس	س دس دس	س دس دس	
fraštā	mazdā	wohū	
س دس دس دس			
manajhā			

### بندوه یکی از دشمنان اشه زرتشت

این بندوه گمراه کننده یکی از دروغ پرستانی است که با آموزش های دروغین خود مدتی است مرا نگران کرده. این گونه مردم فریبان از راستی و خرد ایزدی گریزانند و هرگز در پی آن بر نمی آیند که با پاک منشان به پیوندند و با آنان از روی خرد و درستی به بحث پردازند.

## پند سوم

مذکورسد.	مسنوسد.	وایداسد.	مذیوسد.	نوسد.
atcā	ahmāi	warēnāi	mazdā	nidātēm
مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.
ašēm	sūidyāi	tkaešāi	rāšayehē	
وایداسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.
druxš	tā	wañhēuš		
مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.
sarē	izyāi	manarhō		
مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.
añtarē	wīspēṅ	drəgwatō		
مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.	مذیوسد.
haxmēṅ	añtarē	mruyē		

### پایه دین مزدیسنی بر راستی استوار است

**چون پایه دین مزدیسنی بر راستی استوار است. همیشه سودبخش است و از آن جایی که پایه دین دیو پرستی بر دروغ نهاده شده همیشه زیان بخش می باشد. از این روی من می خواهم مردم به پاک نشان پیوندند و هم بستگی خود را با دروغ پرستان بگسلانند.**



## بند پنجم

سج	س و د و س	به و س س س	س د و د م د م س	
at	hwō	mazdā	īžacā	āzūitišcā
س س	و س و س و س	و ا س و س	د س ا و س س	س د ا و س و س
yē	daēnaṃ	wohū	sārštā	manaṃhā
	س ا و س م ا و س	و س د س ر س	س س س	
	ārmatoiš	kascīt	aṣā	
	س ا و س س و س	م س د و س س		
	huzēntuš	tāišcā		
	و ا به د و س س	و ا ک و س و س		
	wīspāiš	ūβahmī		
	س و س و ا و س	س و س ا و س		
	xšaθrōi	ahurā		

**سود خدایاری و از خود گذشتگی**

**خوشی و فراوانی نعمت از آن کسی است که از خود گذشته و پاک منش باشد. چنین کسی به واسطه داشتن فروتنی و پارسایی سزاوار آن خواهد بود که دارای خرد ایزدی گشته و در کشور جاودانی اهورایی پیوسته به سر برد.**



## پند ششم

𐬨𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀
mazdā	fraēšyā	wā	frō
𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀
wē	yā	mrūtē	ašemcā
𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀
ā-manaḥhā	xšmākahyā	xratēuš	
𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀	
yaθā-i	wīcidyāi	erēš	
𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀	
daēnaḥm	taḥm	srāwayaēmā	
𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀	
ahurā	xšmāwatō	yā	

باید نفست خردمان های دین را به درستی آموخت و آن گاه به دیگران یاد داد  
**ای مزدا از تو درخواست می کنم. وظیفه مرا که باید از روی  
 خرد و راستی انجام یابد به من روشن سازی تا ضمن این که  
 آیین تو را به درستی دریابم. بتوانم چنان چه باید به دیگران  
 بیاموزم.**

## پند هشتم

ماناڻه سڙاوتو مازدا وهو تاتعا  
 manañhā sraotū mazdā wohū taṭcā  
 اهورا گواڻهوا-تو آشا سڙاوتو  
 ahurā gūšahwā-tū ašā sraotū  
 خايتوش کي آرياما کي  
 x<sup>w</sup>aētuš kē airyamā kē  
 يه اڻهاڻ داتايش  
 yē aṇhaṭ dātāiš  
 دات وانجهم وريزنائي  
 dāt waṇuhīm wərəzēnāi  
 فراساتم  
 frasastīm

کسی که پشتیبان راستی است، یاور نیکان خواهد بود

**بشود که هر کسی با اندیشه نیک توام با راستی. این دین را  
 فراگیرد. چون تنها اهورامزدا به درستی آگاه است که کدام  
 یک از پیشوایان و سپاهیان و کشاورزان به این دین گرویده و  
 در گسترش آن به من یاری می کند.**

## بند هشتم

دایم سپیدم آسرد. دایم سپیدم آسرد. دایم سپیدم آسرد. دایم سپیدم آسرد.

dā                      ašahyā                      urwāzištaṃ                      fərašaoštrāi

مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم.

mazdā                      ũβā                      taṭ                      sarōm

مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم.

maibyācā                      ahurā                      yāsā

مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم.

ũβahmī                      waṅhāu                      yaṃ

مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم.

wīspāi                      yawōi                      ā-xšaṭrōi

مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم. مزداسپیدم.

aṅhāmā                      fraēštāṅhō

بشود تا ما همه پیک پیام اهورایی باشیم

**ای مزداهورا- از تو درخواست می کنم. به فرشوستر و دیگر  
یارانم بهترین بخشش ارزانی داری تا با راستی و نیروی  
مینوی بتوانیم با هم پیک پیام تو باشیم.**

## پند نهم

دراست موم . دسد دس . لست سوس سدر .

fṣānhyō                      sāsnā                      sraotū

ددرست . م سوس . ن سوس .

nōiṭ                      taštō                      suyē

دسوس سوس . دسوس . دسوس . دسوس سوس .

drəgwātā                      didaṣ                      sarēm                      ərəš-wacā

سوس سوس . سوس سوس . سوس سوس .

wahištē                      daēnā                      hyaṭ

سوس سوس . سوس سوس . سوس سوس .

aṣā                      mīždē                      yūjēn

سوس سوس . سوس سوس . سوس سوس .

dājāmāspā                      yāhī                      yuxtā

پیرهان راستی نباید با دروغ پرستان آمیزش کنند

**آن یاور کوشایی که برای خدمت به مردم برگزیده شده باید فرمان های مزدا را نیک به خاطر بسپارد و بداند که پیرو راستی نباید با دروغ پرستان آمیزش کند. تو هم ای جاماسب بدان که هر کس به گروه راستان پیوست در روز بازپسین ( در پایان) از بهترین پاداش برخوردار خواهد شد.**

## پند نهم

مدمدس. مدوس. وکدهسههه. سوچه.

ādām ōβahmī mazdā taṭcā

ددهسههه. مدچ. وکدههه. واددهسهه.

urunascā wohū manō nipāṅhē

مدیسههه. مددهسهه. وسهه.

yā nəmascā ašāunam

سداههههه. بهههههه.

ižācā ārmaitiš

مدیسهه. مدیسهههه. وادیسهههه.

wazdanhā xšaθrā mažā

مددههههه.

awēmīrā

پیروان راستی باید پیوسته اهورامزدا را پشتیبان خود بدانند

**ای مزدا- من تن و جان و روان پیروان با ایمان راه راستی و پاک منشی و گروندگان به این آیین مقدس را در پناه و حمایت تو می سپارم. زیرا تویی توانای بزرگ و نیرومند و زوال ناپذیر.**



## پند دوازدهم

و سچ. م گند. سچ س. زردن سچ س. م و سچ. م و سچ. گ.  
 awaṅhō zbayentē aṣā tōi kaṭ  
 سچ س. م گند. و سچ. م گند. و سچ س. م و سچ س.  
 manaṅhā wohū tōi kaṭ zaraṭuštrāi  
 و سچ-س. م گند سچ س. م و سچ.  
 mazdā staotāiš yē-wē  
 سچ س. م گند. م و سچ.  
 awaṭ ahurā frīnāi  
 و سچ س. م گند. و سچ. م و سچ س.  
 ištā wē hyaṭ yāsaṣ  
 و سچ س. م گند سچ س.  
 wahištəm

فرد و راستی بهترین بخشش های پروردگار است

**ای مزداهورا- من که زرتشت هستم تو را با سرودهای ستایش  
 خود آفرین می گویم و از تو درخواست می کنم ما را از  
 بخشش بهترین راستی و خرد مقدس بهره مند سازی. زیرا این  
 نعمت ها از بزرگترین بخشش های توست.**





## پند دوم

وسلو سد. سدوس. (سردن-دو) سدوس. سدوس

gaṃ rānyō-skəṛətīm mazdā kaṭā

دوس سدوس. سدوس-سدوس. سدوس سدوس

ahmāi yē-hīm iṣasōiṭ

سوس سدوس (سردوس) سدوس. سدوس سدوس

usyāt stōi wāstrawaitīm

سدوس سدوس. سدوس سدوس. سدوس سدوس

pouruṣū aṣā ərəžəjīš

سدوس سدوس. سدوس سدوس

piśyasū hwarē

سدوس سدوس سدوس. سدوس سدوس. سدوس سدوس

dāhwā dāṭēm niṣāsyā mā ākāstəṅg

**کسانی که در این جهان بخواهند زندگانی را با خوشی و آرامش به سر برند، چگونه باید رفتار کنند! بی گمان چنین کسانی باید در پرتو درخشان خورشید راستی و برابر آیین پاکت زندگی کنند. چنین کسانی چه در این جهان و چه پس از آن نیز به خوشی و جاودانی خواهند رسید.**

## پند سوم

مذہب دین داری. مہر داری. مہر داری. مہر داری.

anhaitī aṣā mazdā ahmāi aṭcī

مہر داری. مہر داری. مہر داری. مہر داری.

wohucā xšaṭrā hōi yaṃ

مہر داری. مہر داری. مہر داری.

yē-nā mananḥā cōiš

مہر داری. مہر داری. مہر داری.

warədayaētā aojanḥā aṣōiš

مہر داری. مہر داری. مہر داری.

gaēṭaṃ nazdištaṃ yaṃ

مہر داری. مہر داری. مہر داری.

baxšaitī drəgwā

وظیفہ ماست کہ دیگران را به راه راست رهنبری کنیم

**ای مزدا می دانم که تو نیک منشی و از خود گذشتگی و راستی را بهره کسانی می کنی که با کوشش تمام مردمان پیرامون خود را که هنوز پیرو دروغ اند به دین راستی در آورند.**

## پند چهارم

مذک. واسم. ویردسرد. ددمدادد. وندیوسد.

mazdā stawas yazāi wā aṭ

مدن داسد. بن دوسد. مدیجسد. وادین دین ددم سدسرد.

wahištācā aṣā hadā ahurā

و مدین دین سد. مدیج مدول اسدسرد. ویرسد.

yā xšaθrācā manajhā

مدیج د. ددم سدین مدیج. سد-و مدول د.

ā-paiθī stānhaṭ iṣō

سوسد. مدیج مدیج. و مدیج سد.

dəmānē arədrōng ākā

مدیج مدیج سد. مدیج مدیج سد.

səraoṣānē garō

رسیدن به بهشت تنها با پیروی از راستی و نیک اندیشی و نیروی معنوی فراهم می شود

**ای مزدا اهورا- تو را می ستاییم و آرزو مندیم به یاری  
بهترین راستی و نیک اندیشی و نیروی معنوی همه ما  
پویندگان راهت بتوانیم پیوسته گوش به فرمان تو داشته  
باشیم و با استواری تمام پایداری کنیم و به آن چه تو در  
بهشت گروثمان به ما نوید داده ای برسیم.**

## بند پنجم

سداژد-زی. مریسوس. مریسوس. مریسوس.

ahurā aṣā mazdā xšmā ārōi-zī

مردد. مریسوسوس. مریسوسوس.

maṣrānē yušmākāi hyaṭ

وادیسوسوس. مریسوسوس.

aibī-dərəštā waorāzaṭā

مردد. مریسوسوس.

awaṇhā āwīšyā

مردد. مریسوسوس. مریسوسوس.

x<sup>w</sup>āṭrē yā-nā zastāišṭā

مردد.

dāyāṭ

به یاری پروردگار می توان در هر کار نیکی کامیاب شد

از آن فرازین گاه ای مزداهورا یاری و پشتیبانیت را برابر  
قانون اشا به کسانی بخش که پیوسته گوش به فرمان تو دارند و  
پیام مقدست را به جهانیان می رسانند. چه تنها کمک و یاری  
توست که می تواند ما را کامیاب گرداند.

## پند ششم

.س	.و	.و	.و	.و
baraitī	mazdā	wācəm	maṭrā	yē
.و				
zaraṭuštrō	nəmaṇhā	aṣā	urwaṭō	
.و				
hizwō	xratōuš	dātā		
.و				
stōi		raiṭīm		
.و				
wohū	rāzəṅg	mahyā		
.و				
manaṇhā		sāhīt		

خرمان های دین را باید با فرمودندی و بدون تظاهر انجام داد

**ای مزدا- من که زرتشت و دوستدار تو هستم آواز خود را با  
گفتار مقدس مانتره بلند می کنم. آرزو مندم. پیوسته زبانم را  
با گفتار راستین بیارایی و با خرد پاکت مرا از نکته های  
باریک وظیفه های دینی ام آگاه سازی.**

## پند هشتم

مذق. وای. و سزادگان. ای و سزادگان. و سزادگان.  
zəwīštyəṅ yaojā wē at  
مدا و سزادگان. و سزادگان. و سزادگان.  
wahmahyā pərəθuš jayāiš aurwatō  
و سزادگان. و سزادگان. و سزادگان.  
ugrəṅ ašā mazdā yušmākahyā  
و سزادگان. و سزادگان.  
manəḡhā wohū  
و سزادگان. و سزادگان.  
mahmāi azāθā yāiš  
و سزادگان. و سزادگان.  
awəḡhē hyātā

پای و نیک اندیشی پاسدار آزادی است

از شما ای فروزگان مزدای توانا و ای پاسداران آزادی - ای اشا  
و ای وهومن که سزاوار بهترین نیایشید. با سرودهای خود  
خواهانم که به سوی من بشتابید و مرا در انجام رسالت خود به  
درستی یاری فرمایید.

## پند هشتم

مذی و سب. و سب. و سب. و سب. و سب.

frasrūtā yā padāiš wā maṭ

به یاد من. و یاد من. و یاد من. و یاد من.

mazdā pairijasāi īžayā

و یاد من. و یاد من. و یاد من. و یاد من.

aṣā wā aṭ ustānazastō

و یاد من. و یاد من. و یاد من. و یاد من.

nəmaṅhā arədrahyācā

و یاد من. و یاد من. و یاد من. و یاد من.

manaṅhō waṅhəuš wā aṭ

و یاد من. و یاد من. و یاد من. و یاد من.

hunarətātā

پروندگان را تنها با نیروی ایمان و فرد می توان شناخت

ای مزدا با دستهای برافراشته و سرودهای ستایش خود که پر از راز و نیاز به درگاه توست خواستارم. مرا چون دوستی با وفا و فروتن بپذیری. تا بتوانم در پرتو اش(ایمان) و وهومن (خرد پاک) به تو نزدیک شوم.





## پند دهم

دخ.	سرسد.	وایدایس.	سرسدس.	ویدای.
pairi	yācā	warešā	yā	aṭ
سدس.	سوردس	سوردس	سرسدس.	وایدس.
wohū	yācā	šyaoṭanā	āiš	
سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.
manaṇhā	arəjaṭ	cašmaṇ		
سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.
aēuruš	uxšā	asnəm	x <sup>w</sup> ēṅg	raocā
سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.	سرسدس.
wahmāi	ašā	xšmākāi		
سرسدس.	سرسدس.			
ahurā	mazdā			

همه آفرینش های زیبا و نهرانی نمایانگر بزرگی پروردگارانند

**پروردگارا همه کارهایی که در گذشته و حال انجام داده و می دهم از روی پاک منشی و راستی است و سرودهای ستایشم از دیدن آفرینش های نفز و زیبای تو چون خورشید تابان و سپیده دم روشن الهام می گیرد و می دانم که همه آفرینش ها ستایشگر تو اند ای مزدا.**



# پسنا-هات ۵۱

## پند یکم

واکسره . وایسدها . واداره . رسده .  
bāgem wairīm xšaθrem wohū  
مداره- ردها . وایسدها . واداره . رسده .  
ašā ižācīt wīdīšəmnāiš aibī-bairištəm  
مداره- ردها . وایسدها . واداره . رسده .  
mazdā šyaoθanāiš aṇtare-caraitī  
واکسره . وایسدها .  
taṭ wahištəm  
۴۱ . وایسدها .  
nūcīt nē  
واکسره .  
warešānē

فشترا. نیروی خویشتن داری یا تسلط بر نفس است

**نیروی نیک خویشتن داری نعمت بزرگی است که مزدا به کسی بخشد تا از روی خرد و راستی وظایف خود را به جای آورد. ای مزدا از تو خواستارم که آن را بهره ما بگردانی.**

## پند دوم

مزداهورا. مازدا. پاورویم. اهورا.

ahurā paourwīm mazdā tā-wō

میدم. یسریس. مازدا. ارمایت.

ārmaitē taibyācā yecā ašā

دویدم. ایش. یسریس.

xšaθrēm ištōiš dōiṣā-mōi

میدم. وها. مازدا.

manaḥhā wohū xšmākəm

داید. واهمای.

dāidī wahmāi

سوارویم.

sawarjō

آرمیتی (خروتی) فشترا (شجاعت معنوی) و وهومن (پاک منشی) وسیله رستگاری است

**ای مزدا اهورا- پیش از همه آفرینش های نیک تو را می ستایم  
و از روی راستی خواستارم که فروتنی و شجاعت معنوی و  
پاک منشی را که موجب رستگاری است. به کسانی ارزانی  
داری که تو را به درستی و بدون روی و ریا ستایش می کنند.**

## پند سوم

س-کاف. عافطس. هفددهفم. یسکد.

yōi hēmyaṇtū gēuša ā-wē

کاف. هوددکافددهفم. سدسافهفم.

sāreṇtē šyaodānāiš wē

دهدکاف. مدسدهفم. اهددهفم.

uxdāiš aša-hizwā ahurō

کافدهفم. هدهفم.

manahō waṇhēuš

سدهفم. هفم. هدهفم.

pouruyō tū yaēšam

هدهفم. اهددهفم. هدهفم.

apī fradaxštā mazdā

**اهورامزدا ستایش کسانی را می شنود که در کردار و گفتار به  
درستی برابر فرمان او رفتار کنند و خود او را در هر کاری  
الهام بخش خود بدانند.**

## بند چهارم

و دق اَسَد. سَد اِج دَسَد. سَد اِج دَسَد اَسَد. و دق اَسَد.

kuṭrā āfsəratuš ārōiš kuṭrā

اَسَد اِج دَسَد. سَد اِج دَسَد اَسَد.

axštaṭ mərəždikā

و دق اَسَد. سَد اِج دَسَد. سَد اِج دَسَد اَسَد.

aṣəm hyēn yasō kuṭrā

و دق اَسَد. سَد اِج دَسَد اَسَد.

ārmaitiš spəntā kū

و دق اَسَد. سَد اِج دَسَد اَسَد. و دق اَسَد.

kuṭrā wahištəm manō kuṭrā

و دق اَسَد. سَد اِج دَسَد اَسَد.

mazdā xšaṭrā ʔβā

### پرسش های اشو زرتشت از اهورامزدا

**پروردگارا! (از تو پریشی دارم. چه می خواهی به راستی بدانم)  
چگونه مهر سرشار خود را به پیروان باوفایت نشان می دهی؟  
از چه راهی به توبه درست یا نادرست گناهکاری پی می  
بری؟**

**راستی و دستی مردمانی را. که خود را پارسا و پرهیزکار می  
دانند. از چه راهی در می یابی؟  
نیروی سرشار تو را در کار آفرینش و شهریاری جاودانی تو  
را در جهان چگونه می توان دریافت؟**

## بند پنجم

واپس در سر - م س د . ر ا ع (د) د ج د . و س ر م ل س د . م د ی ی س د ج .  
 aṣṣāt                      yaṭā                      pərəsaš                      wīspā-tā  
 م د م س د . و ج د . واپس و س د .  
 wīdaṭ                      gaṃ                      hacā  
 واپس د م (د) د ج . س و ر د م ل و ل م س ر د ی د . ا ع ی ی و و ج .  
 ərəṣwō                      šyaoṭanāiš                      wāstryō  
 م ج د . م د م ل (د) م د ی د . ا ع م د م س د .  
 nemanhā                      huxratuš                      haš  
 م س د . و س ل م د ی د ر د ج . ا ع ی د - ا م م ج د . م ل ی ی م د د ج د .  
 xšayaš                      ərəš-ratūm                      dāṭaēibyō                      yē  
 م د ی ی د و س د . م ر د د م س د .  
 cistā                      ašiwā

**همه این پریش ها از سوی کسی است که او را به رهبری  
 مردمان برگزیده ای - کسی که نسبت به تو فروتن و  
 فرمانبردار است. کسی که می خواهد راستی و درستی را به  
 مردم بیاموزد و کسی که خواهان است جهانیان را به رازهای  
 آفرینش و هنجار هستی آگاه سازد.**

## پند ششم

. یاسکا	. دازد	. واههوش	. واهو	. یه
yascā	dazed	waṇhēuš	wahyō	yē
. رادات				
. وارای				
. هوی				
. مازدا	. خشاوارا	. اهورا		
mazdā	xšaṵrā	ahurō		
. اشوی				
. اکات				
. اهما				
. ات				
. اپمه	. ویدایتی	. نوت	. هوی	. یه
apēmē	wīdāitī	nōi	hōi	yē
. اورواسه				
. اههوش				
urwaēsē				
aṇhēuš				

**در پایان اهورامزدا- به کسی که راه نیک را پیروی کرده باشد  
و زندگانی خود را برای خشنود ساختن او به سر برده باشد  
پاداش جاودانی خواهد بخشید؟ همچنین زشت کردارانی که  
فرمان او را به جا نیاورند به جزای بد گرفتار خواهد ساخت؟**



## بند هشتم

وسدوید-عید. وسف. یس. ماسیج.

tašō gām yē dāidī-mōi

مدد مدد مدد. (درد) مدد مدد.

urwarāscā apascā

مدد (مدد) مدد. مدد (درد) مدد. مدد (درد) مدد.

spēništā haurwātā amēretātā

مدد (درد) مدد. مدد (درد) مدد.

mazdā mainyū

مدد (درد) مدد. مدد (درد) مدد. مدد (درد) مدد.

mananjhā utayūitī tawīšī

مدد (درد) مدد. مدد (درد) مدد.

səṇṇhē wohū

تنها از اهورامزدا باید درفواست برآورده شدن ماجات کرد

**ای مزدا- ای کسی که (سپنتا) زمین (و خرداد) آب و (امرداد)  
گیاهان را آفریدی. ای کسی که تنها برآورنده نیازهای  
بندگان- به من رسایی و نیروی تن و جاودانی روان و خرد  
پاک ارزانی دار تا پیوسته آیین تو را با استواری و پایداری به  
دیگران بیاموزم.**

## بند هشتم

مَدَّ . زِي . مَدَّ . وَاسْتَعِيذْ . مَدَّ . مَدَّ .  
 mazdā waxšyā tōi zī aṭ  
 وَاسْتَعِيذْ . زِي - نَا . مَدَّ .  
 mruyāt zī-nā wīdušē  
 مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ .  
 uštā drəgwāitē akōyā hyaṭ  
 مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ .  
 dādrē ašəm yē  
 مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ .  
 yē šyātō maṭrā zī hwō  
 وَاسْتَعِيذْ . مَدَّ . مَدَّ . مَدَّ .  
 mrawaitī wīdušē

**هر دانا و خردمندی باید دیگران را از پیامد کردار نیک و بد  
 آگاه سازد و بیاموزد که پایان کارهای زشت بدبختی و  
 سرانجام کارهای نیک خوشبختی است.**

## پند نهم

۵βā	dā	rānōibyā	xšnūtēm	yaṃ
	mzdā	suxrā	āvīrā	
aibī	xšustā	ayanhā		
dāwōi	daxštēm	ahwāhū		
sawayō	drəgwan̄tēm	rāšayeyjhē		
	ašawanēm			

**پاداش و سزایی که اهورامزدا در روز بازپسین به نیکان و بدان می دهد. برای همه ما نشانه آن است که سرانجام بدی چیزی جز بدبختی و پایان راستی چیزی جز خوشبختی نخواهد بود.**

## پند دهم

مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.
marəxšaitē	mā-nā	yē	aṭ
مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.
mazdā	ahmāt	anyāvā	
مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.
tā	hunuš	drūjō	dāmōiš hwō
مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.
həntī	yōi	duždā	
مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.
wanhuyā	ašəm	zbayā	maibyō
مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.	مردمان را دروغ گویند.
tē	gaṭ	ašī	

**کسی که در پی آزار و تباهی دیگران است. دشمن نیکی و  
 فرزند دروغ و گمراهی به شمار است. چنین کسی دارای  
 اندیشه ای نارسا و فهمی ناتوان و منشی زشت است. همه باید  
 بکوشیم تا راستی و درستی را در میان مردم رواج دهیم و  
 اندیشه و خرد آنان را کامل سازیم.**



## پنت دوازدهم

وایپو	خشنوش	تا-یم	نویت
waēpyō	xšnāuš	tā-īm	nōiṭ
زمو	پرتو	کوینو	
zēmō	pəretō	kəwīnō	
هایت	سپتامم	زاراوشترم	
hyaṭ	spitāməm	zarauštrem	
اشتو	وروراوست	اهمی	
aštō	urūraost	ahmī	
اودرهسکا	کاراتاسکا	یم	هوی
aodərəščā	caratascā	īm	hōi
	وازی	زویشنو	هایت
	wāzā	zōiṣənū	hyaṭ

گروهی از دشمنان زرتشت به نام کاوی ها فغانده می شدند

**پیروان کاوی هرگز زرتشت اسپنتمان را خشنود نساخته اند.  
گر چه افرادی از این گروه کوشیده اند با اندیشه ای رسا راه  
نجات خود را در زندگی دریابند و به رستگاری برسند.**

## پند سپردانم

مردم را بر سر راه خدا و فرستاده خدا و در راه او.

daēnā marədaiti drəgwatō tā

خداوند را در راه او.

haiḍīm ərəzāuš

مردم را در راه او و در راه او.

cinwatō xraodaiti urwā yehyā

در راه او و در راه او.

ākā ahərətā

در راه او و در راه او.

hizwascā šyaoṭanāiš hāiš

در راه او و در راه او.

paṭō našwā ašahyā

## پشیمانی پایان کار بدان است

**گمراهان و دروغ پرستان که به فرمان خدا و راه درست  
زندگی ارجی نمی نهند و با فریب دیگران آرامش زندگی  
مردم را بر هم می زنند. بی گمان روز واپسین روانشان بر سر  
پل چینود به بیم و هراس می افتد و از کردار و گفتار بد  
خویش پشیمان خواهند شد.**

## پند چهاردهم

کاراپانوس داتویبایسکا اورواتا نوت

karapanō

dātōibyasca

urwātā

nōit

ارهم وایسترات

arēm

wāstrāt

خویش آسندا آرویش گاوئی

x<sup>w</sup>aiš

āsēndā

ārōiš

gawōi

سنگهایسکا شیاوانایسکا

sēnghāišcā

šyaoīanāišcā

دریو آپمتم سنگو یایس

drūjō

apēməm

sēnghō

yā-īš

آدات دمانه

ādāt

dēmānē

**کشاورزی و آبادی زمین و پرورش چارپایان سودمند از آموزش های زرتشت است. کرپان ها این پیشوایان دروغین نمی گذارند مردم به کشاورزی و آبادانی زمین پردازند و به جای پرورش دام ها قربانی آنان را به مردم می آموزند. بی گمان در پایان نتیجه کردار زشت و بدآموزی های خود را خواهند دید و گرفتار دوزخ خواهند شد.**



## بند یازدهم

سومدم. هبلهوه. سدا سدا سدا. همد سدا سدا.

magawabyō zaraθuštrō mīždəm hyaṭ

سدا سدا. سدا سدا.

parā cōišṭ

سدا. وه سدا. سدا سدا. همد سدا.

mazdā ahurō dēmanē garō

سدا سدا. سدا سدا.

pouruyō jasaṭ

سدا. هبلهوه. سدا سدا. همد سدا.

managhā wohū wē tā

سدا سدا سدا. سدا سدا سدا. سدا سدا سدا.

ciwišī sawāiš ašāicā

بهشت یا بهترین زندگانی دو جهان بهره پارسایان و نیک منشان است

**همان مزد و پاداشی که زرتشت در انجمن برادری مغان از آن سخن رانده است. بهشت گروثمانی است که اهورامزدا از آغاز مقرر داشته و آن پاداش. تنها بهره کسی خواهد بود که پارسا و نیک منش باشد.**

## بند شانزدهم

مگاهیا ویشتاسپو کاوا تام

magahyā

wīštāspō

kawā

taṃ

ناساٹ خشاہرا

naṣaṭ

xšaṭrā

یا مانهو پادوبیش وانجوئش

yaṃ

manaṃhō

padōbiš

wanjēuš

مانتا اشا کستیم

maṇtā

ašā

cistīm

اویا-نہ اهورو مازدا سپنتو

aṭā-nē

ahurō

mazdā

spəntō

اوستا سزدیای

uštā

sazdyāi

### پذیرختن گشتاسب دین زرتشتی را

**کی گشتاسب به یاری انجمن برادری آیین بهی را با پاک منشی  
برگزید و به راه پارسایی با اندیشه و خرد نیک گام نهاد. باشد  
که مزدا اهورای پاک برابر قانون ابدی خود همه را به سوی  
راستی رهنمایی فرماید.**

## پند هفتم

هراکله اهورا مزدا . موی . فریاد سحرمدی اهورا . سورا-سورا .

hwō-gwō

fēraṣaoštrō

mōi

bərəxδam

وسرور اهورا . کهرپم .

kəhrpēm

daēdōišť

وسرور اهورا . وانجیای . یام .

yam

wanjuyāi

daēnayāi

سورا . داتو . ایشیام .

dātū

išyām

hōi

سور اهورا . اهورا . مزدا .

aṣahyā

ahurō

mazdā

xṣayās

سور اهورا . اژدیای .

gərəzdīm

āždyāi

فرشوشتر نیز زندگی خود را وقف خدمت به دین بهی می کند

**فرشوشتر هوگوه با خشنودی. زندگی خود را در راه خدمت  
به آیین مقدس پیشکش نمود. بشود که مزدا اهورا او را برای  
ایمان پاکش. بهره راستی و رستگاری ارزانی دارد.**

## پند هجدهم

هتو گوه - هتو گوه . دژاماسپو . کستیم . تام

hwō-gwō

dējāmāspō

cistīm

taṃ

دژاماسپو . کستیم . تام

x<sup>w</sup>arēnā

ištōiš

خشاثرم . تات . ورانته . اشا

xšaθrem

taṭ

wərəntē

ašā

ویدو . وانوهیش . ماناوهو

widō

waṇuhīš

manaṇhō

مزداه . هتات . اهورا . دایدی . موی . تات

mazdā

hyaṭ

ahurā

dāidi

mōi

taṭ

توا . راپن

tawā

rapēn

### ایمان آوردن باماسب وزیر گشتاسب شاه

جاماسب هوگوه آن دانای خردمند نیز به آیین راستی درآمد. بشود که اهورامزدا از برای ایمان پاکش او را از دانش رسا و منش پاک برخوردار سازد و هم چنین به همه کسانی که به دین بهی ایمان می آورند. بهره نیک منشی و دانایی ارزانی دارد.

## پنت نوزدهم

سورجی. مده. سد. و مدوردی-د-سوسسد. مدردمدهسد.

spitamā mailyōi-māḡhā nā taṭ hwō

دسدهسد. و دیوس.

dazdē ahmāi

و دیوسدسد. و دیوسو و دیوس.

yō waēdōmnō daēnayā

دسده. دیوسدسد. مدردی.

aibī iṣasas ahūm

و دیوس. و سدسد. و دیوس. و دیوسدسد.

gayehyā mraot dātā ṡazdā

سوردسد و دیوسدسد. و دیوسدسد.

wahyō ṣyaoṡanāiš

### ایمان آوردن میدیوماه پسر عموی زرتشت

**میدیوماه اسپنتمان نیز پس از آن که از روی نیک منشی و دانش راستین، این دین را پذیرفت، دریافت که برای خوشبختی دیگران باید در راه آموزش دین بهی کوشا باشد. چه پیروی از آیین مزدا برای مردم جهان بهترین چیز است.**





## بند بیست و دوم

و سزین دند. و سزین دند. و سزین دند. و سزین دند. و سزین دند.

wahištəm hacā ašāt mōi yehyā

و سزین دند. و سزین دند.

paitī yesnē

و سزین دند. و سزین دند. و سزین دند. و سزین دند.

yōi ahurō mazdā waēdā

و سزین دند. و سزین دند.

hənticā aṅharəcā

و سزین دند. و سزین دند. و سزین دند.

nāmēnīš x<sup>w</sup>aiš yazāi tā

و سزین دند. و سزین دند. و سزین دند.

waṅtā jasāi pairicā

ستایش ها باید از روی فرد و ایمان و دور از ریا باشد

از میان مردمان. کسی که به درستی و راستی و بدون تظاهر و ریا ستایش خود را به اهورامزدا پیشکش کند. پروردگار دانا آن را به خوبی در می یابد- خواه آن ستایش در گذشته یا حال باشد. من چنین کسانی را گرامی می دارم و با ذکر نام از آنان سپاس گذاری می کنم.



# پسنا-هات ۵۴

## بند یکم

وادس دوسدس. به دس دس. داس دس. زدا دس دس دس دس.  
 zaraϑuštrahē srāwī īštiš wahištā  
 دس دس دس دس دس. دس دس. دس دس. دس دس.  
 āyaptā dāt hōi yezi spitāmahyā  
 دس دس. دس دس. دس دس. دس دس.  
 yawōi mazdā ahurō hacā ašat  
 واد دس دس. دس. دس دس دس دس.  
 hwaṇhewīm ā wīspāi  
 دس دس دس. دس دس. دس دس. دس دس.  
 daēnaya sašēncā dabən hōi yaēcā  
 واد دس دس دس. دس دس. دس دس.  
 šyaouanācā uxδā waṇhuyā

برآورده شدن آرزوی اشو زرتشت در گسترش یکتاپرستی

**برترین آرزوی زرتشت اسپنتمان برآورده شد. چه اهورامزدا  
از راه آشا به آیین او زندگانی جاوید بخشید و حتی آنان که  
دشمن دینش بودند آن را پذیرفتند و پیروی می کنند.**

## پند دوم

مخمس	سجده	مردم	مردم	مردم
uxdāiš	manajhā	scaṇtū	hōi	aṭcā
سوددند	مردم	مردم	مردم	مردم
ā	wahmāi	mazdā	xšnūm	šyaoθanāišcā
دند	مردم	مردم	مردم	مردم
wištāspō	kawacā	yasnaścā	fraoreṭ	
مردم	مردم	مردم	مردم	مردم
fərašaoštrascā	spitāmō	zaraθuštriš		
مردم	مردم	مردم	مردم	مردم
daēnaṃ	yaṃ	paθō	ərezūš	dānjhō
مردم	مردم	مردم	مردم	مردم
dadāt	saošyantō	ahurō		

### بهترین راه آموزش دین به مردم

برای خشنودی مزدا باید همه از روی میل با اندیشه و گفتار و کردار نیک برای گسترش بهترین دین و انجام کارهای نیک به آموزش مردم بپردازند. پیامد این کوشش هاست که کی گشتاسب و فرشوستر هواخواه زرتشت شدند و از سوی اهورامزدا چون سنوشیانت ها در آموزش راه درست دین به مردم کامیاب گردیدند.



## پند چهارم

.سرسد	.کاماسپه	.مردن اوسدپه	.کاف	.زی	.تەم
yā	warānī	spərədānī	wē	zī	tēm
.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد
wāstryaēibyō	paiṭyaēcā	wīdāt	fəδrōi		
.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد
manaṅhō	ašawabyō	ašāunī	x <sup>w</sup> aētaowē	atcā	
.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد
bēəduš	mēm	haṅhuš	x <sup>w</sup> ənwaṭ	waṅhəuš	
.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد
daēnayāi	ahurō	dadāt	mazdā		
.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد	.کاماسد اوسد اوسد اوسد
ā	wīspāi	yawōi	waṅhuyāi		

### پاسخ پوره پیست به پدر پس از اندیشه ژرفا

**ای پدر. پس از ژرف اندیشی، من (جاماسب) را پسندیدم و دوست دارم و با ته دل به او مهر خواهم ورزید و او را به عنوان شوهر آینده خود مانند پدر و بزرگ تر و راهنمای خود خواهم پذیرفت. بشود که مزدا اهورا بخشش نیک اندیشی را همیشه بهره ما سازد.**

## بنت پنجم

دسرسرے۔	کاسی دسدسرددے۔	وسدسرددے۔	سلسے۔
mraomī	kainibyō	wazyamnābyō	sāx <sup>w</sup> ēnī
مذدسدسرددے۔	سلسے۔	کاسی دسدسرددے۔	سلسے۔
maždazdūm	mēñcā-ī	wadəmnō	xšmaibyācā
کاسی دسدسرددے۔	وسدسرددے۔	مذدسدسرددے۔	
abyascā	daēnābīš	waēdōdūm	
مذسرددے۔	سلسے۔	کاسی دسدسرددے۔	مذسرددے۔
mananjhō	wajhōuš	yē	ahūm
مذسرددے۔	کاسی دسدسرددے۔	مذسرددے۔	سلسے۔
wīwēñghatū	ainīm	anyō	wē ašā
مذسرددے۔	سلسے۔	مذسرددے۔	سلسے۔
anjat	hušēnəm	hōi	zī taṭ

اندرز اشو زرتشت در مجلس عروسی پوره پیست به نه همسران

ای نوعروسان و دامادان. روی سخنم با شماست. به اندرزم  
گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت در پی  
زندگانی پاک منشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک  
و مهرورزی بر دیگری پیش دستی جوید تا این زندگانی  
مقدس زناشویی را با شادی و خرمی به پایان رسانید.

## پست چشم

دولسد۔	سومدولسد۔	سد اچ۔	سولسد۔	سولسد۔	سولسد۔
jānayō	aṭā	narō	haiṭyā	iṭā-ī	
ولسد۔	سومسد۔	اسولسد۔	سولسد۔	سولسد۔	سولسد۔
frāidīm	spaṣuṭā	yēmə	rāṭemō	hacā	drūjō
ولسد۔	سومسد۔	سولسد۔	سولسد۔	سولسد۔	سولسد۔
parā	tanwō	piṭā	hōiṣ	āyesē	drūjō
ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔
naṣaṭ x <sup>w</sup> āṭrəm	duš-x <sup>w</sup> arəṭīm		wayū-bərədubyō		
ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔
anāiṣ	dājīṭ-arəṭaēibyō		dregwōdəbyō		
ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔	ولسد۔
mərəṅgəduyē	ahūm		manahīm		ā

### دنباله اندرز اشو زرتشت به مردان و زنان

ای مردان و زنان. راه راست را دریابید و با منش پاک آن را پیروی کنید و هیچ گاه گرد دروغ و خوشی های زود گذر زندگی که تباه کننده خوشبختی شما در آینده است نگردید. زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد چون زهر کشنده ای است که به شیرینی در آمیخته و همانند خورش دوزخی است. با این جور کارها زندگانی گیتی و مینوی خود را تباه مسازید.

## پنجم

مخمس.	ف.	عبله.	مزم.	مدم.	مدمدم.
magahyā	ahyā	aṅhaṭ	mīždəm	wē	aṭcā
مدمدم.	مدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.
haxtayā	būnōi	zarazdištō	āžuš	yawaṭ	
مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.
yaḍrā	aorācā	mraocāṣ	paracā		
مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.
parā	anāsaṭ	drəgwatō	mainyuš		
مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.
wē	aṭ	tēm	magēm	iwīzayaḍā	
مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.	مدمدم.
wacō	apēməm	aṅhaitī	wayōi		

### دنباله اندرز اشو زرتشت

**ای جوانان و همسران. پاداش پیروی از راه درست و راست  
زندگی را پروردگار به کسی بخشد که هوا و هوس و  
خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور سازد و بر نفس  
خویش چیره شود. زیرا کوتاهی و غفلت در این راه پایش  
جز ناله و افسوس نخواهد بود.**

## بند هشتم

مردانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.
hōntū	dafšnyā	dužwarəšnaḡhō	ā	anāiš
و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.
upā	xraosəntam	wīspāḡhō	zahyācā	
و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.
rāmaḡcā	xrūnəraḡcā	jənəraḡm	huxšaḡrāiš	
مردانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.
wīžibyō	šyeitibyō	dadātū	āiš	
و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.
dərəzā	hwō	dwafšō	iš	īratū
و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.	و اولاد ایشانند.
astū	mošucā	mazištō	mərəḡyāuš	

**فريب خوردگانی که دست به كردار زشت زنند گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد که سرانجامش خروش و فریاد و ناله است. ولی زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش دهند آرامش و خوشی زندگی بهره شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور می شود و به نیکنامی جاودانی می رسند.**



## پند نهم

و دله و دله (د) س د س د . و د ل س س س س . ا س د م م م م . م م م م . (د) ا ل ل ل ل ل ل .  
 narēpiš      tōi      rāstī      waēšō      dužwarēnāiš  
 ا س ل ل ل ل ل ل . د ل س س س س س س . و ل ل ل ل ل ل - م م م م م م . ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل .  
 pešō-tanwō      dējī-t-arētā      aēšasā      rajas  
 و م . د ل س س س س س . م م م م م م . و م م م . م م م .  
 īš      yē      ahurō      ašawā      kū  
 م م م م م م م م . م م م م م م م م . و م م م م م م م م - م م م م م م م م م م .  
 wasē-itōišcā      hēmiṭyāt      jyātēuš  
 م م م . م م م م م . م م م م م م . م م م م م م م م . (د) ا ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل .  
 erəžejyōi      yā      xšaθrem      tawā      mazdā      taṭ  
 و م م م م م . و ا د ل ل ل ل ل ل . و ا س م م م م م .  
 wahyō      drigaowē      dāhī

اهورامزدا یاور نیکو کاران و درست اندیشان است  
**پیروان راه بد مردم نیک را خوار شمارند و دیگران را بر ضد  
 آنان وا می دارند. اینان چون فرمانبر نفس خویش اند، دین  
 داران را پست شمارند و می کوشند تا آنان را آلوده سازند.  
 کیست آن سرور دادگری که با تمام وجود بر ضد آنان برخیزد.  
 ای مزدا تنها تو می توانی با نیروی خود دین داران درست  
 کردار و نیک اندیش را یار و یاور باشی و آنان را نیکوترین  
 پاداش و مزد بخشی.**

.....

به روز زامیاد ایزد و آذرماه ۳۷۴۲ دینی  
۱۳۸۳/۹/۲۲  
آرمین کسروی